شماره
۲۲۲
فهرست

یا متنعم اندیا معذب تا بعد از انقضاء ایام مدت دنیا که علام الغیوب دانا ست عالم خراب میشود چنانکه کلام
ربانی مکرر بر آن ناطق است و افراد انسانی دفعةً واحده متوجه دار فنا میگردند و مخلوقی که مسافر راه عدم گشته اند
گاهگان قدم در بزم وجود گذاشته و گوی وجود خواهند پوشید پس تطایر کتب و میزان و صراط و بهشت و دوزخ
حق است و خدای عالم و قادر بر وقوع آنها خبر داده و احادیث مخبر صادق در آن باب وارد است که
عرصات تائه اگه در زمان حیات کسب کرده اند روان میشود و آن روز را روز اکبر گویند که اعمال بر ایا بحضرت
عزت عرض میکنند هر کدام مقبول بارگاه احدیت شده عامل آن را بجنت اعلا ببرند
و هر چه مردود جناب الهی گشت صاحبش را روانه سعیر میکنند و جمله
سرایر در آن روز آشکار میگردد **مثنوی** چون
قیامت روز عرض اکبر است عرض آن خواهد که یارب و
فرست هر که چون هندوی بد سود است
روز عرضش نوبت رسوائیست
هر چه پنهان باشد پیدا
شود هر که او خائن
بود رسوا شود
وصلی

علی محمد و آله الطاهرین بر ضمیر اصحاب دانش مخفی و مستور نخواهد بود که جامع این اوراق اکثر بلاد
و قرآء عالم و آفاق را گردیده و بسیار از بقاع و مشاهد و قبور را دیده بعضی را کاملاً اطلاع و اطمینان
بصحت اسم و رسم و نسب و منتهی الیه و تاریخ ایشان نداشت از قید تحریر بر انداخت و بذکر امامزاده هائی
اکتفا نمود پرداخت آنچه در کتب مورخین ثبت و ضبط بود
قلیلی از کثیر آن بوجه اختصار معروض گردید تا موجب
تطویل کلام نگشته تا از شرح حال و تاریخ
عموم بزرگان عالم مطلع گردند
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیاتنا و توفنا مع الابرار بحرمت الاطهار الاخیار

از کتاب جغرافیای جلد چهارم مشتمل در ذکر جغرافیای اسلام و فواید مسافر و حاجی و زایر و فضایل در زیه رسول الله و شرح حال مولف رو سیاه و مشتمل بر چهار آثار است

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی من علینا بدین الاسلام وجنبنا عبادة الاوثان حمدا سرمدا وشکرا واصبا وهدانا بنبوة خاتم النبیین وبولایة امیر المومنین وذریته المعصومین صلی الله علیهم اجمعین **وبعد** چنین گوید فقیر درویسیاه وعاصی السید محمد باقر ابن واعظ بن مرتضی بن باقر الحسینی الخلخالی بمفاد آیه شریفه ان الدین عند الله الاسلام یعنی ای لادین عند الله مرضی سواه یعنی بجز دین اسلام دینی نیست که خداوند ازو راضی بوده باشد بایت دعلی ما اما ای اسلام بوجود مسعود سلاطین روی زمین که در دین قویم وصراط مستقیم حضرت سید المرسلین هستند زیرا که بنا بمصداق الناس علی دین ملوکهم قدرت وحکام سلاطین مسلمان جهان وقوام ملت ودولت ایشان را ابدالدهر طالب بوده باشیم خصوصا که دولت علیه ایران اشرف دول روی زمین است وسلطانش اعم اجل واکمل سلاطین است چه حقیقه شریعت محمدی ومنهاج شریفه ذریه احدی ببرکت وجود مسعود آن شاهنشاه مقتدر در ممالک ایران شایع وطالب ومکرمند وذلک فضل الله یوتیه من یشاء پس گاه العیاذ بالله احدی ازاحاد ناس قوام این دولت را طالب نباشد همانا طالب اساس شریعت سید المرسلین خواهد بود

آثار اول در جغرافیای ممالک اسلام

بدانکه علمای جغرافیا در روی کره ارض ادیان مخلوق را بچهار نوع ملت تقسیم کرده اند مسلمان عیسوی یهودی مشرک ومسلمان عبارت است از اشخاصیکه حضرت

در بیان مشاهد منوره سم

ریان بن شبیب خال معتصم عباسی از ثقات اصحاب بود داوجمع نمود مسائل صباح بن نصر هندی را که از حضرت امام رضاء سئوال نموده بود وآخر در قم ساکن شد ودر آنجا نیز مدفون است **محمد بن الحسن** کنیت او ابو جعفر شیخ نجاشی گفته که او شیخ اهل قم وفقیه وثقه ومقدم ایشان بود واز مصنفات او کتاب تفسیر قرآن وکتاب جامع حدیث است ووفات او در سال سیصد وچهل اتفاق افتاد **حسین بن بسطام** صاحب طب الائمة **ابی جریر** زکریا بن ادریس **آدم** بن اسحق **محمد** بن قولویه **الحاج شیخ احمد** بن اسحق الاشعری از وزکلای حسن عسکری علیه السلام بود **میرزا حسن** بن عبد الرزاق لاهیجی ودر طاها **آقا سید عبد الله** برادر زاده آنجناب **میرزا ابو طالب** والسید الجلیل المتقی **آقا سید علی** در دار الحفاظ مدفون است **وحسن بن محمد** بن حسن صاحب کتاب تاریخ قم **وسید ابو الحسن الرضا** مدفون است در مزار بویان شهر قم **میرزا محمد باقر** بن محمد ابراهیم الرضوی القمی اصلا والهمدانی مسکنا ومولدا توفی فی الثامن عشر من شهر صفر ثمان عشرة ومائتین بعد الالف بهمدان ونقل بقم المبارکه ودفن بدار الحفاظ **السید ابو الخیر** بن مهدی بن علی بن محمد مقیم بن رفیع بن محمد زکی بن میرزا المرحوم میر محمد رضا الحسینی الخلخالی انجناب قبل از بلوغ بامتفاده علوم در قصبه هراباد مشغول گشت بعد در آنجا سفر طهران فرمود بجهة علم منقول از فقه اصول بدرس آقا میرزا عبد الرحیم نهاوندی وحاجی میرزا حسن اشتیانی حاضر شده برای تحصیل کلام وحکمت وریاضی بدرس آقا حکیم ویرزای جلوه ودیگر اجلهٔ حکمت میرفت بعد از آنکه فارغ التحصیل شد خواست بوطن خود مراجعت نماید سنه هزار وسیصد ونه از دنیای عراق در منزل یکی امام وفات یافت در آن امام زاده مدفون گشت بعد برادر عالیقدرش میرزا دیس صدر العلماء از آنمقام حمل بقم نموده در جوار حضرت فاطمه علیها السلام مدفون گردید بالجمله بسیاری از امام زاده وعلماء ومجتهدین واصحاب وشیاخ وغیرهم ازعلماء وسلاطین عموما دوست دارند در آن بقعه مبارکه مدفون شوند لیکن فقیر بهمین قدر اکتفا نموده بتطویل نزد اهتم **واز سلاطین** که در جوار حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها هستند **شاه عباس ثانی** مدت شانزده سال سلطنت کرد سنه هزار وهفتاد وشش وفات یافت **فتحعلی شاه الملقب بخاقان مغفور** مدت سی وشش سال وپنجاه سلطنت کرد سنه هزار ودویست وپنجاه در اصفهان از مرض سینه وفات یافت عمرش شصت وچهار سال وچهار ماه بود در قم مبارکه مدفون گشت **محمد شاه** بعد از مدت چهارده سال سلطنت سنه هزار ودویست شصت چهار در شیران رحلت یافت عمرش چهل ویکسال ویازده ماه بود در قم مدفون گشت

بهشت دوم در شرح شاهدری

بدانکه ری دار الملک ولایت عراق عجم و شهری بوده معظم و در زمان قدیم آن ولایت را راز میگفتند در جزء عراق و شهور آفاق بود و یا انکه راز وری هر دو بکولایت منسوب بری را رازی میگفتند اکنون خرابه و در اراضی اش بلاد جدیده احداث کرده اند از قبیل دار الخلافه طهران و بلده حضرت عبد العظیم و غیره بنا کرده اند بالجمله در شرافت شهر ری حدیثی از حضرت جعفر صادق روایت نموده اند الری والقزوین والشاوه ملعونات و مشئومات در وقتیکه عبید الله زیاد ملعون حکومت ری را نامزد عمر بن سعد وقاص نمود که لشکر برداشته بقتال حضرت حسین علیه السلام بکربلا رود و عمر بن سعد متردد بود که آیا مرتکب قتل امام علیه السلام باشد یا نه این ابیات را بر زبان میراند شعر ءاترک ملک الری والری مبتغی ام ارجع ماثوما بقتل حسین و فی قتله النار التی لیس دونها حجاب وملک الری قرة عینی آخر الامر حب دنیا و ریاست ری بر او غالب شده حکومت انجا را قبول کرد کوشه خاتم الانبیاء اختیار نمود چنانکه ناظم منظم آورده شعر بشرب بیار در رفت بتعمیر خاک شام بطحا خراب شد بتمنای ملک ری باقی حال ری مدینه مشهوره بود در روزگار شان چنان خراب نمود که اکنون جز از خرابه چند دا ثار پت و بلند علامتی ندارد و از آثار ولایت اصحاب حال دار باب کمال بسیار ظهور کرده اند منجمله از عرفا یحیی بن معاذ و شیخ یوسف بن حسین و شیخ نجم الدین صاحب رصاد العباد و از علماء شیعه سید مرتضی مؤلف تبصرة العوام و محمد بن عبد الرحمن صاحب کتاب انصاف و محمد بن اسحق صاحب کافی و از علماء اهل محمد بن زکریا امام فخر الدین صاحب تفسیر کبیر و از حکماء احمد بن محمد ابو علی مسکویه و مولانا قطب الدین محمد دار و زر آسعد الملک و اشال انها لا تعد و لا تحصی از انجا بوده اند بعد انکه مزار فایض الانوار حضرت عبد العظیم در حوالی ری واقع شد بلده باسم آنحضرت آباد مسمی گردید و طهران نیز در زمان قدیم قصبه بود که ده را زیاده ری میگفتند بعد از آن تخت گاه ملوک قاجاریه گردید از همت ایشان بر عمارات آن افزودند اکنون شهر معظمی دار الملک مملکت ایران است و اطراف شهر را خندق و حصار کشیده اند از میدان شق و توپخانه تا دروازه مدارس و مساجد و کاروانسرا نقص و قصوری ندارد و الحال مسکن ارباب دولت و مامن اصحاب حشمت و محل ازدحام و جمعیت است عمارات نیکو و باغات چون مینو و خیابانهای دلکشا و سبزه زارهای بهجت فزا و اصطبلهای بسیار با صفا طرح انداخته اند جنة عالیة تسکن فیها الابرار بلدة طیبة تنزل فیها السادات تحتها تجری عیناً تلذ الاعین فوقها روضة رضوان با علی درجات دل ربا ساخته زینده چو رخساره حور من بنات حسن انتهایش بنات از بنان نمکی و زر آب آن نوش لبان

ذکر شاهدری و اراضی

دلها ملح اجاج و لبها عذب فرات همه سکنه خط و سمین بدن و غنچه دهن همه کلهره و شکرلب و شیرین حرکات و علمای جعفری نفوس و جمعیت طهران را شصت و شش هزار نوشته اند و نفوس حضرت عبد العظیم را نیز تخمین کرده اند که کلیته چهار صد هزار بوده باشد دار الخلافه طهران سیزده باب دروازه دارد ۱ دروازه یوسف آباد ۲ دروازه شمیران ۳ دروازه دولت این سه دروازه در سمت شمال طهران واقع اند ۴ دروازه دوشان تپه ۵ دروازه دولاب ۶ دروازه خراسان در سمت مشرق شهر واقع اند ۷ دروازه راه آهن ۸ دروازه حضرت عبد العظیم ۹ دروازه غار ۱۰ دروازه خانی آباد در طرف جنوب شهر واقع اند ۱۱ دروازه مبارک ۱۲ دروازه قزوین ۱۳ دروازه باغ شاه در سمت مغرب شهر واقع اند و مسافت از طهران الی اخر انهای ری دو میل الی قصبه حضرت شاهزاده عبد العظیم قریب بیکفرسخ میشود امور خیتین در شرح حال امام زاده واجب التعظیم علیه السلام نوشته اند که آن بزرگوار از اکابر محدثین و از اصحاب حضرت امامین محمد تقی و علی النقی علیهما السلام بوده و از جور خلفای عباسی بری تشریف آورده مخفی شد در سردابی در خانه مردی از دوستان اهلبیت در سکه الموالی عبادت میکرد روزها روزه میداشت و شبها بنماز مشغول بود در پنهانی بیرون آمده قبری را زیارت میکرد و بعضی مرقوم کرده اند که این قبر از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است تا انکه مردم ری آنحضرت را شناختند تا روز یکه از دنیا رحلت فرمود و در خواب دید که آنحضرت فرمود مردی از فرزندان من در سکه الموالی وفات یابد دفن کنید او را در نزد درخت سیب در باغ عبد الوهاب بن عبد الوهاب بن عبد المجبار پس آنشخص بانجا رفته دفن کرد پس آنشخص رفت انکان را از صاحب باغ بخرید صاحب باغ باب ابتیاع باغ را پرسید آنشخص خواب خود را نقل کرد صاحب باغ گفت من نیز این خواب را دیده ام بهر حال باغ را بر آن سید بزرگوار وقف کردند بعد از چندی حضرت عبد العظیم بیمار شد و بر حمت ایزدی واصل گردید در هنگام غسل از خویش رقعه پیدا کردند که قبر خود را در آن نوشته بود که انا عبد العظیم بن عبد الله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام امام زاده واجب التکریم السید الشاه عبد العظیم کنیته ابو القاسم و کان عالما عابدا ورعا و محترما عند الائمة من الجواد و الهادی علیهما السلام و کانا یجیبانه جتا شدیدا و قد عرض دینه الحق علی سیدنا الامام علی الهادی و قد ورد فی فضل زیارته من زاره قبره کان وجبت له الجنة و قال شیخنا الشهید الثانی ره فی تعلیقه علی الخلاصه هو عبد العظیم المدفون عند المسجد الشجره بالری و قبره یزار و قد نص علی زیارته الامام علی بن موسی الرضا فمن زاره قبره وجبت له الجنة روی الشیخ الصدوق و معنعنا عن یحیی العطار قال دخل علی ابی الحسن العسکری من اهل الری فقال

بهشت دوم در ذکر مشاهد

این کنت قلت مزرت الحسین؟ قال اما انك لو زرت عبد العظیم عندکم لکنت کمن زار قبر الحسین
یعنی مردی از اهل ری بخدمت حضرت امام ابی الحسن العسکری شرف شه امام از وی پرسید که کجا بودی عرض کرد
بزیارت حسین بن علی رفته بودم فرمود اگر زیارت میکردی قبر حضرت عبد العظیم را که در زرند شمات هر آینه مثل
کسی بودی که زیارت جدم حسین را کرده باشد و فرمود من زار عبد العظیم بالری کان کمن زار الحسین یکبرا

واولد عبد العظیم محمد بن عبد العظیم وکان زاهدا کبیرا واقرض عبد العظیم فلا عقب له 9

محل نقشه صحن وسرا و کنبد وبارگاه حضرت شاه عبد العظیم را از جهة
تیمن وتبرك در این ورقه کشیده شده نمره ده

بنیان کنبد وتعمیر روضه مطهره حضرت عبد العظیم علیه السلام

اولین بنا را مجد الملك راد ستانی کرد وبنیان رواق وایوان از مرحوم شاه طهماسب بن شاه اسمعیل است
ضریح نقره وآینه بزرگ از مرحوم فتحعلی شاه است وخارج کنبد را ناصر الدین شاه طاب ثراه بزر
سرخ کرفته وباتمام رسانید ونقاشی ایوان مبارك از آثار خیریه میرزا آقا خان نوری است
باقی تعمیرات از رواق وایوان وچراغها وغیره بامر ناصر الدین شاه رضوان جایگاه اتمام پذیرفت
الحق آن پادشاه منفور این علیها را ذخیره روز رستاخیز قرار داد و در حیاتش غالب اوقات بزیارتش
مشرف میشد تا روز جمعه وقت زوال مغدام ذی قعدة الحرام در سال هزار و سیصد و سیزده
در حرم مطهر حضرت عبد العظیم در دولت میرزا رضای کرمانی بخدمت اولیای دین واصل شد و در تربت
عنبر سرشت مخلد کردید و در جوار حضرت عبد العظیم قریب بقبر شریف حاجی ملا علی کنی اعلی الله مقامه
مدفون کردید بامر مرحوم مظفر الدین شاه کنبد وضریح جداکانه بر سر مزارش برافراشتند ثم ان بارض
الری وجبالها العالیة من مقابر اولاد الائمة جم غفیر در زمین ری مزار امام زاده
بسیار است بعضی از ایشان مخفی وبرخی در ظاهر و اشتهار است

منجمله

قصبهٔ حضرت عبد العظیم وشهر طهران

منجمله **مزار فایض الانوار حضرت حمزة بن موسی الکاظم علیه السلام** وکان فی
مقابل قبر حضرة عبد العظیم قبر الامام زاده حمزة بن موسی بن جعفر الملقون بالرتبه وهو
ایضا هنالك مزار معروف الی زماننا هذا این بزرکوار با امام زاده احمد شهور بشاه چراغ وبا امام زاده
محمد بن موسی الکاظم هر سه از یکما درند واما اکثر علمای رجال فرموده اند وبحر العلوم از شیخ نجاشی روایت کرده
که مدفن حمزة بن الامام موسی علیه السلام در بین النهرین در قریه که بقریة الحمزه مشهور است واقع
در جزیرة العرب در جنوب حله مابین دجله وفرات آنقریه با قریه مزیدیه قرب جوار بقرار صد و پنجاه
هزار خانوار است مزار حمزة بن موسی در آمدیار بغایت شهارت ودقعات ظاهر وشایع برای
زیارت آنجناب شد رحال میکنند از مکانهای دور در حضرت صاحب الامر علیه السلام بچند نفر از علمای
دین وفقهای مؤمنین ظاهر کشته وفرموده است انکه کویند حمزة بن امام موسی در ری مدفون است
بمفاد درست مشهور لا اصل له است بسا چیزها یکه شهرت کرده واصلی ندارد بلکه در ری

مزار فیض آثار حضرت ابی یعلی حمزة بن قاسم بن علی بن حمزة بن

حسن بن عبد الله بن عباس بن امیر المؤمنین علی علیهم السلام است شیخ نجاشی کفته
ابو یعلی حمزة بن قاسم ثقة جلیل القدر وفقیه العصر است از اصحاب حدیث دار علمای غیب صغرا
ومعاصر علی بن بابویه والد صدوق است العلم عند الله **وقبر منور امام زاده طاهر**
بن محمد بن محمد بن حسن بن حسین بن عیسی بن یحیی بن حسین ذی الدمعة
بن زین العابدین علی بن الحسین علیهم السلام در جوار حضرت عبد العظیم است **قبر متقدس**
امام زاده عبد الله ابیض بن عباس بن محمد بن عبد الله الشهید بن حسن افطس بن علی بن ابی طالب
نزدیك بمزار حضرت عبد العظیم است امام زاده عبد الله در سال سیصد ونوزده برحمت ایزدی پیوست
مرقد منور امام زاده زید از اولاد جعفر بن حسن مثنی بن حسن المجتبی علیهم السلام در وسط شهر طهران واقع است
ودر جوار آنحضرت بقعه ایست مشهور **بسید ولی الدین** وبقعه متبرکه **امام زاده یحیی** بن حسین
ذی الدمعة بن زید بن علی بن الحسین این بزرکوار نیز شهید شده یحیی بن زید زیرا که یحیی بن زید در سرخس
شهید شد چنانکه در این کتاب در محل خود شرح حالش مسطور کشته است ان یحیی بن الحسین ذی العبرة

مشاهد منوره ملک ری

در اطراف شهر طهران و حوالی خرابهای ری و جبال آن از قبور امام زاده های عظام و علمای ذوی الاحترام
و اولیای کرام مملو و مشحون است منجمله **امام زاده علی و سیده ملیکه خاتون** چون در
کتب انساب در رجال و تواریخ هر کدام بنظر فقیر نرسیده و اغلب ویرا کاشف کشته آبا الواح داشته باشند
دارا اولاد کدام امام است و نسبش بکه منتهی میشود معلوم نیست لهذا به تحریرش نپرداخت از امام زاده های
معظم محترم که در زمین ری مدفون است در قریه دنک که نزدیک بطهران است **مزار فیض آثار**
امام زاده قاضی وصابر ابو القاسم علی علیه السلام در آمد یارت آنجناب بجند
واسطه بحسین الاصغر بن امام زین العابدین علیه السلام میرسد آنجناب بسیار سید جلیل القدر و فاضل فقیه و محدث
و عالم و خیر بود **نسب باهره اش** ابو القاسم علی بن محمد بن نصر بن مهدی بن محمد بن
علی بن عبد الله بن عیسی بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام **مقابر**

ارکان علمای دین و فضلای ملت در اراضی ری میباشد

مولانا شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی شیخ نجاشی
گفته که آنجناب در اوایل سفارت حسین بن روح از مادر متولد شد که او شیخ ما و فقیه خراسان بود در سال سیصد
پنجاه و پنج در عنفوان جوانی ببغداد آمد و بشیوخ طایفه از او استماع حدیث نمودند و شیخ طوسی در کتاب فهرست
گفته که ابو جعفر بن بابویه شیخ جلیل القدر حافظ احادیث بصیر بحال رجال و ناقد آن اخبار بود در میان
علمای قم مانند او در حفظ و کثرت علم پیدا نشده و قریب بسیصد تصنیف دارد آخر بالتماس شیعه ری
در آنجا اقامت فرمود بتعلیم مسائل ایشان مشغول بود و شیعه خراسان را نیز بفتوای او رجوع داشتند و از عمرش
هفتاد و سال گذشت سال سیصد و سی و یک در خطه ری وفات کرد قریب بمشهد حضرت عبد العظیم و طرفی رو آن
آن بزرگوار از عزایش در کمال شهارت است **مزار شیخ یعقوب پدر شیخ محمد کلینی**
در مقابر ری واقع است (کلین) در زمان قدیم قریه بود نزدیک بشهر ری و دیگر
قدوة المفسرین الشیخ ابو الفتوح حسین بن علی الرازی از علماء اعلام
و از عظماء ادباء انام از اولاد بدیل بن ورقاء الخزاعی بود شیخ عبد الجلیل رازی گفته که خواجه امام
ابو الفتوح رازی مصنف بیست مجلدات از تفسیر قرآن قبر شریف آنجناب در صحن امام زاده
حمزه است و الواحی از کاشی که زرد ملمع باید بر آن نصب شده است که اسم آن مرحوم در آن منقوش
و مکتوب است بر حسب وصیت در جوار حضرت عبد العظیم و امام زاده حمزه مدفون گردید اما صاحب

بهشت دوم در ذکر

و مضجع امام زاده ناصر الدین بن محمد بن احمد بن ابی القاسم حمزة بن عبد الله الباهر
بن علی بن الحسین در وسط شهر طهران واقع است **و قبر مطهر امام زاده معصوم**
بن ابراهیم بن محمد بن ابراهیم ابو اسحق بن ابو عبد الله الحسین شیخ المحدثین و رئیس بغداد بن السید
احمد بن موسی الثانی ابن الامیر ابراهیم المرتضی ابن الامام موسی الکاظم **و مرقد منور**
امام زاده حسن امیر بن ابی عبد الله محمد عزیز بن احمد الخطیبی ابن حسن بن جعفر
بن هارون بن اسحق الکوکبی ابن حسن امیر بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام
درست غربی طهران بمسافت یکمیل واقع است و امام زاده های که در قرآ آشیران در سمت شمال طهران در دو فرسخی
مزار امام زاده قاسم بن امیر حسن بن زید حسن بن علی بن
ابی طالب عوام گویند که سر مبارک شاهزاده قاسم بن حسن را حصین بن نمیر کندی بری آورده
چوگان بازی کردند و در در بند شمیران در موضع رود بار علیا دفن نموده اند غلط است اصلا ندارد
همانجا مدفن همین امام زاده قاسم بن حسن که معروض گردید میباشد و بقدر نیم فرسخ بالاتر از آن **مدفن**
شریف امام زاده داود بن سلیمان بن عبد الله بن موسی الجون بن عبد الله المحض
بن الحسن المثنی بن زید بن الحسن المجتبی علیهم السلام **و بقعه منور امام زاده صالح**
بن ابو الفاتک عبد الله بن امام زاده داود مزبور است در قریه تجرش شمیران مزارش مشهور
مزار بی بی شهر بانو در جیلاری واقع است حضرت شهر بانو مادر حضرت زین العابدین در مدینه
در ایام نفاس وفات یافت و قبرش در بقیع است یحتمل آن خواتون نامادری و خاله آنحضرت و زن
محمد ابن ابی بکر بود بعد از شهادت محمد در سر حضرت حسین او را عقد کرد آمش شاه زنان هر دو خواهر
دختران پادشاه عجم یزدجرد بودند و این شاه زنان در کربلا با اسرا بود و نام آنخواتون شهر بانو و شهر بانو کشته
بود چنان که رقیه بنت الحسین که در خرابه وفات یافت مشهور است کشته اما صاحب ناسخ التواریخ نوشته
انکه در کوه ری است شهر بانو نیست بلکه از عترت طاهره سایر ائمه علیهم السلام میباشد **بقعه سیر لفه**
بی بی زبیده مشهور بعروس قاسم بن حسن ع گویند شهر بانو با خود بری آورد بلکه آنخواتون هم یکی از زنان اهلبیت

بهشت دوم در شرح بقاع متبرکه اراضی ری

مجال المؤمنین در محل دفن انجاب اشتباه فرموده نوشته است از بعضی ثقات مسموع شد که قبر شیخ در اصفهان واقع است

اقول ان قبر الشیخ ابو الفتوح الرازی الخزاعی الشیعی المفسر المشهور واقع بالری فی جوار الشاه عبد العظیم واما الشیخ ابو الفتوح منتخب الدین العجلی الفقیه الشافعی الاصفهانی کان من کبار مشایخ الصوفیة المشتهر قبره الی الآن باصفهان

ابو جعفر محمد بن عبد الرحمن مشهور بابن قبة الرازی شیخ نجاشی گفته که او متکلم عظیم القدر یکو عقیده ماهر در علم کلام بود در ابتدای حال مذهب معتزله داشت و آخر مذهب حق امامیه رجوع نمود و کتاب انصاف در امامت از تصنیفات اوست نوشته اند پنجاه حج پیاده کرده بود رحمة الله علیه در ری مدفون است

الفقیه المجتهد ابو علی محمد المشتهر بابن الجنید الاسکافی ان یکون ابن الجنید من رجال غیبة الصغری معاصر المستغراء نقل السید الامام العلامة عن کتاب الانساب انه من اهل اصفهان کانت فی مدینة الری من دیار عراق العجم فی سنة احدی وثمانین وثلثمائة فیکون وفاته وفات الصدوق معا فی الری ودفنا فی مقبرة واحدة

علی بن احمد بن علی الرازی از مشاهیر فضلای ری بود در بقاء ری مدفون است وزبدة العلماء الاخیار قدوة الحکماء الاقطاب ومصلح اولی الالباب وضبع الخلق والشیم والاداب

میرزا باقر نواب وهو محمد بن محمد اللاهجی الاصفهانی وکان له تالیفات جمیلة وهو شارح نهج البلاغة باشارة السلطان الخاقان فتحعلی شاه قاجار توفی فی بلدة طهران ودفن فی الری

واحد بن فارس زکریا الرازی اللغوی استاد صاحب بن عباد توفی احمد الوزیر الفاضل سنة تسعین وثلثمائة بالری ودفن مقابل مشهد

القاضی علی بن عبد العزیز وعلی بن حمزة الکوفی **مشهور بابو الحسن الکسائی المقارئ** استاد نحو ولغت وتجوید وقرائت بود کودکی پسر هارون الرشید را تعلیم نمود و با سیبویه معاصرت داشت روزی هارون الرشید بخراسان میرفت در قریه رنبویه که از قراء ری است از ناخوشی وفات یافت وفاتش سنه یکصد وهشتاد ونه هجری در ملک ری در قریه رنبویه مدفون گشت

ومحمد بن الحسن بیزان روز وفات یافت هر دو را در آنقریه دفن کردند

المولی الفاضل المتبحر

مولینا

بقاع مقدسه اراضی ری

مولینا الحاج ملا علی کنی عالم نحریر وفقیه بی نظیر ومجتهد مسلم واز تلامذه شیخ محمد حسن صاحب جواهر بود آنجناب تعلیقات در رسائل وتالیف در فقه ودرایه دارد مزارش در جوار حضرت عبد العظیم در کمال اشتهار است

وآقا سید محمد صادق طباطبائی از قبیله مرحوم بحر العلوم وجد دهر دسلمان عصر بود واز تلامذه صاحب فصول واز ارباب علم فقه واصول سر آمد فحول بود اهل ری از نفس قدسیه آن مرحوم مستفیض وبهره مند بودند مزارش در غایت اشتهار است ودیگر در طهران **بقعه شریفه سید المجتهدین**

امیر ابو القاسم امام جمعه طاب ثراه که در السنه وافواه معتبره آقا مشهور است بعد از وفات آنمرحوم ولد ارشدش الحاج امام جمعه اعلی الله مقامه بقعه وگنبد عالی بر مزارش برافراشت وخود **الحاج امیر زین العابدین امام جمعه** نیز در جوار پدر مدفون گردید **نسب نامه وشجره جلیله شان** السید محمد بن امیر زین العابدین بن میر ابو القاسم بن میر محمد حسین بن میر محمد صالح بن میر عبد الواسع بن محمد صالح بن میر اسمعیل بن میر عماد بن میر حسن بن سید جلال الدین بن سید مرتضی بن امیر محمد حسین بن سید شرف الدین محمد حسین بن عماد الشرف بن میر عباد بن میر محمد حسین بن حسنعلا بن افلح بن حسن المثنی بن حسن المجتبی بن علی المرتضی علیهم السلام

آقا سید صالح عرب السید الاعلم الافقه الاورع الاتقی

آقا شیخ محمود محتهد الشیخ الفاضل المعتمد العالم الفقیه والخبیر الاکبر

آقا سید علی اکبر تفرشی طهرانی العالم الربانی والفاضل الصمدانی

الحاج میرزا ابو الفضل التیخ الاعلم الامجد والفاضل الاوحد

آقا میرزا محمد نواده مرحوم حاجی کربلائی صدر الحکماء والمتکلمین فخر الفضلاء والمتالهین

میرزا ابو الحسن مشهور بحلوه یعنی در قرب مزار حضرت عبد العظیم برضی در جوار ابن بابویه مدفون است

امیر قوامی رازی رحمه الله از فضحای شعرای ری وفضلای مؤمنان فرخنده پی بود وقصاید واشعار بسیار در توحید ونعت پیغمبر ومنقبت اهلبیت گفته وملک السادات والعلماء سید شرف الدین مرتضی فخی را مدح کرده این یک بیت از اشعار اوست

شعر تا صاحب الزمان برسیدن بکام دین — اولیترین کسی شرف الدین مرتضی است

در جوار ابن بابویه مدفون است

حکیم قانی میرزا حبیب شیرازی مدتی در مشهد مقدس از قواعد منطق وحکمت الهیه وکلام وهندسه وهیئت وحساب ونجوم وسایر علوم بمقامات عالیه رسیده بود

در دارالخلافه طهران درگذشت حمل بحضرت عبدالعظیم کردند و در جوار آن بزرگواران مدفون گردید رحمه الله

قدوة العرفا مرحوم حاجی میرزا صفا از اهل سواد کوه من اعمال طبرستان بود مدتی در خدمت مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام و در سرد سیار علمای نجف تحصیل کرده مدتها ممالک روی زمین را سیاحت کرد و در تمام عمر تا اهل نفرمود و مجرد راه رفت و اعتقاد نه سال عمر گرانمایه را در طلب نعم او علی از جمله اهل حق بود سال هزار و سیصد و ده در قریه مرضات حق وارشاد سالکین طریقت صرف نمود پایان حال بدارالخلافه طهران آمد تا اینکه در سال قرآنان از نواحی طهران از فرق هزار و دویست و نود و یک هجری روز نهم شهر رمضان برحمت ایزدی پیوست در قبرستان چشمه علی ری و با درگذشت او اهل امانت جنب **مقبره امام زاده هادی** آنمرحوم را دفن کردند و مقبره عالی و صحن وسیعی بر سر قبر او نهادند بعد جنازه اش را در سفح کوه طبرک طهران نباکردند و موسوم بصفائیه گردید بالفعل خانقاه در اویش و فراز جمله عرفا و زمره متصوفه است

ملا عباسعلی سوادکوهی الاشتی اعلم علماء و افضل فضلا در عهد آقا محمد شاه طاب ثراه بود در اوایل سلطنت خاقان مغفور آنمرحوم در **صحن خود** در وقت صبح وفات یافت در جوار امامزاده حضرت عبدالعظیم و رباغی که اکنون صورت مدرسه یافته بخاک رفت عمرش چهل و پنجال و اولادی نداشته زیرا که متاهل نگشته بود

عبدالله بن جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد دوربستی دوربست از جمله قریه های ری است (در اشتری هم میگویند) از انجا مخول علماء و متبحرین فضلا ظهور کرده اند عبدالله بن جعفر مذکور که اولاد حذیفة بن الیمان بود از فقهای شیعه امامیه است و در سال پانصد و شصت و شش بغداد رفت و مدتی در انجا اقامت نمود و از احادیث ائمه علیهم السلام که از جد خود محمد بن موسی فرا گرفته بود در انجا روایت نمود و بعد از آن بوطن اصلی مراجعت کرد و بعد از سال ششصد و پانزده بزمانی وفات یافت **مولانا سید محمد نوربخش** در تاریخ اشتقصد و نه در قریه سولغانی که از دهات شهریاری ری است وفات یافت مزارش در قریه مزبور واقع است

امامزاده جمشید بن حسن مثنی و امامزاده محمد بن طبیب بن موسی الکاظم در سوهانک از توابع شمیران ری مقتول و مدفون میباشند **امامزاده شعیب** از اولاد موسی الکاظم در قریه کن از دهات ری است در باغ حیات مدفون است

سادایکه از نسل امام زادگان بولایت ری و طهران منتشرند

از نسل تاج الدین ابوالفضل محمد الحسینی الافطسی الشهید نقیب النقبا **اولاد** حضرت حسین الاصغر بن زین العابدین علیه السلام عموماً محدث و عالم و فاضل بودند در ولایت ری قضاوت و صدارت داشته اند و علی بن محمد السلیق که منتهی میشود به ابو محمد حسن بن حسین الاصغر اولاد و احفاد وی در ملک ری بسیارند **ذریه** حمزة بن عبدالله بن اسمعیل بن محمد ارقط بن امام محمد باقر علیه السلام **اعقاب** حسن مثلث نیز در ری بسیارند **اما از سلاطین دفین خاک ری اند طغرل شاه سلجوقی** قبرش در برج معروف ری که برج طغرل گویند میباشد در سنه ۴۵۵ کشته شد و در آن برج مدفون گشت **ذریه** نفر از سلاطین قاجار در جوار حضرت عبدالعظیم مدفونند چون ابنیه عمارات و آبادی ها و ولایات از نعمت ملوک قاجاریه است و تحکاه ایشان است بنابراین به تحریر مختصر تاریخ ایشان پرداختم

سلسلهٔ ملوک قاجاریه آقا محمد خان

ولادتش سنه ۱۱۹۷ جلوسش سنه ۱۲۱۱ مدت سلطنتش شش سال رحلتش سنه ۱۲۱۷ عمرش چهل و دو سال در خواجه ربیع مدفون است

۲ **محمد حسن شاه** ولادتش سنه ۱۱۲۷ جلوسش سنه ۱۲۱۷ سلطنتش شش سال رحلتش سنه ۱۲۷۳ عمرش چهل و پنجال مدفن حضرت عبدالعظیم

۳ **حسینقلی شاه** ملقب بجهانسوز ولادتش سنه ۱۱۶۴ سلطنتش هفت سال جلوسش سنه ۱۱۸۴ رحلتش سنه ۱۱۹۱ عمرش بیست و هفت سال مدفنش استرآباد

۴ **آقا محمد شاه** ولادتش سنه ۱۱۵۵ جلوسش در طهران سنه ۱۱۹۳ رحلتش سنه ۱۲۱۱ در قلعه شوشی قراباغ بدست سه نفر از خدام خود مقتول گردید عمرش پنجاه و شش سال بود در نجف مدفون گشت

۵ **فتحعلی شاه** ولادتش سنه ۱۱۸۵ جلوسش در طهران سنه ۱۲۱۲ مدت سلطنتش سی و شش سال و پنجاه رحلتش در اصفهان سنه ۱۲۵۰ عمرش شصت و چهار سال و چهار ماه مدفنش در رقم

۶ **عباس میرزا** نایب السلطنه ولادتش سنه ۱۲۰۳ رحلتش در خراسان سنه ۱۲۴۹ عمرش چهل و پنجال و شش ماه در شهر مقدس مدفون گشت

۷ **محمد شاه** ولادتش سنه ۱۲۲۲ جلوسش سنه ۱۲۵۰ سلطنتش چهارده سال و سه ماه رحلتش سنه ۱۲۶۴ در شمیران عمرش چهل و یکسال یازده ماه مدفنش در رقم بوقوع پیوست

۸ **ناصرالدین شاه** ولادتش سنه ۱۲۴۷ جلوسش سنه ۱۲۶۴ سلطنتش چهل و نه سال رحلتش سنه ۱۳۱۳ مدت عمرش شصت و هفت سال مدفنش حضرت عبدالعظیم

۹ **مظفرالدین شاه** تولدش سنه ۱۲۶۹ جلوسش سنه ۱۳۱۳ رحلتش سنه ۱۳۲۴ مدت عمرش پنجاه و پنج سال مدفنش حضرت عبدالعظیم علیه التحیة والتعظیم

ابتدای دولت قاجاریه در ری و صد و نود و سه

فی قریة قریبة من اصل البلدة تسمی بکار الادان وازانبای عجیبه اش انکه دو منار بلند وطاق رفیعه ست مرتفع بحدی
از عرفا و بزرگان در انجات واقع است در قریه کارلادان و منارهٔ مزبور را منار جنبان مینامند اگر شخصی یکی از منارها
حرکت دهد آنمناره دیگر وایوان و سایر طاقها و بقعه ها الاسطح زمین بلکه خود زمین کلیتهٔ بحرکت آیند **واما**

قبور مطهره امام زاده های انجا قبر امام زاده احمد بن علی بن محمد الباقر باصبهان فی
محلة باغاتها التی هی جادة محلة خاجو **مزار فایض الأنوار** امامزاده احمد بن علی بن محمد الباقر
در محلهٔ باغات تکه در جادهٔ محلهٔ خاجو واقع است وکذلک **قبر السید ابی الحسن الملقب زین العابدین**
علی بن نظام الدین احمد الایج بن شمس الدین عیسی الملقب بالبروجی ابن جمال الدین محمد بن علی
العریضی بن جعفر بن محمد علیهما السلام مزار امام زاده زین العابدین در قبرستان چملان واقع است
وهو جد السادات الامامیة المعروفة باصبهان ولمرقده المطهر قبة عالیة وصحن وسیع فی
مزارها العتیق المعروف لقبرستان چملان واصله شبندلان والی هذا السید المکرم ینتهی نسب
السید الفاضل المعظم السید علی بن السید اسد الله الامامی الاصفهانی الذی هو من
تلامذة استاد الکل الخونساری وله من مؤلفات کتاب کبیر فی الفقه سماه الترجیح وکتاب
ترجمة الشفاء للشیخ الرئیس بالفارسیة کتبه کثیر **مرقد امام زاده هارون بن علی** از
اولاد امام علی النقی علیه السلام در میدان کهنه اصفهان واقع است **وشعیا بن راموسا** ۳۴
کان من الرسل بعثه الله الی قوم الیهود فقتلوه فاهلکهم الله وقبره باصبهان
ومضجع حمة الدوسی صاحب رسول الله قلت وحمة رجل من اصحاب النبی
خرج الی اصفهان غازیا فی خلافة عمر بن الخطاب ومات باصفهان رحمة الله علیه الشیخ المحدث
المروج الصالح السدید **ابراهیم بن محمد من ولد سعید بن مسعود** الثقفی ومسعود عم المختار ولاه
امیر المومنین المداین وهو الذی لجا الیه الحسن یوم ساباط وکان الشیخ ابراهیم فی زمن غیبة الصغری
وله فی الحکم والتفسیر والتاریخ والحدیث والاخبار نحو من حسنین مؤلفا لطیفا انه کان رئیسا ثم
صار اماما متیاسفا فرمن الکوفة الی اصفهان واقام بها وافاض لجماعة من اعاظم الشیعة من
برکات انفاس الشریفة حتی توفی رحمه الله فی حدود ثلاث وثمانین وماتین من الهجرة
النبویة ودفن فیها **الفاضل الهندی والفقیه الاصفهانی** الشیخ
بهاء الدین محمد بن تاج الدین حسن کان من علماء اواخر الدولة الصفویه

بهشت سیم

بهشت سیم در بیان مشاهد اصفهان و شرح حال مدفونین آنجا

اصفهان از بناهای اسکندر ذوالقرنین است اسم اصلیش را بلفظ عجم سپاهان گفته چون مجمع
اکاسره بوده باین اسم مسمی گشته آب و هوایش خوش و دهانش نیرنگ و صاحب هنر و فضل و کمال اند خاکش خاصیتی
دارد اجسام و اجساد در ضایع میشوند بعضی جسدهای متعلق بهزار سال قبل را در انجا بی عیب پیدا کرده اند رودبزرگی
که زاینده رود گویند چندین پل معتبر بر روی آن بنا شده و در چشمه آن از کوههای بختیاری است اصفهان در
قدیم الزمان شهر معظم و آباد بود اکنون بیست هفت هزار خانه در اوست و نفوس جمیع انجا را هفتاد هزار نوشته اند
واهلش بر مذهب جعفری و امامیه اند قرب هزار باب خانه عیسوی در خارج شهر و در قریه جلفا پانصد باب
خانه یهود در انجا سکونت دارند و سایر ملل نیز در گوشه و کنار طریقت خویش سپارند توصیف باغات
و بقعه هزار جریب که باغ قلماسان و باغ احمد سیاه و باغ کاران و باغ نکرت و مجید قصور و خوانیق
و مدارس و بقاعش در السنه و افواه مشهور و تعریف بنیان مسجد جامع بزرگ قدیم و مسجد جامع کوچک جدید
معروف است و عمده تزئین انجا عمارت سلطنتی است محیط انجا تقریبا یکفرسنگ است و مدخل انهاراز
دری است موسوم به اعلاقاپو دیگر از ابنیه عالیه قدیمه طالار طویله بوده و مسجد شاه که در پیش از انکه
نقره پوشانیده اند و پوشش دیوارهایش از کاشیهای قیمتی قدیم است و مسجد شیخ لطف الله و قلعه طبرک
و میدان شاه و بازار قیصریه و منار شاخ و غیره بعضی خرابه و دیران و برخی از آنها پایدار است اعلم
ان قبور المنورة التی دفنوا فی مسجد لسان الارض الذی هو واقع من مشرق مزارها
المعروف بتخت فولادقریبا من قبر الفاضل الهندی وفی قبلة ذلک المسجد صورة قبر
اشتهر کونها لرقد شعیا النبی الی طایفة الیهود الذین سکنوا تلک البلدة وفی وجه
تسمیة ذلک بلسان الارض انه تکلم مع الامام الحسن المجتبی ایام نزوله باصبهان مع عسکر
الاسلام وصلی هو فی ایام نزوله بهافی مسجدها المعروف بمسجد لبنان ودخل حمام الذی
بابه مقابل جامعها العتیق الکبیر قبور منوره مذکوره در مسجد لسان الارض واقع است در
مشرق مزاریکه معروف است به تخت فولاد نزدیک بقبر فاضل هندی و در قبله این مسجد صورت قبری
است مشهور بمرقد شعیا پیغمبر که بطایفه یهود مبعوث شده است حضرت امام حسن بعد از فتوحات در مسجد
لبنان بالشکر اسلام نماز کرد و بحمامی تشریف بردند که در پیش مقابل مسجد بزرگ جامع و قدیم واقع بود ایضا
منارتین واقعتین علی طرفی طاقة مرتفعة البنیان مبنیة علی مرقد بعض کبراء اهل العرفان

بهشت سیم

وافاضل عصره فی العلوم الدینیة وله کتب ورسائل وتعلیقات فی العلوم الادبیة والاصولیة والفروعیة وکان مولده سنة اثنین وستین بعد الالف قدس سره باصبهان فی الخامس عشر من شهر رمضان سنة سبع وثلاثین وماة بعد الالف من الهجرة ان مرقده واقع فی شرقی بقعة تخت فولاد باصفهان بجنب معبر القوافل الی الدیار الفارسیة لیس علی احد سایر مراقد علماء المتوفین فی ذلک الزمان بل خال عن القبة والصحن والایوان

شیخ محمد حسن که مشهور بود بفاضل هندی عالم وعامل فاضل وکامل ومحقق ومدقق وفقیه ومتکلم وحکیم وجامع بود قبل از بلوغ بمرتبه اجتهاد رسید رسایل ومصنفاتش مبسوطات وقبور اکثر علماء ومجتهدین در بقعه تخت فولاد است وبعضی ازایشان در اطراف اصفهان مدفونند ودور از ده نفر ازایشان بنیان رفیعه دارند باقی ارکنند وصحن خالیست

العالم الفاضل المتکلم الحکیم رفیع الدین سید محمد المشتهر بمیرزا رفیعا النائنی کان من اعاظم العلماء الامامیة ولهٔ تالیفات وتعلیقات مفیده توفی باصفهان فی سابع شوال سنة اثنین وثمانین بعد الالف وهو فی سن خمسی وثمانین سنة ودفن فی مزارها الکبیر المعروف بتخت فولاد وقیل بارض بابارکن الدین الفارسی من المزار المذکور وبنی بامر الشاه سلیمان الصفوی علی مرقده الشریف قبة عالیة هی الآن باقیة

الحکیم ابو علی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه الرازی استاد فاضل وحکیم کامل ودر فنون عقلیه وحکمت نظریه بحد کمال بود در اخلاق وحکمت بسیار تصنیف کرده وسعاصر شیخ الرئیس ورفیق او بوده کتاب تجارب الامم در تاریخ وکتاب الطهارة او که خواجه نصیر طوسی در نوشتن اخلاق ناصری بآن نظر داشته وجناب ختم المجتهدین الحاج میرزا ابوطالب زنجانی کتاب اخلاق اورا از عربی بفارسی ترجمه فرموده وسمی بکیمیای سعاده اسم کتاب را قرار داده در سال چهار صد ویک در اصفهان وفات یافت در محله خاجو مدفون ومزارش معروف است

المولی محمد السراب بن عبد الفتاح التنکابنی المازندرانی کان من افاضل وماهر فی الفقه والاصول وعلم المناظرة ولهٔ من المصنفات المشهورة کتاب سفینة النجاة فی اصول الدین ولهٔ تالیفات وتعلیقات واجازات کثیرة لا یعد ولا یحصی ان وفاة مولانا السراب کانت فی یوم الغدیر المبارک من شهور سنة اربع وعشرین ومائة بعد الالف من الهجرة وقبره معروف ببلدة

ذکر مشاهد اصفهان

الاقا محمد سلیمان آباده ای فی اواخر خیابان محله خاجو متصلا بمقبرة تخت فولاد وله قبة عالیة وبناء رفیع بن المولی محمد رفیع الجیلانی الاصفهانی کان من اعظم الحکماء والمحققین اساتذ المعقول والمنقول توفی قدس سره فی سنة سبع وتسعین وماة بعد الالف من الهجرة ودفن فی مقبرة تخت فولاد

مولانا محمد باقر بن محمد تقی المجلسی اعلی الله مقامه ملجاء الخلائق باصفهان فی الباب القبلی من الابواب التسعة من جامعها الاعظم العتیق ومن المحربات لاهلها المشهورات فی جبلها وسهلها استجابة الدعاء واصابة الرجاء تحت قبته المنیفة وفوق ترسته الشریفة وقالوا فی تاریخ وفاته بالفارسیة باقر علم روان شد بجنان وفی تلک البقعة المبارکة ایضا مقابر جماعة من الصالحین غیره منها قبر والده

المولی الفاضل التقی المجلسی الواقع قبره فی مقدم ذلک القبر المطهر بفاصلة قبر واحد من اخوته الاجلة المتوفین قبله عقیب مرقد بعض الاعاظم العرفاء الزاهدین الواقع هناک ایضا کما یظهر من مراتب الواحهم المرکوزة فی ثخن الجدار مما یلی الارجل والرؤس توفی محمد تقی المجلسی فی سنة سبعین والف وانشد وافی تاریخه افسرشرع اوفتاد وبے سر وپاکشت فضل

ایضا مسجد وممبر از صفا افتاد ایضا صاحب علم رفت از عالم ومنها قبر صهرها الفاضل الجلیل

مولانا محمد صالح المازندرانی ابو الفضائل کان من العلماء المحدثین والعرفاء المقدسین ماهرا فی المعقول والمنقول جامعا للفروع والاصول ولهٔ تصانیف کثیرة توفی باصبهان سنة احدی وثمانین بعد الالف ودفن مما یلی رجل المجلسی فی زاویة من تلک البقعة ولها شبکة من الحجر الاملس الی خارج الروضه ونظموا فی تاریخ وفاته بالفارسیة کتب علی لوح مزاره الشریف صالح دین محمد شده فوت وولده

الاقا هادی بقی الی زمن فتنة افغان وکان موته فی عین تلک النایرة العظمی ودفنه فی تلک البقعة ومنها قبر فاضل النحریر

محمد مهدی السهرندی فی الصندوق الواقع مما یلی باب الروضه ومنها قبر الفاضل المحدث

محمد علی الاسترابادی وقبره قبلة مولانا الصالح ومنها قبر ابن اخیه وابن بنته المولی الجلیل

میرزا محمد تقی الماسی وقد جرت العادة من بلوغ المقصود من برکات تلک التربة المنورة والروضة المطهرة وتحصیلها الزایرون من الاطراف بحب المقدور مع اصناف التحف والهدایا والنذور ویبالون منها الخیر الموفور والسعی المشکور وعاجل السرور وعواید المنظور

العالم الفاضل الجليل مولينا **اسمعيل بن محمد حسين المازندراني المشهور بالخاجوئي** كان عالما بارعا حكيما جامعا محققا خبيرا من المتكلمين وله مصنفات كثيرة ومقامات فاخرة وكرامات باهرة توفي في هادي عشر شعبان سنة ثلاث وسبعين بعد مائة والف ودفن في مزار تخت فولاد مما يلي بابه الجنوبي المفتوح الى جهة الفارسي المحمية قريبا من قبر الفاضل الهندي وتاريخ وفاته محساب الجمل نور الله الجليل مقبره ورفع في الجنان منزله وقول الشاعر بالفارسية خانه علم منهدم كرديد **الشيخ سليمان بن احمد الطبراني** صاحب معجم الكبير مولده بطبرية الشام وسكن اصفهان الى ان توفي ودفن الى جانب حمة الدوسي صاحب رسول الله **المتبحر الكامل ابو المظفر الابيوردي** ادخل عصره وفريد دهره وله مصنفات مفيدة وذكر انه فوض اليه اشراف الممالك كلها واحضر عند السلطان ابي شجاع بن ملكشاه بشخصه فارتعد ووقع ميتا توفي مسموما في يوم الخميس عشرين شهر ربيع الاول سنة سبع وخمسماة باصبهان ودفن فيها **العالم العارف مولانا علي اكبر بن محمد باقر الايجي الاصفهاني** كان فاضلا فقيها متكلما توفي في حادي عشر شوال سنة ١٢٣٢ باصبهان ودفن في مزارها الكبير المعروف بتخت فولاد قريبا من بقعة لسان الارض المشهور وقبره بالمرقد مولينا اسمعيل الخاجوئي من جهة فوق الراس ومنها قبر السيد العالم الفقيه **امير محمد حسين الحسيني الخاتون آبادي** سبط علامة المجلسي **ومولانا امير ابو القاسم الفندرسكي** الحكيم العارف المعروف المدفون باصبهان في تكية معروفة به مزارها تخت فولاد وهو من قرية قندرسك التي هي من اعمال استراباد الجناب در كمالات صوري ومعنوي حكيم مجرد وموحد طريقت پوي بود وبا شيخ بهائي معاصر ودمشق اوبود در سفر هندوستان علما وحكما را برخوان فضايل او دعوت نمود ودر حكمت طبيعي وريافي مسلم بود وقصيده اش در السنه وافواه مذكور وعلو شانش شهورست ومطلع قصيده اش اينست **نظم**

چرخ باين اختران نغز وخوش زيباستي صورتي در زير دارد لايقه در بالاستي
صورت زيرين اگر بازدهي معرفت كرود بالاهان باصل خود يكتاستي اين سخن راور نيابد هيچ دهن ظاهري كرابو نصرستي و
كربو علي سيناستي **الشيخ لطف الله بن عبد الكريم بن ابراهيم العاملي** كان فاضلا ورعا تقيا عابدا زاهدا مقبولا وله وفود في عصره وقد بنى له السلطان شاه عباس الماضي الصفوي المسجد والمدرسة المنسوبين اليه باصبهان في مقابلة تجارة علي قاپو

في ميدان نقشها وكان هو وابنه الشيخ جعفر ووالده وجده الاعلى اعني الشيخ علي المكي من مشاهير فقهاء الامامية والذي يظهر من تاريخ عالم آرا انه توفي وكان باصبهان في اوايل سنة واثنين وثلاثين والف ماثابه بالفارسية چون دو لام از نام او ساقط كني سال تاريخ وفاتش زان شمار **الشيخ ابو الفتوح منتخب الدين الفقيه الشافعي الاصفهاني** وكان من كبار مشايخ الصوفية واجلاء رؤسائهم توفي في ليلة الثاني والعشرين من صفر سنة ست مائة هجرية بعد الالف المشهر قبره الى الان في دار السلطنة اصفهان **المولى الجليل الآقا حسين بن جمال الدين محمد الخونساري** وكان عالما فاضلا حكيما متكلما محققا مدققا ثقة جليل القدر فريد العصر اتى مولده الفقيه الخونساري قد انتقل من قبل بلوغه الى اصفهان لاستفادة العلوم واكتساب الحكم والمعارف حتى بلغ معارج العلم واليقين وكان صاحب التصانيف والتلاميذ والاجازات وتوفي باصبهان في آخر سنة تسع وتسعين بعد الالف من الهجرة ودفن في مزارها الكبير الواقع من دروازه شهر زنده رود المعروف بتخت فولاد قريبا من بقعة بابا ركن الدين العارف فامر له السلطان شاه عباس الماضي ببناء قبة عالية على مرقده الشريف وكان لوح مزار الآقا حسين حجرا من يشم رتفع القيمة فكسرها الاغانمة في الغارة ثم جدد على قبره وقبر والده الآقا جمال مجران بوران كتبوا تاريخ وفاتهما بالفارسية امروز هم ملائكه گفتند يا حسين واما تاريخهما العربية فهو قوله تعالى ادخلي جنتي **الآقا جمال الدين بن الآقا حسين الخونساري الاصل اصفهاني المسكن** كان عالما فاضلا مجتهدا اصوليا ومتكلما حكيما وله مصنفات كثيرة وتعليقات وفيرة توفي في السادس والعشرين من شهر رمضان سنة خمس وعشرين ومائة بعد الالف بعد وفات والده المبرور بخمس وعشرين سنة تخمينا ودفن في مزار تخت فولاد دار السلطنة اصفهان تحت قبة والده التي بناها السلطان شاه سليمان الصفوي **الشيخ محمد تقي الرازي من قرية ايوان كيف** وهو من افاضل علماء الاعيان وله مصنفات مجملة ومفصلة وقد توفي عند الزوال الثمن من يوم الجمعة في شهر شوال سنة ثمان واربعين ومائتين بعد الالف ودفن في يومه في مقبرة تخت فولاد في روضة عالية بناها احد ابناء السلطان لبعض من توفي منه من النسوان قدام مرقد تلك المخدرة وهي مما يلي خلف الراس من قبة مولانا الآقا حسين الخونساري **العالم الرباني آقا حسين شارح الصحيفة بن العلامة الفاضل مولانا حسن الديلماني الجيلاني الشهير باللنباني**

بهشت سیم

انه عالما جامعا حاکما محتهدا فقیها وله مصنفات کثیرة ارتحل ابیه المبرور من بلاد جیلان الی
اصفهان توفی سنة تسع وعشرین وماة بعد الالف ودفن بالمقبرة التی قریبا من بقعة الاقا
حسین الخونساری المرحوم وقدام مسجدهم اللبنان المطل المعلوم دیگر از اجلهٔ ارکان
ملت مولانا حاج سید محمد باقر حجة الاسلام رشتی وشفتی مولداً واصفهانی
مسکناً ومدفناً انجاب عالم وفاضل وزاهد وتقی وعاقل ودر علوم معقول ومنقول جامع ومتدریس مغرور
وسیادت عالیه وفاخره داشت وبدایت بارک حدشرعی اجرا میکرد وکتب زیاد تالیف وتصنیف نموده
وشبها تا صبح مشغول نوافل وتضرع ومناجات بود انجناب نسب شریف خود را در کتاب مطالع الانوار
بدین طریق مرقوم داشته ات یقول المستغرق فی بحار الجرایم والمعاصی والمنهمک
فی البوادی والملاهی محمد باقر بن محمد تقی بن محمد زکی بن محمد تقی بن شاه
قاسم بن شاه امیر بن سید هاشم بن سلطان علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی
بن جعفر بن اسمعیل بن احمد بن محمد بن ابو القاسم حمزة بن موسی الکاظم ع
وقیکه وفات یافت ملا علی اکبر خونساری به تغسیل وتجهیزش پرداخت وحاجی کربلایی نماز
گزارد ودر جنب مسجد خود جائی ساخته بود یعنی قبل از وفات مدفن خود را بنا فرموده
وبنی فیه قبة المدفن لنفسه فدفن بعد ثلاثة ایام من وفاته فی تلک البقعة وهی
الی الآن بمنزله مشهد من مشاهد الانبیاء والائمة مطاف الخلائق ومولده
الفاضل المحدث السید اسد الله لما توفی ودفن فی تلک البقعة فی جوار ابیه
الشیخ الفقیه المحدث ابو نعیم الاحمد توفی فی سنة سبع عشر وخمسماة وکان عمره
سبعا وسبعین سنة ومدفنه فی محلة خاجو من محلات اصفهان فی بقعة یعرف عند
العامة علی ما یلحون بکثرة استعمال بمقبرة شیخ سبنا وهو قبر الشیخ ابو القاسم
طبرانی او قبر شیخ ابو العباس ابن عقده وکان قبره معروف بمحلة
درب الشیخ ابی سعود من محلات اصفهان فی مزارها الکبیر باب بخشان ومقبرة
الشیخ المذکور فی جوار ذلک المزار وعن مولانا نظام الدین القرشی من تلامذة
شیخنا البهائی قال ورایت قبره فی اصفهان وکان مکتوبا علیه قال رسول الله
مکتوب علی ساق العرش لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد بن عبد الله عبدی

و

ورسوله وایده بعلی بن ابی طالب ع شرهم تسع من تولاه من الائمة المعصومین ورفع فی اعلیین
درجتهم الشیخ محمد الحرفوشی الحرری العاملی الکرکی الشامی کان فاضلا عالما
ادیبا محققا شاعرا انه توفی سنة تسع وخمسین والف الحاج محمد ابراهیم بن محمد حسن
کرباسی فاضل وفقیه وعالم وعامل وحکیم کامل ومجتهد مسلم بود ودر نزد آقای بهبهانی وبحر العلوم دیگر از اقران تلمذ کرده بود
سنه هزار وصد وشصت ولادت یافت ودر مدت عمرش از مرعلوی تالیفات بسیار کرد موت عمرش نود وپنجسال بود در سنه
هزار ودویست وشصت در بلدة عالم بقا رحلت نمود (کلباس اصلا کرباس است در سرات محله ات زنی از کرباس فروشی در آنجا
حوضی ساخت وبر ساکنین آنجا وقف نمود وسمی بمحله کرباس کشت انجناب اصلا از محله کرباس سرات العالم الربانی
والفاضل الصمدانی مولانا الحاج ملا حسنعلی بن نور وزه علی الملایری التوی سرکانی
الاصفهانی وتوفی فی الیوم العاشر من صفر وحمل نعشه الشریف الی المقبرة تخت فولاد
فدفن هنالک فی جملة من مرقدی المحققین الخونساریین من غیر مونة لعمال المعاول فی مقابله
ذینک القبرین لما وجد هنالک من الحجیرة المهدة للدفنة قاضی نظام الدین محمد بن
اسحق المطهر قاضی القضاة میرها الدین سبزواری ومیر شجاع الدین محمود
اصفهانی ابن میر سید علی خلیفه مازندرانی که در علوم معقول سر آمد بود وابو الحسن علی بن
سهل در اواخر خیابان خاجو متصل بمقبرهٔ تخت فولاد واقعات بقعه عالیه وگنبد رفیعه دارد
حکیم شفائی ومیر سید حسین مجتهد وصاحب بن عباد طالقانی که وزیر
فخر الدوله ودر فضایل ومکارم نادره عصر وانجوبه دهر بود در فروع بمذهب شافعی ودر اصول بمعتزله
بود نقلات در سنوی چهار صد شتر کتب او را میکشید سنه سیصد وشصت وپنج در ری وفات یافت جنازه
او را باصفهان نقل کرده در باب دریه دفن کردند وخواجه نظام الملک ابو علی طوسی به سنی تاج الملک
وبه تحریک حسن صباح در دست یکی از فدائیان در شهر بروجرد بزخم کارد سنه چهار صد وشصت وپنج شهید گشت
عمرش نود وسه بود جسدش را باصفهان نقل کرده در موضع مناب دفن کردند الفاضل المحدث آقا میرزا
محمد خونساری صاحب رجال مشهور که بسیار تالیف ممتازات که بتاریخ هزار ومیصد وشانزده
رحلت نمود در تخت فولاد مدفون گشت از فقرا مولانا فیض علیشاه والد نور علیشاه مرشد سید معصوم علیشاه
در شهر شلتعا در تخت فولاد بقرش زیارتگاه عرفا وفقرات وناصر علی در جوار فیض علیشاه مدفون است
سادات اصفهان از نسل محمد بن حنفیه از اولاد ابراهیم العسکری از اعقاب حسین الاصغر از احفاد
امام علی النقی ع از نسل اسمعیل بن ابراهیم طباطبا
وصلی الله علی محمد وآله

قبر آقا محمد باقر بن آقا محمد علی بن ملا محمد صالح مازندرانی
قبر آقا فیض علیشاه در قبرستان تخت فولاد در اصفهان
زیارتگاه عرفای نعمت اللهی
قبر آقا محمد حسن ازندی فرشی در سنه هزار
مولانا محمد حسن ره معاصر در بقعه بابا رکن الدین
ودر تخت فولاد مدفون است
عمدة المحدثین میرزا محمد الملقب بناصر علیشاه
در جوار فیض علیشاه مدفون است

بهشت چهارم

بهشت چهارم در بیان مشاهد و بقاع شیراز و شرح حال مدفونین آنجا

شیراز دارالملک فارس از بهشت آب و هوا و صفا اولین نقطه مملکت ایران است در زمان سابق حصار رفیع گرداگرد شهر داشت اکنون آن باروی متین به حصار ویران است مساحت شیراز دور تا بدور قریب دو هزار قدم متوسط است که در این اوقات پیدایش شده و آبش از قنوات است بهترین آنها از کاریز رکن آباد است که رکن الدوله حسن بن بویه اخراج کرده در توصیف آن حافظ گفته خوشا شیراز و وضع بیمثالش خداوندا نگهدار از زوالش نهر دیگر در شیراز جاری است آب رنگی آباد آب سعدی چشمه سارهای بسیار و آبشارهای بیشمار در اطراف شیراز است مانند چشمه چنار و مرغاب و کوموں در دولتخانه شیراز سیلابی است که در بهاران از کوه دراک سرازیر شده بقرب شهر میگذرد داخل دریچه مهارلوی شود مخلوق شیراز تخمیناً در این اوقات هفتاد هزار نفوس میباشد سابقاً شیراز نه دروازه داشت و لی اکنون شش دروازه دروازه اصفهان دروازه باغ شاه دروازه کازرون دروازه شاه داعی دروازه قصابخانه دروازه سعدی دوده محله دارد محله میدان شاه محله سنگ سیاه محله سرباغ محله در مسجد محله بازار مرغ محله اسحاق بیک محله بال کفه محله آب محله درک سیاق دشتک کهنه محله در شاهزاده شصت دو مسجد دارد در اکثر آن نماز جماعت خوانده میشود و چهارده مدرسه و یازده حسینیه دوده بازار دیازده کاروانسرای و چهل حمام و سی و شش باغ و مردمان فارس عاقل و دانا و باصحت مزاج و شمایل مطبوع دارند و اکثر فضلای صاحب تحقیق از آنجا برخاسته اند مثل ابو اسحق سید صدر الدین محمد و جلال الدین محمد دوانی و غیاث الدین سید منصور و امیر تقی الدین ناپه دبیر جمال الدین مؤلف روضة الاحباب و مولانا صدر الدین مصنف اسفار و قطب الدین و غیره و مزارهای متبرکه و بقعه های منوره در انجا بسیار است مسجد قدیم که عمرو بن لیث ساخته آنمقام هرگز از اولیای دین و مرتاضین خالی نیست قرب پانصد بقعه و زاویه و خانقاه و باب ابر در شیراز بوده بمرور دهور کار خراب شده اکنون پانزده بقعه معمور و باقی خراب است

مشاهد منوره آنجا مزار فیض آثار امامزاده واجب التکریم السید الطاهر النجیب **احمد بن الامام موسی الکاظم** معروف **مشهور شاه چراغ** و کان سیدا کریما و رعا جلیلا فاضلا من اجل ابناء موسی الکاظم و اولادهم بعد الرضا و انه مدفون بشیراز المسمی بسید السادات

وهو

بهشت چهارم

بقعهٔ منوّره سید علاء الدین حسین او پسر فرزند موسی بن جعفر علیه السلام است در محلّه بال کفد واقع است در باغ قتلغ خان او را شهید کرده اند آن باغ خراب شد جزئی از آن باقی نمانده در زمان صفویه آن موضع را شکافتند جدری یافتند تازه در یکدست مصحف و در یکدست دیگر شمشیر برهنه درست بعلامات یافتند که آنحضرت است میرزا علی نامی از اهل مدینه صاحب اموال کثیره بود بشیراز آمد بنائی بر آن قبر گذارده و املاک و ابنیه بسیار بر آن بقعه وقف نموده و خود در آستانه آن دفن میکردد بعد سلطان خلیل از جانب شاه اسمعیل وشیر الملک از گنبد و ایوان و رواق آئینه بندی پرداختند

بقعهٔ امامزاده ابراهیم یعنی اولاد صلبی حضرت امام موسی علیه السلام سید اند و گویند آن بزرگوار با مرزید بن علی بحکومت یمن مشغول بوده و این قول را با ارباب رجال نسبت میدهند الله اعلم بقعه آنچنان را تجدید کردند خراب نموده و بقعه مستحکم و وسیع بنا نهاد

بقعهٔ امامزاده شاه میر علی بن حمزه امام موسی الکاظم علیه السلام مضجع و مشهد آن بزرگوار است نوشته اند که بعد از ندر عالیمقدار با جمعی از اهل و عیال فرار از بشیر آمده در کوه شمالی خارج شهر در سنغاره منزل گزیده در ایام هفته هیزم جمع میفروخته و بدر دروازه میآورده میفروخت و آذوقه هفته خود و عیال را برداشته مراجعت مینمود چون وکلای بنی عباس در قلع و قمع اولاد طاهرین امیر المؤمنین ساعی بودند روزی یکی از غلامان آنها آن بزرگوار را دیده و شناخت بضرب تیغ سرش را از بدن جدا ساخت گویند سید مظلوم سر خود را از زمین برداشت تا آن موضع که مدفن شریف است رفت و بر زمین افتاد و بخون غلطید تا سه روز از خلقوم مبارکش ذکر لا اله الا الله استماع میشد بعضی میگویند سر انورش را برداشته به بغداد بردند و در آنجا دفن کردند خلاصه بقعهٔ شریفه واقع در خارج شهر نزدیک دروازه اصفهان و اطراف قبرستان وقتی سید مراد خان زند آنرا مرمت نموده و بعد ها مهرزکی خان و در این ازمنه مرحوم مؤید الدوله طهماسب میرزا نیز عمارت فرموده تولیت آن با جمعی از سادات حمزوی است

بقعهٔ سید تاج الدین غریب اسم مبارکش جعفر بن فضل بن جعفر بن علی بن ابی طالب علیهم السلام در محلّه سنگ سیاه واقع شده عوام الناس بغلط مشهور سید حاجی غریب میخوانند و آنرا

بقعهٔ شریف در محلّه سرآب واقع گردیده

شیراز و شرح بقاع آن

هم دو نفر سید اند و میگویند در آن بقعه دو قبر است بلی دو قبر هست که الآن در سرداب آنجا موجود است یکی سید جلیل مذکور است که گذشته از اینکه امامزاده است از افاضل و اعلم بوده و احکام رسول الله را همیشه بزرگ میشمرده در رفتار مینموده و تلاوت قرآن میفرموده قبر دیگر از **محمد بن حسن مثنی ابن حسن مجتبی علیه السلام** میباشد بقعهٔ شریفه محل استجابت دعوات است در منازعه و مرافعه بدان تربت که رفته قسم میخورند طرف ناحق را دردی عارض میشود بطوریکه هلاک میگردد و این مکرر به تجربه رسیده بنای اول آن بقعه معلوم نیست که نموده ولی وقتی مرحوم حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک در صدد آبادی آن برآمد

بقعهٔ علمدار که شیخ ابو سعید محمد بن الهیثم از اولیاء خدا بوده و از اسیرانی که در راه خدا جنگ مینموده و در حریت مزارش تاکید کرده اند و بعد در ایام شیخ علمدار را بسید علمدار بغلط مشهور شده است

بقعهٔ سید حسن کیا بنا بان سنجد وکیل بازار وکیل واقع شده یعنی یک ضلع از دیوار بقعه متصل است بباز ار بقعه کوچکی است گویند سیرت زکیه و اخلاق پسندیده داشته وفاتش در حدود ششصد هجری است

بقعهٔ سید ابو الوفاء شیرازی در سمت شمال غربی شیراز است خارج از شهر مسافت یکمیدان اب انجناب از اولیاء آبوده مدارش موجب استجابت دعوات است

بقعهٔ بی بی دختران نامش بی بی خدیجه و کنیتش ام عبد الله سیده است فاضله از اولاد حسین بن علی بن حسین بن علی علیه السلام در محلّه میدان شاه واقع شده گویند بنیاد بقعه اش زنی از سلاطین نهاده بود محمد قلیخان ایلخانی تجدید عمارتش پرداخت و بقعه عالی برقرار ساخت صحنی بزرگ دارد که بقعهٔ مذکوره در وسط آن واقع است اطرافش همه قبرستان است و در آن صحن بسمت شمال

بقعه و مزار عبد الله مبارک واقع است عبد الله مبارک بحرانی عالمی بوده ربانی شیخی فاضل و عارفی کامل دارای فضایل ظاهری و باطنی سر بسر مزارش محل استجابت دعوات که اکثر تجربه رسیده است در سنه یکهزار و دویست و چهل و دو بر حمت حق واصل گردید

بقعهٔ خواتون قیامت در سمت جنوبی شیراز بفاصله مسافتی دور از شهر واقع گردیده آن سیده مکرمه ام کلثوم بنت امام کاظم علیه السلام کویی ابن محمد بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام از ندی یعنی خلفا بشیراز آمده اربیم قتل و نهب در خارج شیخ اصهر بن حسین که از عباد شیراز بوده اقامت گزیده و مختفی گردیده جوقی از ظلمه بر حالش وقوف یافته آن مظلومه بچاهی در افتاد و وفات یافت همان موضع مزار کثیر الانوارش شد

و شیخ مذکور پدر شیخ **حسین بن احمد** از شایخ کبار روزگار است **و شیخ عبد الرحمن بن محمد** اقلیدی **و شیخ ابو سعید ساوجی** که عالمی متقی بوده

وشیخ جمال الدین حسین بن ابو بکر پوشکانی که با شیخ احمد مذکور معاصر بوده و چند نفر دیگر
از سادات که از اولاد زید بن حسن اند همه در جوار ائمه علیهم السلام مدفونند **بقعهٔ منصوریه**
در محلهٔ درک در مدرسهٔ منصوریه واقع است در آن بقعه دو مزار است از پدر و پسر یکی سید الحکماء **امیر صدر**
الدین محمد شیرازی است کنیش ابو المعالی نسبش بچند واسطه بحضرت سید شهداء علیه السلام میرسد سبب باهر
امیر مرحوم را در ضمن حالات سید علی خان کبیر مندرج خواهیم نمود و صاحب تصانیف کثیره است و دیگری مولانا
خاتم الحکماء امیر غیاث الدین منصور شیرازی ولد امیر صدر الدین تصنیفات او نیز بسیار است
وفاتش در سنهٔ نهصد و چهل و شش بوده در سنهٔ نهصد هجری بدست مخرهٔ ترکمانیه شهید شد **وسید بکیر**
سید علی خان شارح صحیفهٔ کامله ولد بمدینة المبارکة سنة ۱۰۵۲ اثنین بعد الألف
والخمسین ثم جاور بالمکة المعظمة ثم رحل الی حیدر آباد دکن من بلاد الهند بعد ذهاب والده
الشریف الیها واقام بها مدة طویلة وکان من اعیان امرائها معظما عند ملوکها ثم
توجه الی ملک من ملوک الهند اورنک زیب وصار من اعاظم امرآء دولته ثم عاد الی مکة
المعظمة ثم جاء الی ایران وارتحل الی دار السرور فی الشیراز بتاریخ سنة ۱۱۱۸ مقر شیراز
قال قدس سره فی کتاب سلوة الغریب عند بیان نسبه الشریف انا علی صدر الدین بن احمد
نظام الدین بن محمد معصوم ابن احمد نظام الدین بن ابراهیم بن سلام الله ابن مسعود
عماد الدین ابن محمد صدر الدین ابن اسحق عز الدین ابن علی ضیاء الدین ابن عز شاه فخر
الدین ابن امیر ابنه عز الدین ابی المکارم ابن امیر یحیی خطیر الدین ابن الحسن شرف الدین
ابی علی بن الحسین ابی جعفر الغریب ابن علی ابی سعید النقیبی قال السید علی خان فی کتابه
المذکور اول من جاء من اجدادنا الی الشیراز من النقیبین ابو سعید علی النقیبی النقیب
فی حدود سنة الاربعماة وبضع وهو ابن زید الأعظم ابی ابراهیم ابن علی ابی الشجاع
الزاهد ابن محمد ابی جعفر ابن علی ابی الحسن ابن جعفر ابی عبد الله ابن احمد نصیر الدین
النکین النقیب ابن جعفر ابی عبد الله الشاعر ابن محمد ابی جعفر بن محمد ابن زید الشهید
ابن علی زین العابدین ابن الحسین ابی عبد الله سید الشهداء ابن علی ابی الحسن امیر المؤمنین
ابن ابی طالب علیهم السلام **بقعهٔ دار الشفا** در محلهٔ لب آب قبر **میر سید شریف**
علامهٔ جرجانی است اسش علی بن محمد الحسینی حکیم کامل و عالم و فاضل بود شاگرد علامه رازی و مرید
خواجه علاء الدین نقشبند بوده و با سعد تفتازانی مباحثات نموده وفاتی آمده در دار الشفا که شاه

شجاع ساخته که الحال مدفن اوست در آنجا در سنه ششصد و شانزده وفات کرده **مزار**
ابو عبد الله محمد حنیف معروف بشیخ کبیر در محله در ب شاهزاده نزدیک میدان نقاره خانه حالیه
پشت بازار وکیل بقعه کوچکی دارد در شیخ مذکور از اجله اهل تصوف و شیرازی بوده شرح احوال او در کتب
نوشته اند لازم بذکر نیست و یکصد و ده سال عمر کرد تصنیفات بسیار دارد در سنه سیصد و هفتاد یک هجری
وفات یافت در جوار او بسیاری از مشایخ مدفون شده اند مثل **فضل بن محمد** خادم شیخ کبیر وفاتش
در سنه سیصد و هفتاد و هفت بود **وحسن بن علی** شیرازی معروف بشیخ صغیر فوتش در سنه سیصد و
هفتاد و نهج **وشیخ عبد السلام** پسر شیخ کبیر در حیات پدر وفات یافت **وشیخ حسین** بن
محمد بلذیار وفاتش در سنه سیصد و نود و یک که مصاحب و مجاور قبر شیخ کبیر بود **مزار شیخ فخر**
الدین احمد مشهور بشیخ بدل مرد مرتاض و باورع بوده و تصنیفات بسیار دارد
و آن مزار در وسط میدان نقاره خانه است تا قبر شیخ کبیر قریب چهل گام فاصله دارد **مزار**
روزبهان در محلهٔ بالکفت است بقعه عالی بوده از سنگ و گچ آن بقعه ایوانها و صحنها داشته
لحال تمام را جماعتی متصرف شده ساکن اند بلکه محل کاود و کو سفند قرار داده اند کنیش ابو محمد و پدرش
ابو نصر و جدش شیخ شطاح معروف بوده مولدش فساست مدتی پنجاه سال در جامع عتیق شیراز وعظ مینمود
و او را در علوم رتبهٔ بلند بوده و تصنیفات دارد در سنه ششصد و شش هجری بعمر شصت و سالگی وفات یافت
این شعر از اوست **شعر** با با سخن ار کوی از شعر سنائی گو رو نظم نظامی را بر فرق فرزدق زن
مزار شیخ نور بخش در محلهٔ لب آب قریب بدروازهٔ شاه داعی است خانقاه عالی داشته
مرحوم بخانقاه نوربخشیه و هو محمد بن یحیی بن علی الجیلانی اللاهجی نوربخشی مرید سید محمد نوربخش
و سید محمد مرید شیخ علاء الدوله سمنانی بوده تصنیفات دارد و شرح گلشن راز از اوست **بیت**
عالم چو نقش موج بحر وجود داوست بود و همه جهان بحقیقت نمود داوست در سال نهصد و بیست یک
وفات یافته و لدش **احمد بن محمد اللاهجی** نیز در جوار پدر مدفون است **مزار شیخ**
ابو درعه در سمت جنوبی بیرون و متصل شهرست بقعه کوچکی دارد و هو عبد الوهاب بن محمد بن
ایوب الاردبیلی عالی بوده و زاهد با شیخ کبیر همعصر مجاز در جامع عتیق شیراز خلق را وعظ میفرموده
و مردم معتقد وی بودند در سنه چهار صد پانزده هجری بجوار حق پیوسته

مزار شیخ سلم بن عبد الله صوفی کنیتش ابو ذکریات مزارش در بقعه کوچکی است بیرون دروازه شاه داعی اول قبرستان دار السلام و این گورستان بسیار قدیمی است بادست و گوشه از آن موروم است بقعه تربت کوبند شیخی از عقبات عالیات تربت بار بوده بدانجا آورده بر قطعه از زمین گسترده و بر روی آن مهتابی بسته که چون آنجا قبری خفر نمایند جسد میت بر روی تربت واقع میگردد آن زمین عرصه است

مزار شیخ ابو سائب بن اسحق شامی مشهور بآثار رسول الله زاد ولیاء متقربات مزارش در دار السلام است قریب بچهار طاق وفاتش در اوایل سلطنت امیر عضد الدوله در سنه سیصد و چهل و شش بود

مزار محمود دهدار نیز در دار السلام است در علوم غریبه از جفر و اعداد و رمل و غیره مسلط بوده و رساله دارد دستی بسنجیل

مزار شاه منذر در محله دزک واقع است بقعه دارد

مزار شیخ جنید در صحن مسجد حاجی باقر در محله دزک در زاویه واقع است این سوای شیخ جنید بغدادی است مخفی نماناد که سه شیخ جنید بوده یکی بغدادی است مدفن او بغداد است دیگر شیخ جنید بن فضل الله ملقب بصدر الدین است که شیخ الاسلام بوده و مرشد انام چندی بزیارت کعبه و بلاد شام سافرت نموده و تصانیف زیاد دارد وفاتش در سنه ششصد و نود و یک سیمی شیخ جنید ابو القاسم شیرازی است که از شایخ کبار و از معارف روزگار بوده روایت و اجازات در حدیث و تفسیر و وعظ میکرده در سنه ششصد و دو وفات یافته پس گوییم مزار مذکور معلوم نیست که از کدام یک آن دو جنید باشد زیرا که وحشی منهجی و متلاشی است بساکه از هیچکدام آن دو نفر نباشد

مزار سیبویه عمر و بن عثمان النحوی الشیرازی در محله سنگ سیاه واقع گردیده و لوح مزارش سنگ سیاه و شفاف میباشد و آن محله را مزار سنگ سیاه خوانده اند بواسطه آن سنگ در سنه یکصد و نود و دو وفات نموده و در شیراز دو قهوه هست یکی را قهوه اولیاء و یکی قهوه قلندران گویند در آنها مزارات در انجا مرقوم میگردد

قهوه اولیاء در بازارمرغ واقع است سه مزار از اشخاص بزرگ آنجا است یکی از آنها شیخی است ملقب بولیاء در دالان سمت قبله آن مدفون است بر لوح مزارش چند سطر

شعر آخر مشتمل بر تاریخ اوست این است شعر یک هفته پیش از وفات اولیا خودش گفت حشرش بود بار سول بکهزار و یکصد و نود زده میشود و دو مزار دیگر که صندوق بر روی آنهاست معلوم نشد که کیستند اما

قهوه قلندران در محله دزک واقع گردیده فضای کوچکی است در آن قبرستان و یکرش طاق برای نماز و در آن طاق دو سه لوح مزار کهنه است معلوم است که از شایخ اند خطوط آنها خیلی محو شده در خوانده نمیشود مگر این کلمات خوانده شده قبور و مزار اینجا در نگایای شیراز واقع است

تکیه سعدیه در سمت شرقی شیراز بمسافت یکمیل تقریبا بکوی که قلعه بندرش گویند قبر شیخ سعدی در عمارتی است که در زاویه واقع شده

شیخ سعدی مصلح الدین عبد الله خواهرزاده ملا قطب علامه شیرازی بود یکصد و دو سال عمر نموده و مدتها تحصیل علوم کرده مدت سی سال مشغول سافرت بوده و چندین مرتبه پای پیاده مشرف شده مدتی در بقعه مزبور خلوت و انزوا داشته وفاتش در سنه ششصد و نود و یک نوشته اند در مذهب و شرب شیخ اختلاف کرده اند جمعی او را سنی و برخی شیعی دانند مثل قاضی نور الله شوشتری که جد وجهدی دارد و پای میفشارد که شیخ شیعی است و اقوالش را حمل بر تقیه مینماید فقیر مؤلف گوید که ما را بمذهب آن کاری نیست نه بسنی بودنش ما مستحق عذاب میشویم و نه بشیعی بودنش ما مستوجب ثواب سخن ما در کلمات اوست که از توصیف و تعریف مستغنی است باجمله از وی کرامات بسیار نوشته اند فقیر دیگر متعرض آنها نشد در تذکره ها ثبت است و بسیاری از فضلا و حکما در جوار شیخ سعدی مدفونند از جمله مرحوم

حکیم متاله ملا علی ملقب بقطب بن زاهد انصاری در تاریخ فوت حکیم ماده تاریخی گفته بر لوح مزارش محکوک است از دایره قطب رفته بیرون یکهزار و دویست و نود و دو میشود اما

تکیه حافظیه در سمت شرقی شیراز است و لیکن چندان مسافتی با شهر ندارد و آن از جمله تکایای معروف عالم است بنیادش از مرحوم کریمخان است و آن دو طرف است طرفی بسیار وسیع که اراضیش قبرستان است در وسط آن قبور و مزار خواجه علیه الرحمه واقع شده لوح مزارش سنگ مرمر بسیار زرد است بعضی اشعار دور آن حک کرده اند مجری از آهن دور آن است و بر آن مزار قبه نیست اما طرف دیگر باغچه است که در آن است اشجار بسیار و انواع اثمار و در میان دو طرف حجره است در وسط حجره تالاری است ملوکانه و اساسی است بزرگانه در آن چهار ستون از سنگ برپاست در جلو آن تالار

بهشت چهارم

در پاچنار از آبرکن آبادش جاری است و آب انباری نیز در زاویه انجا است الحق بکیه بدین نهاد شرف روضه است

از روضه های بهشت الحاصل **خواجه حافظ شمس الدین محمد** پدرش شیخ کمال الدین از اهل توی سرکان بوده بشیراز آمده متوطن گردیده تولد خواجه در شیراز شده در انجا تحصیل نموده چندی در خدمت شمس الدین عبدالله شیرازی و چندی نزد میرزا سید شریف علامه استفاده علوم فرموده قرآن مجید را تمام در حفظ داشته در سنش بکمال و شش رسیده در سنه هفتصد و نود و یک هجری وفات یافت و خواجه را پسری بود سمی به **شاه نعمان** بهند رفته در برهان پور وفات یافت و قبرش نزدیک آبیرت در جوار خواجه بسیاری از فضلاء و علما و حکماء و عرفا مدفون است از جمله **مولانا املی شیرازی** نامش محمد از جمله عرفای صاحب جاه بوده او را نیز دیوانی است قریب بشتاد سال عمر نموده در سنه نهصد و چهل و دو هجری وفات یافته در طرف دست چپ خواجه مدفون است این یک فرد از اوست شیرازی تمنا مرقوم میشود **شعر** چو یار رخت غربت من چکار کنم وداع عمر کنم یا وداع یار کنم از جمله **حاجی شیخ مهدی حجة الاسلام** گویند در سمت شمال شرقی بکیه مدفون است انتخاب صاحب رساله بود در سال یکهزار و دویست و نود و سه هجری وفات فرمود از جمله سیکسند عالم معتمد مولانا **میرزا محمد باقر الشهیر بملا باشی** میدان شاهی بن حاجی میرزا سید محمد ملا باشی است وفاتش سنه یکهزار و دویست و چهل بوده از جمله **حکیم متاله الحاج میرزا محمد رضا** بالای سر مرحوم حجة الاسلام مذکور مدفون است وفاتش سنه یکهزار و دویست و نود و پنج وفات یافته از جمله مرحوم **میرزا عباس حکیم** در طرف رات خواجه مدفون است وفاتش سنه یکهزار و سیصد مرحوم حکیم **میرزا زین العابدین** شهری مردی بود بشرح طبع و خوش اخلاق در سنه یکهزار و سیصد و هفت وفات یافت قریب بقبر خواجه دفن شده از جمله **میرزا نظام الدین** دست غیب از جمله فضلای عصر خود بوده در سنه یکهزار و دوسی بر حمت پیوسته از جمله آغای **خواجه** در مسجد نو اعتکاف داشته دارای انفاس قدسیه و صاحب محاسن ملکوتیه گردیده وفاتش سنه یکهزار و دویست و بیست و دو **آقا سید علی اکبر مولی** متخلص بمولوی و کان عالماً فاضلاً عابداً زاهداً فقیهاً شاعراً لغویاً قاریاً علم قرائت را باعلی درجه رسانیده بود در سنه یکهزار و سیصد وفات نموده در بکیه حافظیه مدفون

مشاهیر شیراز

از جمله **آقا هاشم** ذهبی عارفی بود کامل و سالکی بود واصل سنه یکهزار و صد و نود و نه وفات نموده از جمله **میرزا عبدالنبی** سیدی است جلیل و موحدی است بنبیل فوتش سنه یکهزار و دویست و سی یک بطرف غربی آن برسوم بقوانیه مدفون است از جمله **میرزا محمد حسین یزدی** عالی بود بصیر و فقیهی بود بی نظیر و سکلی بود خوش تقریر در خارج بکیه نزدیک بدرب مدفون است در سنه یکهزار و سیصد و شش از این جهان در گذشت و قبرش آن مزار **آقا سید احمد** قزوینی نوربخشی که در سنه یکهزار و دویست و هشتاد و شش وفات یافته **امامکیه چهل تنان** در شمال شرقی حافظیه است بمسافت سیصد و پنجاه قدم چهل لوح مزار بقطار در آن فضا است میگویند درویشانی بوده اند و لی حقیقت حال معلوم نیست و چنین گفته بیان بکیه داخل میشوند بطرف دست چپ مزاری است معروف که آن قبر شیخ اطعمه است اسمش **ابواسحق احمد** و باشاه داعی الی الله معاشر بوده در معاشر بوده و در وفاتش مرثیه سروده وفاتش در حدود دویست و سی بوده **وصاف شرف الدین عبدالله** بن فضل الله شیرازی نیز مزارش میان بکیه حافظیه و چهل تنان است کتاب تاریخ وصاف از مصنفات اوست **بکیه هفت تنان** در دامنه کوه واقع شده بمقدار دویست قدم با چهل تنان مسافت دارد قبور هفت تنان در وسط آن بکیه واقع است شش مزار بقطار دیگی در کنار نوشته اند آن هفت نفر از ابدال بوده و در آنصحرا مشغول کشته هر کدام فوتش میرسیده باقی ماندگان او را غسل داده و کفن نموده بخاک میسپرند چون یکنفر از آنها باقی ماند و احلش نزدیک شد قبر خود را حفر نموده بشهر آمده غسال را خبر کرد که فقیری فوت شده بیا باتفاق او را دفن کنیم آمده تا بدر صومعه که رسیدند غسال را گوید در خارج در بایست من داخل شوم چون صدای تکبیر مرا شنیدی داخل شو پس از چند دقیقه صدای الله اکبر بلند شود غسال باید رون صومعه رود می بیند همان شخص وفات یافته و جزا دکنی نیت در سینه او کاغذی در آن نوشته من قبر خود را حفر نموده ام الحال غسلم ده و کفن نما و بخاک بسپار غسال بوصیت او عمل نموده و مراجعت بشهر کرد و بعضی از قبور عرفا در آن بکیه است از جمله **سید سلیمان** نامی از اهل مصر از جمله عرفا و سالکین طریقت بوده در سنه یکهزار و شتاد و چهار وفات یافته ایضاً **شیخ عبدالکریم** نامی از مشایخ کبار بود در سنه یکهزار و یکصد و نود یک فوت شده آن قبر در طرف اول نزدیک در رب السمت دست راست واقع شده است

وچهارطاق برفراز کوه رو بتنگ الله اکبر واقع شده و چاه مرتضی علی بر قله کوه چهل مقام واقع است آنجا قدمگاه علی گویند **وتخت خرابی** یکیه است در گرکوه بالای سر یکیه بهشتان مذکور واز پائین کوه تا تخت مزبور مقدار یکصد و هفتاد قدم است **ویکیه مشرقی** در آن کوه نزدیک تنگ الله اکبر است طاقی است در وسطش محرابی است و آثار قبری و آن مزار **عمادالدین محمود** الحسینی است وفاتش در سنه هشتصد و بیست هجری است از یکیه مشرقی بمقدار هشتاد قدم بگذرند مزاری سنگ سیاه بزرگ دارد نام صاحب قبر بر آن حک نشده مگر بخط نسخ نوشته اند کل من علیها فان ویبقی وجه ربک ذو الجلال والاکرام مشهور است که آن قبر شرفه یکی از مشایخ عرفات است اما صاحب تذکره و جماعت کثیر ذکر کرده اند و اعتقاد شان آنست که باید قبر **خواجو کرمانی** باشد خواجو کرمانی کنیتش اسمش محمود بن علی بن محمود مشهور بخواجو صاحب فضل وکمال بوده و شاعر فصیح و مرید علاء الدوله سمنانی بود وفاتش در سنه هفتصد و چهل و دو واقع بود **یکیه حسین آباد** نزدیک بقبر خواجو است **ویکیه باباکوهی** در سمت یکیه مشرقی است بمسافت بعیده از پائین کوه تا بآن یکیه قریب بیکهزار قدم است چون شخص بالا رود که در آن قبر باباکوهی است اسمش شیخ ابوعبدالله **علی بن محمد شیرازی** از قدمای مشایخ است با شیخ ابوسعید معاصر بود وقریب بیکصد سال عمر نموده و در سنه چهار صد و چهل و دو هجری وفات نموده و تخلص کوهی بوده و دیوانی بزرگ دارد **یکیه حسین آباد** در دامنه کوه باباکوهی است و مصلی نیز در آن سمت است انجا قبرستان مصلی یکفند **یکیه شاه داعی** در سمت جنوب مایل بمغرب شیراز بمسافت شش صد قدم دور از دروازه شاه داعی واقع است داعی لالله از عرفای آفاق است مزارش در میان رواق و لوح قبرش از یک پارچه سنگ ساق دو زرع و نیم طولاً و نیم زرع و یک گره عرضاً و هفت گره ارتفاع دارد **شاه داعی** اسمش سید **محمود نظام الدین الحسینی** سیدی بود فاضل و معتقدی کامل صاحب تقامات عالیه تصنیفاتش عربی و فارسی بسیار است مدت عمرش نزدیک بهصد سال بوده در سنه هفتصد و هفتاد هجری از دار فنا بعالم بقا توجه کرده چند نفر از بزرگان اولیا آگاه در جوار

داعی الی الله مدفونند **شیخ اقطع** پیر باب نیز خواندند اسمش سید مزارش در سمت جنوب غربی شیراز بمسافت دو فرسنگ در دامنه کوهی تا مزار آن ربع فرسخ است در دره وسیعی واقع شده مرقدی دارد **وشیخ دانیال** در وسط سوم بحر سقان در سمت جنوبی شیراز بمسافت چهار میل **وشیخ شهریار** در سمت جنوبی شرقی شیراز است بمسافت کمتر از فرسخی در میان صحرا بقعه کوچکی دارد طرافش قبرستان است و در آن بقعه دو مزار است بر یکی آنها نوشته صاحب النفس القدسیه ذو المقامات العالیه شهریار بن احمد بن علی الفنائی و تاریخش ششصد و شانزده است بر لوح دیگر نوشته الشیخ الصالح العابد السالک جمال الدین حسین **وشیخ علی چوپان** در یکفرسنگی شیراز است مرحوم **سید اسدالله** المتخلص بغرای شیرازی در سال یکهزار و دویست و نود و فات یافت در دارالسلام مدفون شد گویند سه ساعت قبل از فوتش تاریخ وفاتش را گفت و وصیت کرد که بر لوح مزارش نقش نمایند پس شهادتین بزبان راند و جان بجان آفرین تسلیم کرد این است تاریخش **شعر** چو شد سید اسد دار دنیا خدا رابنده بود مصطفی را بی تاریخ خود این فرد را گفت کم آمد دو الف از نام غرا میرزای سکوت قدوه عارفین جهان و زبده سالکین زمان میرزا ابوالقاسم شیرازی است تاریخ فوتش هو الذی لا یموت یافشد یکهزار و دویست سی و نه است در حرم حضرت شاه چراغ مدفون است از محول علمای اعلام و فضلای کرام **شیخ صالح** ابن عبدالکریم بحرانی در کازرون از محال شیراز متولد و متوطن گردید بعد بامر شاه سلیمان صفوی متولی قضاوت دارالمرفات شده و تا بیفاتش بسیارست در شیراز وفات یافت در جوار سید علاء الدین حسین مدفون گردید **تاج الدین عبدالرحمن** شیخ عهد و مفتی عصر بود گویند در مسائل شرعیه بمذهب شیعی و سنی هر دو فتوی میداد در سنه ششصد و پنجاه و شش وفات یافت در شیراز مدفون است **ابوالقاسم فخرالدین محمد** از افاضل روزگار بود در فارس قضاوت داشت در سنه ششصد و هفتاد و شش در شیراز وفات یافت **حاجی میرزا سلطانعلی** ملقب بشاهد از سادات کرام و از علمای اعلام است مردی مرتاض و در تفسیر و حدیث و بطبی تمام داشته در سخن گفتن دلیر و حاضر جواب بود ایام کای شعر میگفت بود در سن شباب از دار بجرد حرکت بسوی عتبات عالیات نمود سپس در شیراز متوطن شد در سنه یکهزار و دویست و نود و سه وفات یافت مدفنش در دارالسلام شیراز است **و دیگر**

میرزا محمد شفیع وصال شیرازی شهور بمیرزا کوچک بندهٔ سالکین و قدوهٔ عارفین بود دیوانش
مشهور تالیفاتش موفور در مرتبهٔ سرائی همچکس بپایهٔ وی نرسیده در سنهٔ یکهزار و دویست و شصت و دو وفات
یافت در بقعهٔ حضرت شاه چراغ مدفون است **وازسلاطین مزار شاه شجاع**
که بفضل جود و عدل متصف بود در مرتبهٔ سالکی حفظ کلام الله مجید کرد و در علم و دانش بمرتبهٔ رسید علمای کبار
از لطایف خواطرش بهره مندی شدند مدت بیست و شش سال پادشاهی کرد سال مقتصد و شانزده
شش بجوار رحمت ایزدی پیوست **حیف از شاه شجاع** تاریخ وفات اوست در نزدیکی دارالشفا
قطب الدین شاه مدفون گردید **وازسلاطین دیالمه ابو الشجاع** بهاء الدوله و عماد الدوله و سلطان الدوله
نیز در شیراز **از وزراء میرغیاث الدین منصور** ابن امیر صدر الدین محمد
الحسینی الدشتکی الشیرازی وله تالیفات جمیلة و تصنیفات جلیلة وله کان منصب الصدارة
لشاه طهماسب الصفوی ثم استعفی عن منصب الصدارة وخرج الی بلدة شیراز المحروسة
فبقی هناك الی ان مات وکانت وفاته فی سنة ثمان وأربعین وتسعمائة **واز**
تقی الدین محمد نسابه **ومیرابوالولی ومیرابوالمجد** عموماً در شیراز مشهور و مدفون اند
و اما سادات شیراز بسیار صحیح النسب اند و در صحت نسب ایشان شکی نیست منتهی میشوند
بقاسم الرسی بن حسن بن ابراهیم طباطبا حسنی و از اکابر متاخرین ایشان **میر شمس الدین**
اسد الله شوشتری **ومیر شاه محمود** که شیخ الاسلامی فارس متعلق باو بود و سید فاضل
میر شاه ابوتراب قاضی القضاة مملکت فارس بود و مدتی هم از برادرزادگان جد
مؤلف فقیر در فارس و شیراز نقیب و قاضی القضاة بود **وهو محمد بن زید** بن القاسم
بن یحیی بن حسین ذی العبرة بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام
ومرقد ابوعلی سید ماجد بن هاشم بن علی بن موسی الحسینی انه کان
عالماً فاضلاً شاعراً ادیباً وفاتش سنه هزار و بیست بود در بقعهٔ شاه چراغ
مدفون است وصلی الله محمد وآله
الطاهرین

۱۸

بهشت پنجم در بیان مشاهد و بقاع قزوین و شرح حال مدفونین آنجا

قزوین

از اقلیم چهارم است و شاپور ذوالاکتاف ساخته تاریخ بنا آن سنه ثلاث وستین وار بعمائة
اسکندری بوده چون سلاطین صفویه آنجا را دارالملک قرار دادند بدان سبب آبادی و کثرت در قزوین روی نمود
و هوایش معتدل است و آبش از قنوات و باغستان بسیار دارد و رود ابهر از نزدیک آن میگذرد و در سمت شمال آن
سلسلهٔ جبال کلقان ممتد است و کردنهٔ خرزان معروف است اکنون عدد نفوس آنجا سی یک هزار نفر
علمای جعفری تخمین کرده اند و در شرقی آن ولایت طالقان در کوهستان اتفاق افتاده جمعی از اکابرین
از آنجا برخواسته اند و در فضیلت طالقان احادیث چند وارد است از کتاب کشف الغمة روی ابن اعثم الکوفی
فی کتاب الفتوح عن امیر المؤمنین علیه السلام انه قال ویحا للطالقان فان لله تعالی بها کنوزا لیست
من ذهب ولا من فضة ولکن بها رجال مؤمنون عرفوا الله حق معرفته وهم انصار المهدی
فی آخر الزمان و دوازده نفر از آنجا در رکاب ظفر انتساب حضرت حجة الله صاحب الامر خواهند بود منجمله
شعیب بن صالح طالقانی امیر عسکر آنحضرت خواهد بود چنانکه یکی از شعرای اهل بیت گفته است **شعر**
یقود نواجیها شعیب بن صالح الی السید من آل هاشم آزهر و در حدیث دیگر ان لآل محمد
بالطالقان لکنزا سیظهره الله اذا شاء دعاة حتی تقوم باذن الله فتدعوا الی دین الله ایشان
در طالقان ظهور کردند و صدق حدیث بروز کرد **حسن بن زید** ملقب بداعی کبیر **ومحمد بن زید**
ملقب بداعی صغیر **وحسن بن علی** ملقب بناصر کبیر و ناصر الحق از ابتدای دولت پنجاه سال هجری
در طبرستان و مازندران سلطنت و حکمرانی کردند الحاصل **مزار فایض الانوار امامزاده**
حسین بن موسی بن جعفر علیه السلام که بشاهزاده حسین معروف است بقعهٔ مطهرهٔ آن بزرگوار
در آند یار سطاف اهالی و زوار است **والحسین** بن موسی الکاظم **المدفون فی القزوین** فیعقبه
مختلف فیه فمن قائل انه اولد بنین وبنات وانقرضوا ومن قائل انه ترك ولدا اسمه
السید عبد الله واعقابه فی ضح ولیس لها الا البینة العادلة والادلة القاطعة
وهمچنین اختلاف کرده اند در حق آنحضرت که دفین قزوین است بزعم حمد الله مستوفی انتخاب ابن
حضرت رضا علیه السلام است و بعضی از علماء رجال و انساب و مورخین نوشته اند که صاحب آن بقعه
شریفه شاهزاده حسین بن احمد بن اسمعیل بن محمد بن الامام زین العابدین است

بهشت پنجم

در سال احدی و مأتین خروج نمود قزوین و ابهر و زنجان را از دست کاشکان عتابیه بیرون آورد و ملقب بداعی الحق گردید و در قزوین وفات یافت آنا اصح و اشهر و بزعم مؤلف احقر آن سرور بالقطع و الیقین در مظهر امام زاده حسین بن موسی بن جعفر

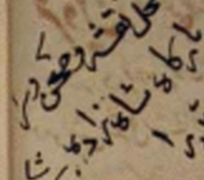

بنا آن بقعه و گنبد و بارگاه فخمه را ابو الفضل مجد الملک براوستانی القمی که وزیر بالاستقلال سلطان محمد بن ملکشاه بود انجام داد بعد از سلاطین صفویه و ملوک قاجاریه تغیرات آن قیام و اقدام نمودند

اما سادات قزوین حضرت شاهزاده حسین بموجب فرموده ارباب رجال و انساب بلاعقب بوده لکن **از نسل** برادر آنحضرت امیر الکبیر ابراهیم المرتضی که در زمان قدیم قاضی و نقیب قزوین بوده اند چنانچه شرح داده شد **و از ذریه** محمد بن الاکبر علی بن ابی طالب **و از نسل** حسن مثلث و ابراهیم طباطبا و حسین الاصغر بن الامام زین العابدین علیهم السلام در آندیار بسیار و باطراف و حوالی آن منتشرند

از بقاع و قبور علماء آنجا مزار **امام الدین الرافعی** کان من علماء عصر الظاهر بالله العباسی و له من المؤلفات محررة التدوین و کتابا الشرح الکبیر و الشرح الصغیر و کان مع ما فیه من العلوم و الکمالات ماهرا فی نظم الاشعار الباهرة و توفی بمدینة قزوین فی سنة ثلاث و عشرین و ستمائه و دفن فیها مزار **مولانا نجم الدین علی کاتبی** الاصل و قزوینی المسکن حکیم متبحر بود و در حکمت شاگرد اثیر الدین ابهری شرح ملخص و شرح محصل و شرح کشف الغوامض و حکمت العین و رساله شمسیه و جامع الدقایق از مصنفات اوست وفاتش در سنه خمس و ستین و ستمائه بوده **ابن باجة الربعی** و هو ابو عبد الله محمد القزوینی صاحب الصحاح و له ایضا سنن صحیح کتاب فی التفسیر و کتاب فی التاریخ کبیر توفی بقزوین سنه ۲۷۳ **و ابو الفرج شیخ احمد غزالی** برادر حجة الاسلام ابو حامد غزالی بود و او را نیز تصانیف بسیار است سنه پانصد و بیست و فات یافت قبرش در قزوین است **و حمد الله مستوفی** صاحب مؤلفات جلیله در هفتصد و پنجاه و فات یافت مزارش در قزوین است **شمس الملة و الدین قاضی شمس الدین**

ذکر مشاهد قزوین

در زمان هلاکو خان قاضی القضاة بود **و قاضی جهان** سنی حسینی مزارش در قزوین است **مولانا الحاج خلیل بن الغازی القزوینی** ذکره شیخ حر العاملی فی تذکرته بقال انه فاضل عالم علامة حکیم متکلم محقق فقیه محدث ثقة جامع للفضایل و له تصانیف کثیرة جمیلة و تفاسیر و رسایل جلیلة رایته بمکة فی الحجة الاولی و کان مجاورا بها مشغولا بتالیف حاشیة مجمع البیان توفی سنة تسع و ثمانین بعد الالف و کان مبلغ عمره الشریف ثمانا و ثمانین و قبره فی القزوین **و المولی الحاج حسین الیزدی** شارح خلاصة الحساب و قد تکرم عند السلاطین الصفویة و تولیتا الروضة مولینا عبد المعظم بالری و مدة سابها ثم عزل عنها و سافر الی مکة و جاورها فلما رجع منها سکن قزوین حتی مات دفن فیها **و مولا محمد رفیع المشتهر بالواعظ** القزوینی انه فاضل عالم زاهد صالح واعظ بعد ابیه بجامع قزوین من جملة مؤلفاته کتاب انوار الجنان توفی فی شهر رمضان سنة تسع و ثمانین و الف **اقا سید محمد باقر سید علی حسینی** قزوینی از تلامذه شریف العلماء شیخ علی بن جعفر بود در فقه و اصول کمال تسلط داشت و خط خوشی داشت و صاحب اجازات بود و ریاست عامه قزوین با و منتهی گشت قریب بهشتاد سال عمر کرد و برادری داشت مسمی بحاجی میرزا رفیع مرد بسیار فاضل و محقق و عالم و عامل بود مدفن و مزار او در برادر در قزوین است **جناب اقا سید تقی** سید عالم و زاهد و ورع و متقی مدفن و مزار او در قزوین است **الحاج ملا محمد تقی برغانی الشهیر بشهید ثالث** علته وفات او آن بود وقتیکه میرزا علی محمد شیرازی دعوی بابیت کرد و مردم باد کردند حاجی ملا محمد تقی عموم مساجد و منابر از کرد، باب حال تحذیر و آن طایفه را تکفیر مینمود تا در سنه هزار و دویست و شصت چهار هجری در ثمنه بمسجد رفت و مشغول مناجات و عبادات و تضرع بود بتحریک دختر برادر خود که قرة العین میگفتند چند نفر از فرقه ضاله مضله بابیه بقدر شصت زخم از کردن دار دهانش زدند آنجناب را از خود بر که رمقی داشت بخانه اش بردند دو روز زنده بود بعد از دو روز روحش بجناب جنان شتافت و در قزوین در جوار شاهزاده حسین در مقبره منفرده که حاجی میرزا ابو القاسم شیرازی برای خود تعمیر کرده بود بعد از چند سال برای تعمیر قبرش را شکافتند همان بدن مانند ایام زندگانی تر و تازه بود اکنون

بهشت ششم

مزارش زیارتگاه احباب آن بزرگوار است السید الامام العلامة الاوحد سید حسین بن سید ابراهیم القزوینی هو اعیان المجتهدین هذه الاواخر رفعها تهم الفحول المتمم لمراتب المعقول والمنقول وصاحب الکرامات والمقامات فی حیوته بعد الممات ومرقده الشریف بقرزین کثیرة واحدة من المعصومین یقبل الحوائج المحتاجین رحمة الله علیه وعلی آبائه واتباعه واصحابه واحبائه المعصومین

بهشت ششم در بیان مقابر ومشاهد دمشق شام

دمشق دارالملک مملکت شامات است نمرود بن کنعان بنا کرد در نظارت وحسن عمارت ووفور آب واشجار وفواکه واثمار جنت روی زمین است جمعیت دمشق اکنون بقدر دویست هزار نفوس است وقرب پنجاه هزار باب خانه دراوست ومردمش قوم عرب واکثر شافعی مذهب ودیگر نصاری وقلیلی یهودی وکمی شیعه امامیه ودیگر حنفی ودیگر مالکی وسامری وزیدی وعلی اللهی ویزیدی است وبقدر صد مناره وسیصد مسجد وصد مدرسه ودویست حمام ودوازده هزار باغ دارد وچهار هزار دکان شوربافی درآنشهر است ومسافت خطه شامات طولا الی عرش وعرضا از طی الی بحر روم است وهی الارض المقدسة التی بارک الله حولها وجعلها منزل الانبیاء والاولیاء

از عجایب دمشق جامع اموی مسجد جامعی است در وسط شهر واقع شده ولید بن عبدالملک انجا را با کرور خراج هفت ساله مملکت را بهمان مسجد خرج نمود چهل ستون یکپارچه از سنگ رخام دارد ونیخ مناره دارد وبقدر شش هزار قندیل که تمام شب را میسوزد ودرش محل درس کثیر تمیز طول مسجد پانصد وچهل وهفت گام عرض صد وپنجاه گام ومداخل پوتیه مسجد سیصد مثقال طلا میباشد ودرآن جامع قرآنی بخط حضرت امیر مؤمنان وقرآن دیگر بخط عثمان بن عفان است جبل ربوه در یکفرسخی دمشق است آیه واوینا الی ربوة ذات قرار ومعین درباب المکوه نازل شده وبر دروه المکوه مسجدی است مشتمل بر کهفی گویند ولادت مسیح درآنکوه است

اما بقاع شریفه ومقامهای متبرکه انجا

(الخ)

ذکر مشاهد دمشق شام

۲۰

مزار منور حضرت امام حسین علیه السلام فی دمشق وجلب راس الحسین فی خزانة یزید فکنوه فدفنوه بدمشق بباب الفرادیس مزار راس مبارک حضرت یحیی بن زکریا درسمت شرق مسجد جامع ودرشستان آن واقع است حضرت یحیی پسر زکریا بود ومادرش دختر عمران خواهر حضرت مریم میباشد شش ماهه از مادر متولد شد از احفاد پیغمبران بنی اسرائیل است پادشاهی بود هرود نام حضرت یحیی اورا از زنا کردن مانع شد اول بفتوای آن زن ملعونه یحیی را حبس کرد ماند الی روز جشن میلاد هرود سر هرود را از سر برده آن زن ملعونه اهدای قتل یحیی نمود آنملعون فرمان داد تا چند تن از زنازاده کان مجلس رقصه سر یحیی را از بدن جدا کردند ودر طشتی نهادند بمجلس آوردند پس از نقل آنحضرت اصحاب وشاگردانش جمع شده جسد مبارکش را از زندان برده دفن کردند اما سر مبارکش در محل مزبور دفن کردید باب جیران نام محلات در دمشق همانجا یحیی را شهید کردند سرش را از آن دروازه آویختند ودر عهد یزید پلید سر مبارک حضرت حسین را در انجا نصب کردند

بقعه منوره حضرت رقیه خاتون دختر حضرت امام حسین که در خرابه شام وفات یافت بقعتین شریفتین ام السلمة وام حبیبة ازروجات طاهرات سید کائنات در انجاست اگر مزار ایشان در مدینه در قبرستان بقیع نوشته ایم لکن در شام هم زیارت میکنند امیر تیمور گورکانی برسر مزار آن دو خاتون دو گنبد عالی برافراشت ومزار محمد معصوم بن جعفر صادق نیز در انجاست ومرقد عقیل بن ابی طالب انه کان اسن من اخیه جعفر بعشر سنین وکان اکثر الناس ذکر المثالب قریش فعاداوه لذلک وکان وکان مما اغاظهم علیه فی ذلک مغاضلته لاخیه علی وخروجه الی معویة حتی قال یوما لحضرته هذا ابوزید لو لم یعلم بانی خیر له من اخیه لما اقام عندنا وترکه فقال عقیل اخی خیر لی فی دینی وانت خیر لی فی دنیای وقد اثرت دنیای واسئل الله خاتمة الخیر توفی بالشام فی خلافة معویة

قبر محمد بن جعفر بن ابی الطیب در دمشق واقع است ومضجع ابو محمد حسن بن حسین بن حسن بن علی بن عیسی بن یحیی بن ذی الدمعة بن زید بن علی ابن الحسین که در دمشق قاضی القضاة بودند

بهشت ششم

مشهد زینب خواتون بنت یحیی المتوج بن الحسین الاذرع بن زید الاثلج بن الحسن السبط بن علی بن ابی طالب ع در حوالی دمشق در قریه سیده واقعست این خواتون مشهد زینب خواتون بنت امیر المومنین ع شده است غلط و خلاف شهورست از برای انکه زینب کبری بنت امیر المومنین علیه السلام در مدینه در قبرستان بقیع مدفون است **مدفن جعفر بن ابی سفیان** الهاشمی بن الحارث بن عبد المطلب مادرش دختر حضرت ابو طالب بود در اکثر غزوات ملازم حضرت رسالت بوده تا در سال خمسین از هجرت گذشته در دمشق وفات یافت **عبد المطلب** بن ربیعة بن حارث بن عبد المطلب در کتاب اصابه بسطورست ثقه و راوی احادیث بود در زمان خلافت عمر بدمشق رفت و در سال شصت و دو از هجرت وفات یافت و محمد پسر او در انجا قدر و شرف بسیار بهم رسید **مزار بلال** بن حمام مؤذن رسول الله ص و اصله من الحبشة مالت الی النبی ص و انشده باسان الحبشة شعرا ابره برده کنکره کری کری منظره فقال ص لحسان اجعل معناه عربیا فقال حسان شعرا اذا لمکادم فی افاق ذکرت فانما بلال

بهشت ششم

نشأ في بلدة قارب ثم انتقل الى بغداد ثم سافر الى دمشق الى الآن قتل بايدي قطاع الطريق حين
خروجه الى سفر عسقلان سنة تسع وثلاثين وثلاثمائة بدمشق ودفن بخارج باب الصغير
وصلى عليه سيف الدولة وقد ناهز ثمانين سنة ثم اخذوا بامر سيف الدولة قاتليه
وصلبوا وقتلوا البتة العقوبة ابو نصر اكمل فلاسفة مسلمين بوده شيخ الرئيس از تصانيف وى انتفاع
برده اكثر كتب اسطو در حفظ داشته در مجلس پادشاه در هر علوم بفضلا فايق آمد وتواضع قانون را
او مخترع شد وشرح آن در كتب تواريخ مسطور است از كلمات آنجناب است اموات اولاد امراض
مباشند دامراض اولاد اخلاط واخلاط اولاد اغذيه واغذيه اولاد نبات ونبات اولاد زمين
پس هرچه از زمين بر مايد بزمين ميرود **قدوة العاشقين واسوة العارفين** ابو عبد الله
محمد بن علي الحاتمي المغربي الطائي الاشبيلي الاندلسي ثم المكي ثم الدمشقي المشهور
محيي الدين الاعرابي كان اركان سلسلة العرفا واقطاب ارباب المكاشفة
والصفا ومعالم الشيخ عبد القادر جيلاني وتصنيفاته كثيرة وتحقيقاته معروفة عند
اهل البصيرة منها توفي ليلة الجمعة الثاني والعشرين من شهر ربيع الاول سنة ثمان
وثلاثين وستمائة وقبره بصالحية دمشق نزار معروف وكانت له يد طولى في علم الحروف
ومن استخراجه اذا دخل السين في الشين ظهر قبر محيي الدين يعني لما دخل السلطان سليم الشام
تفحص عن قبره وعمره بعد الاندراس ومنه ما انشد في ظهور القائم **شعرا**

اذا دار الزمان على حروف ببسم الله فالمهدي قاما واذ دار الحروف عقيب صوم
فاقرأ الفاطمي مني سلاما مذهب محيي الدين وحدة وجودي بود وجبر الجمع عرفا ثابت داده
ودشبري در كلش راز كفته است **نظم** هر آنكس را كه مذهب غير حيرت بني كفاكه او مانند كرات
وجميع اشاعره واهل سنت جبري مذهب اند امام فخر الرازي در انتقام چه خوب كفته است **شعر**
اذا كانت الاشياء من الله قدرت فقدام عذر للروافض في السب اذا كان
رب العرش في حكمه قضى عليهم بهذا فالعتاب على الرب **ابن عامر شامي**
يكي از قراء سبعه است اسمش عبد الله است در سنه صد وهيجده در دمشق وفات يافت
الخطيب الدمشقي قاضي القضاة جلال الدين محمد القزويني الاصل المشتهر بالخطيب الدمشقي
صاحب تلخيص المفتاح للامام السكاكي الذي كتب عليه علامة التفتازاني شرحيه المطول
بالمطول والمختصر في العلم البيان والمعاني قدم دمشق من بلاده مع اخيه قاضي القضاة

امام

ذكر دمشق

امام الدين وناب في القضاء عن اخيه ثم ولي خطابة دمشق ثم ولي قضاء القضاة بالديار المصرية
ثم عزل عنها واعيد الى قضاء الشام وتوفي بدمشق سنة تسع وثلاثين وسبعمائة **الشيخ فخر الدين**
العراقي ناشر ابراهيم كتاب لمعات از تصنيفات اوست مولدش همدان عارف بي نظير وبقرآن را
از حفظ ميخواند باشمس تبريزي در چله خانه رياضتها كشيده ارادت بشيخ بهاء الدين زكريا ملتاني
تعلقي داشته وفاتش سنه ستمائة وشاد بخت قبرش در دمشق نزديك مقبره محيي الدين اعرابي است
پسرش كبير الدين در نزديك پدر مدفون است **شيخ عبد الغني نابلوسي** شارح فصوص
وفتوحات در صالحية در خارج باب الصغير مدفون است **شيخ الفاضل تاج الدين** ابو الحسن
زيد بن حسن المعروف بابي اليمن بغدادي در جبل قاسيون مدفون است **شهاب الدين**
محمد قاضي القضاة الحنبلي الشافعي الشهير بابن الحنبلي النحوي ولد بدمشق سنة
واشتغل في صغر سنه فتميز وبرع في الفقه والنحو والتفسير والاصلين والمعاني والبيان
والفرايض والحساب والهندسة وولي القضاء القدس ثم ولي القضاء الشام الى ان مات
يوم الخميس في ٢٥ رمضان سنة ثلاث وتسعين وستمائة **الشيخ العالم الزاهد**
الكامل لسان العرب وترجمان الادب سيد المتكلمين ابي الفرج عبد الرحمن
ابن الجوزي وسبطه الشيخ الامام العلامة الفاضل الفهامة وحيد عصره وفريد دهره
شمس الدين ابي المظفر يوسف بن قزغلي الواعظ الملقب
جمال الدين والدنيا الحنفي المذهب وله صيت وسمعة في مجالس وعظه وقبولا عند الملوك وغيرهم ووصف
تفسير القرآن الكبير وتاريخا كبيرا قال ابن خلكان رايته بخطه في اربعين مجلدا اسما
مرآة الزمان وتوفي ليلة الثلثا الحادي والعشرين من ذي الحجة سنة اربع وخمسين
وستمائة بدمشق بجبل قاسيون ودفن هناك وقال مولده في سنة اثنين وثمانين
وخمسمائة كذا اخبرني اني وقال خالي محيي الدين مولدك في سنة احدى وثمانين وخمسمائة
فانه ينسب الى جده لا الى ابيه **الشيخ العالم** **كمال الدين محمد بن طلحة** انه كان
شيخا مشهورا وفاضلا مذكورا مات رحمه الله سنة اربع وخمسين وستمائة وحاله
في ترفعه وزهده وتركه وزارة الشام ورفضه الدنيا حال معلومة وفي انقطاعه
صنف كتاب مطالب السئول في مناقب آل الرسول وكتاب الدارة وكان شافعي المذهب

شرح مقابر دمشق

من اعیانهم در رسالتهم نقل من کتاب کشف الغمة للعلی بن عیسی الاربلی رضی الله عنه **مولانا**
سید نورالدین عاملی در صالحیه دمشق مدفون است صدر المحبین وفخر العاشقین
کثیر بن عبد الرحمن شاعر وعارف وعاشق مشهور بود ومذهبه حب اهل بیت
الرسول ومنصبه مدح ذریة البتول المامات الی الباقر الی الجنازة در رفعها کثیر
رافضی بود وباخلفا، بنی امیه باطنا دشمن بود روزی از دمشق غرابه نام روزی الشام بکاتبش گفت
برکثیر بنویس که زنش غرابه را طلاق کوید تا ما او را تزویج کنیم در این وقت کثیر در مکه بود عازم
دمشق گردید غرابی را دید که بالش افتاده است وفریاد میکند تا اینکه بدمشق رسید دید که بر
جنازه نماز میکنند آن هم با ایشان نماز کرد بعد از اتمام نماز خبر دادند که زنت غرابه است
که مرده واین جنازه اوست فلما سمع فشهق شهقة ومات من ساعته ودفن مع
غرابه فی یوم واحد ومات عکرمه مع کثیر فی یوم واحد وذلک فی سنة خمس ومأة
ابی سعید محمد المسعودی الملقب تاج الدین الحرانی المروزی الفقیه الشافعی
الصوفی قال ابن خلکان الموضح کان ابی سعید دیناً فاضلاً وصاحب المقامات الحریریة
وهو کتاب مشهور کثیر الوجود بایدی الناس وکان مقیماً بدمشق فی الخانقاه السمیساطیة
وتوفی سنة ۵۱۶ بمدینة دمشق ودفن بسفح جبل قاسیون وقف کتبه علی الخانقاه
المذکوره **شیخ ابو عمر حمایلی مقدسی** صحابش در صالحیه مدفونند **صالحیه**
نزدیک بدمشق بدامنه کوه قاسیون وسبب اینکه آنرا صالحیه میگویند وقتی شیخ مذکور در
آنجا مدرسه ودیر وحمام ومنابر ومساجد بنا کرد خود واصحابش اهل صلاح واهل اسلام
بودند بدین سبب صالحیه نامیده شد پس شیخ مزبور در سنه شش صد وهفت وفات کرد خود واصحابش
در آنجا مدفون گشتند ومما انشد فی مدحها بعض الفضلاء **شعر** الصالحیة جنة
والصالحون بها اقاموا فعلی الدنیا واهلها منی تحیة والسلام **وسادات**
در دمشق وشامات اند اولاد محمد الدیباج بن جعفر الصادق علیه السلام معروف اند
به بنو الطیار ومشهورند به بنو الشیبه **ودر دمشق** امام علی النقی علیه السلام **نسل**
اعقاب قاسم النسابه در شامات ودر قریه که اسم آن حران است بسیارند **اما**
قبور خلفای بنی امیه وشرح حال ایشان

دمشق

ومن طرایف ما اورده فی بنش القبور قال قال عمرو بن الهاف الطائی بعثنی ابو غانم المروزی علی بش
قبور بنی امیة فانتهیت الی قبر هشام فاستخرجته صحیحا وما فقدت منه شیئا الا طرف انفه
الا انه کان کرمة فاحرقناه ثم استخرجنا سلیمان من ارض دابق فلم نجد الا صلبه فجمعته
واضلاعه واستخرجنا مسلمة فبقی جمجمته وکذلک کان عبد الملک ووجدنا معاویة کخط
اسود کانه رماد ولم یوجد فی قبر یزید الا عظم واحد وما وجد من عظامهم حرق در
در روضة الصفا مسطور است که بعد از قتل ایران بنی امیه عبد الله بن علی که عم سفاح بود فرمود
تا کور ملوک بنی امیه را بشکافند ایشان قبور را کندند آنچه یافتند بسوختند وبباد دادند وموضع قبور را شخم
زده مزروع ساختند عجب است از محبین ایشان بجای آن قبور علامتی نهادند تا الحال بزیارت
آنها میروند وازخدا بتعالی توقع ثواب دارند وملوک بنی امیه چهارده نفر بوده اند
واین رقم شمل بر اسامی ایشان است **شعر** بودند از سران امیه چهارده بگرفته اند جمله آفاق
سر لشکر اول معاویه پسر هند بیوفا وز بعد او یزید جفا کار بد کهر انکه معاویه بد و مروان بعد از او
عبد الملک ولید وسلیمان وپس عمر انکه یزید بار نشام است پس ولید وز بعد او یزید وبراهیم برادر
مروان بن محمد کشته لقب حمار بود آخر این نیت جز این چارده دگر وبنو امیة کانوا
علی مذهب الحبریة والحجاج کانوا علی مذهبهم لما قتل اکابر السادات واصحاب
علی ع ورمی الکعبة بالمنجنیق وقال هذا منه تعالی **معاویة بن ابی سفیان**
جنگ صفین با امیر المومنین علیه السلام کرد ومحاربه اسلام بمرتبه رانمود سال شصتم هجری وفات کرد قبرش بابین جابیه
ودباب مغیرات وصاحب کنیت **یزید بن معاویه** در سال شصت چهار در حوالی حمص سیار انش پوت
چهار سال سلطنت کرد در آن مدت حضرت سید الشهداء را شهید کرد ومدینه را غارت نمود وبهتک وخرابی
کعبه پرداخت قبرش در رستم باب الصغیر واقع از بسکه بر آن سنگ انداخته اند تل بزرگی شده **معاویة بن یزید**
بعد از چهل روز خود را از خلافت عزل کرد **مروان بن الحکم** جلوسش شصت چهار سال بود بعد از چهارده ماه
در غره رمضان سال شصت پنج قالب تهی ساخت **عبد الملک بن مروان** در زمانش مختار بن ابی عبیده
ثقفی خروج کرد وبخونخواهی حضرت سید الشهداء ارخوات عبد الله بن زبیر کشته شد حجاج بن یوسف ثقفی حکومت عراق یافت

و عساکر عبدالملک در شرق و افریقا فتوحات کردند و بار دولت روم خنکید مدت بیست سال و شش ماه حکمرانی کرد در رسال

سلیمان بن عبدالملک

در عهد او کرمان و طبرستان فتح شد هزار سال صد هزار درم برای حضرت باقر سیر ستاد در سال نود و شش جلوس کرد

عمر بن عبدالعزیز

در نود و نه وفات یافت به پرهیزگاری معروف بود در دمشق مدفون گشت سیزده یکسو داشت

یزید بن عبدالملک

زبان دشمنان علی را از سب و ناسزا گفتن بر عترت طاهره به بست لهذا موصوف بعدل و نیکو منشی شد در سال صدو چهار سال و یکماه خلافت کرد و سال صد و پنجم وفات یافت در دمشق مدفون گشت

هشام بن عبدالملک

در عهد وی زید بن علی بن الحسین بدعوت برخواست و شهید شد عبدالرحمن والی اسپانیا در عهد هشام از شارل مارتل که پادشاه فرانس بود شکست خورد و پیشرفت و انبساط عرب از آنطرف متوقف گشت نوزده سال و شش ماه حکمرانی کرد سال صد و بیست پنج وفات یافت عمرش پنجاه و چهار سال بود

ولید بن یزید

بفعل و شراب اوقات روز و شب کار بود باحال مستی نماز جماعت بگزارد و قرآن را سوزاند بعد از یکسال و دو ماه حکمرانی او را از خلافت خلع کردند و بقتل آوردند ابتدای تنزل دولت بنی امیه از عهد او شد و شش صد و بیست شش مدت عمرش سی و شش سال بود

یزید بن ولید

از یزید ناقص کشتی بچند وجه یکی آنکه اعرج بود دوم آنکه مدت خلافتش پنجاه چند روز بیشتر نشد سیم آنکه علوفه و مرسوم سپاهیان را منقطع کرد

ابراهیم بن ولید

مدت خلافتش همقدار روز شد مروان بن محمد پنجاه هزار سوار در ارمنیه جمع کرده بدمشق آمد او را مغلوب کرد امان طلبیده با او بیعت کرد

مروان حمار بن محمد بن مروان

که آخر خلفای بنی امیه بود در دست سفاح مقتول و بنی امیه منقرض گشت سال جلوسش صد و بیست هفت سال وفاتش صد و سی و دو

تاریخ سلطنت بنی امیه

قریب نود سال است از سال چهل و یک تا صد و سی و دو طول کشید و در این مدت بنی هاشم همواره مترصد بودند که خلافت را از خانواده بنی امیه بیرون آرند و خود شان دارای این رتبه بوده سلطنت ظاهری هم داشته باشند مردم هم با ایشان بیشتر میل داشتند لکن هر وقت یکی از آنها سری جنبانید بنی امیه او را نابود نمودند تا در اواخر که قدرت خلفای اموی رو بضعف گذاشت بنی عباس که بنی اعمام پیغمبر بودند مردم را بقبول خلافت خود دعوت نمودند و اهل خراسان بخواطر محبت بنی هاشم با ایشان همراهی کردند و از اطاعت مروان حمار که آخرین خلیفه اموی بود سر بپیچیدند و ابو العباس عبدالله معروف بسفاح را خلیفه خواندند مروان و سفاح با هم زد و خورد ها کردند عاقبت مروان مغلوب و مقتول گشت و بنی امیه منقرض بوده خلافت بر بنی عباس قرار گرفت

بهشت هفتم در ذکر مشاهد قاهره مصر و شرح حال مدفونین آنجا

قاهره

دار الملک کشور مصر است قلعه بر دور آن کشیده اند بیست هزار گز است و عدد دکانهای قاهره پانصد و چهل و شش هزار است و قریب صد و بیست هزار خانه و شصت هزار دکان و دو هزار مسجد جامع و هزار باب خانقاه و زاویه و هفتصد حمام و چهار صد میخانه و دوازده هزار باب الطف یعنی خرابات خانه است و جمیع بیوتات شهر بر روی سه چهار طبقه ساخته اند و قریب دوازده هزار ستون پیکپارچه از سنگ مرمر در مساجد و مدارس آن کار کرده اند و در میل دریم فرسخی در سمت شرقی آن واقع است خصوصیات شهر بسیار را تفصیل آن موجب تطویل است و از آثار قدیم آنجا

هرمان

است در هرمان نام مغت کنبد بزرگ است که هرم های مصر کوچکند و بزرگترین آن کنبدها را هرم سیدوم گویند و از رو دنیل میل دور افتاده حضرت یوسف آنجا را بنا کرده آن کنبدها در خمسه اهرام خوابگاه انبیاء و ملوک سلف است از تاریخ بنیانش دوازده هزار و ششصد سال بحال خواهد بود و چهار صد ذرع بلندی هرم سیدوم است چنان سنگهای عظیم تراشیده بر هم چیده اند گویا یک قطعه کوه است و در آن کنبد ماسرداب های عظیم و عمیق است و در آنجا قبور اموات میباشد بعضی اعضاء و استخوانشان برقرار است و در میان آن قبه ها چاهای مربع و عمیق آن ده گز است در یک چاه بر هر ضلعی دری است از اضلاع اربعه چاه دیگر کنده اند و در هر خانه قرب صد بدن بعضی بر نهج بعضی جا بها پوشیده و آن جامه ها بر در ایام سیاه و سوخته گشته اما اموات بحال خود باقی مانده بعضی بازده و شش گز و تازه مانده در برخی از هم فرو ریخته و بعضی چشمهایشان آماسیده طول قامات بر یک از آن مردگان بیست گز بود گویند دفن ایشان در زمان نبوت حضرت ادریس بوده و مجموع آنمرده ها جوان و سیاه رسیدند

شعر

بسا روزگاران که در کوه و دشت
گذشته است بسیار خواهد گذشت

اهرام مطهره و بقاع منوره آن

در جامع شریف در میان شبکه مقام متبرکه

راس شریف حضرت حسین بن علی

است و جد راس الحسین فی خزانة یزید بعسقلان و دفنوه بدمشق بباب الفرادیس ثم نقلوه الی الخلفاء الفاطمیین من باب الفرادیس الی عسقلان ثم نقلوه الی القاهرة المصر وهو فیها و له مشهد عظیم یزار

بقعتین شریفتین

از بنات مخدرات حضرت امیر المومنین در اندرون شهر در قناطر السباع میباشد

زینب

حضرت سیده

سکینه

بقعه مطهره حضرت رقیه خاتون

بنت علی بن موسی الرضا در شهدای است نزدیک بجامع سرای امیر المومنین اکنون آنمقام معروف بجامع شجرة الدار است این کلام مرسنکی که بر در آنمضجع باشد مکتوب است

بقعة شرفت بال النبی ... وبنت الرضا علی الرضیة

بهشت مفتتم قاهره مصر

حضرت نفیسه سیده نفیسه بنت السید الامیر حسن بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم استحق بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشهید بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم والدت منه وماتت بمصر ولها هنالک قبر یزار وهی التی تسمیها اهل مصر الست نفیسه وینظمون بها وقد قیل ان صاحبة القبر بمصر نفیسة بنت الحسن بن زید وانها کانت تحت اسحق بن جعفر الصادق

مرقد مطهر عبید الله بن علی بن ابراهیم بن حسن بن عبید الله بن عباس بن امیر المومنین مزارش در برابر مسجد شجرة الدرات

مزار امام زاده اسمعیل بن موسی الکاظم فان اسمعیل اعقب من ثلاثة موسی واحمد وجعفر وولد جعفر بالمحمدیة وهو فی صغر ولد احمد من ولده محمد وفیه العقب الطیب واولاد موسی بن اسمعیل نقباء بنی حمدان ولهم الخاذ بمصر والشام وبطبرستان وقیل ان لهم بقیة ببلخ

والسید حسین المصری ابن محمد غریق اولاد زادگان حضرت سید السادات حسین علیه السلام در قاهره مدفون است

مضجع ابو القاسم بن الحسن بن احمد بن الحسن الاول اولاد عبد الله الباهر بن امام زین العابدین مزارش در انجاست

ابو الحسن علی الاشطب بن الحسین بن جعفر **واما فراده علی بن محمد** بن عبد الله بن الحسن المثنی بن الحسن المجتبی کرحکم منصور دوانقی در مصر محبوس و شهید شد

وعبد الرحمن بن عباس بن عبد المطلب ایشان در مصر مدفونند

ومحمد بن ابی بکر مادرش اسماء بنت عمیس زوجه جعفر بن ابی طالب بعد از جعفر بنکاح ابوبکر در آمد و در سال حجة الوداع محمد متولد شد بعد از آن علی علیه السلام عقد کرد محمد ربیب علی واز جمله حواری الحضرت بود ومحمد بن ابی بکر قتل بعد وقعة الصفین قتله عمرو بن العاص وحشی حبشته فی جوف حمار میت واحرقه وکان محمد هذا حیا العلی علیه السلام ربّاه فی حجره صغیرا حین تزوجه امه اسماء بنت عمیس نکاح یقول هذا ابنی من ظهر ابی بکر وانه بایع علیا علی البراءة من ابیه وانشد هذه الابیات

شعر یا ابانا قد وجدنا ما اصلح خاب من انت ابوه وافتضح انما انقذنی منک الذی ینقذ الله من الماء الملح یا بنی الزهراء انتم عدتی وبکم فی الحشر میزانی رجح انا نصح ولائی فیکم لا ابالی ای کلب قدنبح

محمد بن ابی حذیفه از اصحاب امیر المومنین علیه السلام بود و فرمانگذار از معرکت در بایان کار بحکم معویه بدست هبیرة بن مالک الکندی امیر فلسطین شهید شد

وعمر بن فارض مابین رقه و شهر قاهره زیارتگاه دارند

مقام سجن حضرت یوسف در بیان قلعه واقع است

بقعه امام شافعی در جبل جوشن که غرائب الخبه میگویند واقع است وقرافه صغرا نیز میگویند اکنون زیارتگاه اعلا و ادنی است

السید

وذکر مشاهد آن وشرح حال مدفونین آنجا

السید الشکور والمقتدی المشهور فی مذهب الجمهور **محمد** بن ادریس بن العباس بن عثمان الشافع بن السائب بن عبید بن عبد بن یزید بن هاشم بن مطلب بن عبد المناف القرشی المشهر بالامام الشافعی قد اسلم جده السائب فی یوم بدر قال صاحب کتاب الوفیات ان الامام الشافعی کان مولده فی بلدة غزة الفلسطین سنة خمس وماة وقدم بغداد سنة ١٩٥ فاقام بها سنتین ثم خرج الی مکة ثم عاد الی بغداد فاقام بها شهرا ثم خرج الی مصر وکان وصوله الیها فی سنة ١٩٩ ولم یزل بها الی ان توفی یوم الجمعة آخر یوم فی رجب سنة اربع ومایتین ودفن بعد العصر من یومه فی قرافة الصغری وقبره یزار بها بالقرب من المعظم واحمد بن حنبل امام الحنابلة کان یخدم الشافعی ویاخذ بزمام دابته ویقول اقتدوا بهذا الشاب وللشافعی اشعار فاخرة ونظمات شتی ونظم فی الولایة شی کثیر ومدایح عفیر ومن نزل فی شانهم آیة التطهیر ما نقله ابن حجر مکی فی کتاب الصواعق قال الشافعی **مدیحه** یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله کفاکم من عظیم القدر انکم من لا یصل علیکم لا صلوة له

ایضا من کلامه لقد کمت آثار آل محمد مخوهم خوفا واثارهم بعضا فابرز من بین الفریقین نبذة بها ملاء الله السموات والارضا

ایضا سئله بعض الناس عن صفة امیر المومنین وانشاء یقول

شعر انا عبد لفتی انزل فیه هل اتی الی متی الکمه الحتی الی متی ومن المشهور المتواتر عنه نقله قوله شعرا لوان المرتضی ابدا محله لحز الناس طرا تجدا له ومات الشافعی لیس بدیع علی ربه ام ربه الله

وقوله اذا فی مجلس ذکروا علیا رشلیه وفاطمة الزکیة یقال تجاوزوا یا قوم هذا فهذا من حدیث الرافضیة هربت الی المهیمن من اناس یردون الرفض حب الفاطمیة علی آل الرسول صلوة ربی ولعنة للملا

العارف بالله ذو النون مصری کان اصله من النوبة توفی الجاهلیة سنة خمس واربعون ومایتین ذو النون در قرافه صغرا باجماعی از صالحین مدفون است

الشیخ الفقیه اسمعیل المزنی کان زاهدا عالما مجتهدا غواصا علی المعانی الدقیقة من خواص اصحاب الشافعی واعرفهم وصنف کتبا کثیرا وتوفی فی شهر رمضان المبارک سنة اربع وستین ومایتین بمصر ودفن بالقرب من تربة الامام الشافعی

استاد ائمة العراق

ابو اسحق ابراهیم بن احمد المروزی الفقیه الشافعی امام عصره فی الفتوی والتدریس وصنف کتبا کثیره واقام ببغداد دهرا طویلا یدرس ویفتی ثم ارتحل الی مصر فی اواخر عمره فاقام بها وتوفی فی الفتح خلون من رجب سنة اربعین وثلاثمائة ودفن بالقرافة الصغری بالقرب من تربة الامام الشافعی

مولانا شیخ حسن عراقی که عابد وزاهد وصاحب کرامات عالیه وکاشفات ومجاهدات بود وکرامات باصاحب الامر علیه السلام کرد در مصر وفات یافت ودفن است بالای تپه ریش که مشرف است بر برکه رطلی در مصر محروسه از امام مهدی علیه السلام

سید علی حواص صاحب فضایل کرامات بود سنه نهصد وسی نه وفات یافت در زاویه شیخ برکات پیرون باب نصر ومقابل حوض طیار مدفون گشت

زهیر بن محمد بن علی بن یحیی ملقب شهاب الدین از فضلای عصر بود تولدش در مکه معظمه سنه پانصد وشانزده هجری وفاتش سنه ششصد پنجاه شش مدفنش در قرافه الصغری در جوار امام شافعی است

القاضی ابو حنیفه النعمان بن محمد بن منصور بن جنون المغربی الشیعی ابن خلکان وابن کثیر القرافة مقبرة اهل مصر وفیها البنیة جلیلة ومحال واسعة وسوق قائم وشاهد کالمدن طولون وهی متفرجات اهل مصر

نوشته اند که او بسیار فاضل وعالم وفقیه وعارف وعاقل بود در اصل مالکی مذهب بود بعد ازان بمذهب اهل البیت علیهم السلام انتقال نمود واو را مصنفات بسیار است از جمله کتاب اختلاف اصول المذاهب است ودر فضائل اهل البیت چندین هزار ورق تالیف نموده بود تا از مغرب بمصر آمد مدتها خود شید وبا پیرانش ابو الحسن

قاضی علی وابو عبد الله **قاضی محمد** قاضی القضاة مغرب زمین ومصر وشام وحرمین شریفین خطابة وامامة واحتسابا بایشان مفوض بود تا در ماه رجب سنه ثلث وستین وثلثمائة در مصر وفات یافت

وعارف کبیر ابن جباغ در رباط قنای صعید مصر مدفون است

الشیخ ابو الحسن الطاهر الشهیر بابن باب شاذ النحوی المصری وله المصنفات المفیدة توفی فی شهر رجب سنة تسع وستین واربعمائة بمصر ودفن فی القرافة الکبری قال الکراجکی ومنهم بها قبره وقرات تاریخ وفاته علی حجر عند راسه کما هو ههنا

الشیخ ابو الحسین زین الدین یحیی بن معط المغربی الحنفی النحوی صاحب الالفیة انه ماهر فی العربیة وعارف بالشعر واقرا النحو بدمشق مدة ثم بمصر وتصدر بالجامع الی ان وحمل الناس عنه وصنف الالفیة فی النحو والفصول له ولد سنه ٦٢٨ ومات فی سلخ ذی القعده

سنه ٦٢٨

سنه ٦٢٨ بالقاهرة ودفن من الغد علی شفیر الخندق قریبا من تربة الامام الشافعی وقبره هناک ظاهر

الشیخ العالم الثقة ابو الفتح محمد بن علی الکراجکی فقیه اصحاب المرتضی الشریف وله تصانیف المفیدة وذکر صاحب امل الامل انه کان عالما فاضلا متکلما فقیها ثقة جلیل القدر محدثا وهو من دیار مصر قال الیافعی فی تاریخه ان الکراجکی راس الشیعة کان نحویا لغویا متکلما حکیما طبیبا متکلما من کبار اصحاب الشریف المرتضی توفی فی مصر سنة تسع واربعین واربعمائة وقبره بها ظاهر

قاضی القضاة ابو عبد الله شمس الدین محمد الطائی البساطی ولد فی جمادی الاولی سنة ستین وسبعمائة تولی القضاء بدیار مصر وتصانیفه کثیرة فی الفقه والاصول والمعانی والبیان والمنطق وغیره ومات بالقولنج ثانی عشر شهر رمضان سنة اثنین واربعین وثمانمائة ودفن فی القرافة

مولانا شمس اصفهانی در قرافه کبری مدفون است

شیخ عبد الرحمن سیوطی نزدیک بقبر شمس اصفهانی مدفون است

ابن ابی سرح اسمه عبد الله بن ابی سرح الاموی عاش الی زمن معویة وتولی مصر من قبل عثمان وهو ممن هدر رسول الله دمه یوم فتح مکة وکان یکتب لرسول الله بدل الایات ان الله عزیز حکیم ان الله علیم حکیم وکان یغیر ما ینزل به الوحی فانه الله ما

تاریخ ملوک مصر

بمصر ودفن فیها

در ذکر قبور سلاطین مصر وشرح ایشان

شیث بن آدم ابن کثیر صاحب تاریخ وتفسیر گفته اول کسیکه بارض مصر در آمد شیث بن آدم بود وامام حسن بن محمد الهاشمی المشهور بالصفدی در تاریخ خود از صاحب تاریخ کبیر نقل کرده که اول کسیکه بدان مکان رسید ودر تعمیر آن کوشید **مصرایم بن رویل بن قابیل بن آدم** ٣٣ بود واولاد آن تا زمان طوفان شانزده نفر حکومت کردند

فرعان بن ارتاکینون آخر ملوک بنی قابیل بود بحضرت نوح ایمان نیاورده با آنحضرت عداوت مینمود تا زمان طوفان سلطنت کرد بعد از طوفان

بیصر بن حام بن نوح ٣٤ بملک مصر در آمد در سعودی آن سعی موفور دیده نا محصور مظهور رسانید وبیست نفر از اولاد حام حکومت کردند پادشاه بیجده ایشان

تدارلیس بن صباء الملک خسروی نام داشت بسیار عاقل ودانا بود ودر زمان او حضرت صالح مبعوث شده بآنحضرت ایمان آورد بعد از چند سال عالم جاویدخرامید للاجرم

ولید بن دولع از ملک شام

خروج کرده لوای تسخیر مصر را برافراخت و اولاد و احفاد بیصر را از آنديار سعدوم و نابود ساخت مفت نفر از ایشان
پادشاهی کردند که ایشان را **ملوک فراعنه** میگفتند سلطان دوم ایشان **ریان بن ولید** بود
حضرت یوسف را تصدیق نمود و بطریق پسندیده زندگانی کرد هفتم ایشان **قابوس** بلاطیس
بن مصعب لاطیس وارث اورنگ شاهی و دیهیم پادشاهی گشت وصیت انا یکبر الاعلی از ایوان
کیوان درگذشت کوئید فرعونیکه در کلام مجید مذکورست شاره باوست دانشهریارما اهل دین
واصحاب یقین طرفه عداوت داشت و از مراسم ظلم و جور و عدوان هیچگونه مهمل نمیگذاشت آخر الامر
بحر قهاری حضرت باری بجوش آمده اورا با لشکر بیحد در بحر قلزم بردایتی در رود نیل غرق ساخت
و خاندان آن کافر بدبخت را از ساحت کیتی برانداخت **و آسیه بنت مزاحم** امراة فرعون
رحمة الله علیها المقتولة و المدفونة بمصر روی انها لما عاینت المعجزة من العصا و غلبت
السحرة اسلمت فلما نال لفرعون ذلک نهاها فابت فرتد یدیها و رجلیها بأربعة اوتاد
والقاها فی الشمس ثم امران تلقی علیها صخرة عظیمة فلما رات اجلها قالت ربّ ابن لی
عندک بیتا فی الجنة فرفعها الله تعالی الی الجنة فهی فیها تاکل و تشرب و عن الحسن ان
فرعون اراد ان یمسها تمثل له شیطانه یقاربها و کان فی ام کلثوم سلام الله
علیها بعد از انقراض فراعنه سلطنت بدودمان قبطیم انتقال یافت و هشت نفر از ایشان حکومت
نمودند هشتم ایشان **مرنیوس بن مناکیل** بود بخت النصر کیو در زمان او بدان دیار
توجه نمود بعد از قتل و غارت ملک شام بکشور مصر در آمد مردم آنجا را قتل عام و غارت کرد
مدت چهل سال اقلیم مصر خراب مانده و در آنديار آدمی نبود بعد از چهل سال حکمای یونان و علمای
قبطیان و فهمای عمالقه در میان خودشان یکنفر سلطانی از قبطیان قرار دادند و در عمارت آنجا به
کوشیدند بعد از انجماعت حکومت بافید آخر ایشان **مقوقس جریح** بود در سنه بیست هجری
بامر عمر بن الخطاب عمرو بن العاص بدیار مصر آمده آنديار را مفتوح ساخت و خاندان قدیم را برانداخت
در زمان خلفا یکی از اولیاء ایشان در آنجا حاکم بود در آیام خلافت حضرت امیر علیه السلام **بنی امیه**
غلبه کردند و تصرف نمودند بعد از انقضاء دولت آنها امرای **بنی عباس** متسخر نمودند همواره
کاشکان ایشان آنمملکت را متصرف بودتا اینکه ملوک **آخشیدیه** خروج کردند و پنج نفر از ایشان
مدت مدید حکمرانی نمودند آنگاه آفتاب اقبال **بنی فاطمه** از جانب مغرب طلوع نمود و ابتدای دولت
ایشان در سنه دویست و نود و شش بوده چهارده نفر از ایشان مدت دویست و دهفاد چهار سال سلطنت کردند

ملوک بنی فاطمه

اول ایشان **السید امیر عبد الله ملقب بالمهدی بالله** زاده اوراحضرت سلطان المحققین خواجه نصیر الدین طوسی
در فاتحه تقویمی برین وجه مرقوم فرموده عبد الله بن محمد بن عبد الله بن احمد بن محمد بن اسمعیل بن
جعفر الصادق علیه السلام ولادت او در قریه سلمیه حمص در سنه ثمانین و مائتین و مدت خلافت
او بیست و چهار سال بود وفاتش سنه اثنین و عشرین و ثلثمائة و مدت عمرش شصت و سه سال بود و لایت مصر
و افریقا و مغرب زمین را بالجمله تصرف آورد و در حصار مهدیه از بناهای خود بود وفات یافت **السید**
امیر محمد ملقب بالقائم بالله مدت خلافت قائم دوازده سال و هفت ماه بود آن هم در حصار
مهدیه مدفون گشت **السید امیر اسمعیل ملقب بالمنصور بالله** مدت هفت سال از خلافتش
منقضی شد علم فانی را وداع کرد مدت حیاتش سی و هفت سال بود **السید امیر معد ملقب بمعز**
لدین الله یا فی کفه و کان مظهرا للتشیع معظما لحرمة الاسلام حلیما کریما وقورا
خادما سائرا یا میل الی الانصاف و یجری الامور الی احسن احکامها تمام اقصای ممالک
افریقا و دیار خالدات و فلسطین و شامات را مسخر کرد مدت عمرش چهل و پنجسال و در زمان خلافتش
بیت پنجسال و سه ماه بود سال سیصد و شصت پنج وفات یافت **نزار العزیز بالله**
تاریخ مصر گفته لبیبا کریم و شجاع و ادیب و فاضل و حسن خلق و دانشمند جلوسش سال سیصد و شصت پنج
وفاتش سال سیصد و شانزده بود **السید امیر منصور الحاکم بامر الله** بعد از بیست و یکسال
خلافت و حکمرانی غایب شد و پیدا نشد و کسی ندانست بر او چه رفت و نفهمیدند او در رجب بیست و هفتم شوال
سنه احدی عشر و اربعماة بود **السید علی ملقب بالظاهر لاعز دین الله** ولادتش در مصر
سنه خمس و تسعین و تلثمائة وفاتش سنه سبع و عشرین و اربعماة بود **السید امیر معد الملقب**
بالمستنصر بالله مولدش سیزدهم جمادی الآخر سنه عشرین و اربعماة جلوسش بر تخت خلافت
سنه سبع و عشرین و اربعماة وفاتش هیجدهم ذی حجة الحرام سنه سبع و ثمانین و اربعماة **السید**
المستعلی بالله ولادتش سنه سبع و عشرین و اربعماة جلوسش در خلافت روز عید غدیر
سنه سبع و ثمانین و اربعماة وفاتش شب سه شنبه هفدهم شهر صفر سنه خمس و تسعین و اربعماة **السید امیر**
منصور الآمر باحکام الله پدرش مستعلی ولادتش سنه تسعین و اربعماة جلوسش
روز واقعه پدرش فوتش سنه اربع عشر و خمسماة **عبد المجید الحافظ لامر الله**

پدرش محمد بن مستنصر این محمد در زمان پدر بستقلال رفت عبد المجید در عسقلان سنه ثمان وسبعین واربعمائه
متولد شد جلوسش در شش وفات آمر باحکام الله وفات او سنه ثلاث واربعین وخمسمائه
امیر اسمعیل الظافر بامر الله ولادتش سنه تسع وعشرین وخمسمائه جلوسش سنه
اربع واربعین وخمسمائه وفاتش سنه تسع واربعین وخمسمائه **السید عیسی ملقب بنفایز**
بنصر الله پدرش ظافر مولدش سنه اربع واربعین وخمسمائه وفاتش شهر محرم سنه ستین وخمسمائه
السید عبد الله ملقب بعاضد لدین الله پدرش ابو الحجا یوسف بن
عبد المجید بود در روز فوت فایز جلوس بر تخت خلافت کرد او نوزده یا پانزده ساله بود در
ایام او اسد الدین بمصر آمد خواست مصر را تصرف کند اما رد در گذشت وصلاح الدین
یوسف که از اکابر اصحاب اسد الدین بود بر ملک مستولی شد وعاضد از عجز او را
وزارت داد یوسف دست جمله امرا را کوتاه کرده بر ملک مستولی شد وباستقلال
حکم میکرد قضارا در این میان عاضد رنجور شد سنه سبع وستین وخمسمائه از دنیا در گذشت
واصول آن طبقه بدو منقرض شد ندبعد از انقراض ایشان دولت **بملوک چرکسیه** رسید
بعد سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید رومی در سنه نهصد و پانزده هجری از چراکسه منتزع
کردانید مدتی مصر در تحت حمایت عثمانی بوده ودر سنه هزار و دوست و شش (۱۲۶۰) نیچ هجری محمد علی پاشا
والی مصر داعی حق را لبیک گفت الحاصل در کشور مصر ملوک ذی جاه وحکمای معرفت پناه وابدال
عظام واولیای کرام واوصیای عالیمقام بسیار ظهور کرده اند وسکنه آنند یا عموماً عرب وشافعی
مذهب ودیگر قبطی و یهودی ونصاری وقلیلی طایفه ترک وکمتر از جمیع فرق طایفه امامیه اند
سادات مصر ذریه محمد بن حنفیه بن امیر المؤمنین **اولاد جعفر بن**
ابی طالب **اعقاب** علی الطیب **نسل** ابراهیم بن اسمعیل طباطبا **اخفاد**
حسن مثنی است وصلی الله علی محمد وآله

حرف الباء

سلسله شایخ او را ملا عبد الصمد همدانی در کتاب بحر المعارف وفاضل نراقی در خزائن خود بدا بکونه ذکر کرده اند
میرزا محمد از شاگردان قاضی اسد الله قهپایی واو از شیخ دوست لشعلی سدیری بزواری واو از خرقه پوشان
شیخ ملک علی جوینی واو از شیخ کمال الدین جوینی واو از حاجی از حاجی سید حسین ابرقوی واو از سید محمد
نوربخش واو از امیر سید علی شهاب همدانی واو از شیخ محمود مزدقانی واو از شیخ علاء الدوله سمنانی واو
از شیخ نور الدین عبد الرحمن الکسوانی الأغرانی واو از شیخ جمال الدین احمد جوزقانی واو از ابو علی لادلا واو
از مجد الدین اسمعیل بغدادی واو از شیخ نجم الدین کبری معروف بشیخ ولی تراش واو از شیخ عمار یاسر واو
از شیخ نجیب الدین سهروردی واو از شیخ احمد غزالی واو از شیخ ابو بکر محمد النساج واو از شیخ ابو القاسم محمد کرکانی
واو از شیخ ابو عثمان مغربی واو از شیخ ابو علی کاتب واو از شیخ ابو علی رودباری واو از شیخ جنید بغدادی
واو از سر سقطی واو از معروف کرخی واو از سلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام

بیروت شهریست در کنار بحر روم واقع وبندر دمشق ومشاهات است مزار **خضر یحیی پیغمبر** در انجاست
ودر ذکر شهادت انجناب در صحن دمشق گذشت

پیر اسمعیل خان عبارت است از مرو کهنه همان شهر را اسمعیل خان ساخته وبدور ش بارو کشیده بود
اکنون خراب است مشاهد ومقابر انجا در صحن مرو شاه الله تعالی معروض وسطور خواهد شد

بیضا بلوکیست در طرف شمال شیراز ودر وسط بلوک تلی است او را تل بیضا نامند بمسافت دو فرسخ بحال
بجز از تلهای خاک چیز دیگر مشاهده نمیشود گویند شهر قدیم بیضا را که کشتاب بنا نهاده بود محل الشهرات کنی خراب
بوده فضلا وعرفای بسیار را آنجا بر خواسته اند از جمله قاضی ناصر الدین بیضاوی وحلاج حسین بن منصور
وعلمای دیگر شرح حال هر کدام را در مدفن خود ذکر نموده ایم **ابو الحسن سالبه** معروف **بشیخ الشیوخ**
وفاتش در سنه چهار صد و پانزده در بیضا مدفون است

باب سیم در مشاهد حرف التاء وذکر حال اهالی آنجا

تا بیاد قصبه ایست از توابع هرات **بقعه مولانا شیخ ابو بکر** که عارف وعابد ومتواضع زاهد بود
در انجا در کمال اشتهارست

تشه قصبه ایست در یکفرسخی حیدر آباد سند مولانا **احمد بن نصر الله قاضی**
که بغایت فاضل بود وتاریخ الفی را او بامر اکبر شاه تالیف نمود مزارش مطاف اهالی آنست زیارت

تربت در سه منزلی مشهد مقدس است از بلاد خراسان چون قطب الدین سید حیدر از انجاست در آنجا

باب پنجم

ترمذ

وقاضی اختیار الدین حسین پدر قاضی غیاث الدین در سنه ثمان وعشرین وستمائه در قصبه ترمذ وفات یافت ودر مقبره آباء واجداد خود مدفون گشت

توسرکان

تهامه

تنعیم

باب چهارم در بیان مشاهد حرف ثاء

ثعالب

ثلج

باب پنجم در ذکر مشاهد حرف جیم

جام

جبل الروضه

جبل الکواکب

جبل

جبیل

جحفه

چمنو

باب پنجم

جده

بندری است در کنار دریای قلزم از کعبه معظمه دو مرحله دور است گرشاسفی مذکر است

بقعه مطهره حضرت ام البشر حوا

علیها السلام واقع است در خارج شهر واقع و حصنی استوار دارد

دیر مجنون عامر

که نام اصلیش قیس بن ملوح و عاشق مشهور بود در بیان قلعه و دیر

لیلی

معشوقه آن در خارج قلعه است

جرجان

در زمان قدیم شهری بوده فعلاً خراب است و نام حکمگاه ایالت بوده و اسم المملکت را جرجان میخوانند بسطام که محل مدفن حضرت امام زاده محمد بن جعفر است در کتب انساب و تواریخ باسم جرجان مرقوم داشته اند الحال جرجان یکی از قراء استرآباد است رود خانه آنجا که شهر و بلکران است به بحر خزر میریزد اگرچه شرح حال امام زاده محمد را در بسطام نوشته ایم و در اینجام چند کلمه مروض داریم

محمد بن جعفر الصادق

ات یلقب بالدیباج الشیخ المقدم الشجاع البهیه الوجیه مات بجرجان سنة ثلاث و مائتین وله تسع و خمسون سنة و مشی المامون بجنازته راجلاً حتی بلغ القبر ثم دخل قبره و نبی علیه قبة عالیة و دیگر از امام زادگان در اراضی جرجان مدفونند از جمله

ابو علی محمد السلیقی

بن علی بن جعفر بن عبد الله بن حسین الأصغر بن امام زین العابدین در جرجان شهید شد

السید ابو جعفر محمد الکوکبی

بن الحسین بن علی در دار و برادرش

عبد الله بن الحسین

دار غلماد محدثین

زین المشایخ

ایضا

السید مانکدیم بن علی در دار

الزمخشری

صاحب الکشاف و هو ابو القاسم محمود الملقب بجار الله المحترم لکونه فی اواخر عمره مجاور البیت الحرام کان واسع العلم کثیر الفضل غایة فی الذکاء وجودة القریحة وکان معتزلیاً فی مذهبه حنفیاً و یقولون اکثر العلماء الاسلام بتشیعه جاور بمکة زمناً فقیل له جار الله وسقطت احدی رجلیه من ثلج اصابه فی بعض الاسفار فکان یمشی فی خشب ولد فی ۴۶۷ و توفی بجرجانیة خوارزم لیلة العرفة ۵۳۸

وتلامذته کثیرون من اعاظم الفضلاء واشخاص لبیبا از فرقه علما و فضلا از انجا برخواسته اند از جمله

بر سید شریف که شرح حالش در ضمن تبریز مذکور شد که انجناب صاحب تصانیف کثیره از حکمای اسلامیه واز فائقان طریقه ذوق المتالهین بوده کوی سبقت از ممکنان ربوده است و انظایفه وجود را واحد و موجود نقیض یعنی عین ذات و غیر ذات نمیدانند و این طریقه را بذوق المتالهین منسوب ساخته اند از جمله جلال الدین دوانی و علامه حلی

باب ششم در بیان مشاهد حرف جیم

جند

جودن

جودقان

جوین

حاجر

حبه

حصار مهدیه

حضرموت

حرف الجیم

در احقاق الحق بشیخ نهائی در کشکول و محقق سفری و مولانا احمد اردبیلی حاشیه در الهیات و شیخ محی الدین در شرح مفتاح الغیب و صدر المتالهین در اسفار اینقول را اختیار کرده اند

جند

شهری است در توران مولانا بابا کمال الدین جندی مرید شیخ نجم الدین خوارزمی از انجاست مزار

سلجوقی

که جد سلاطین سلجوقیان است مدت عمرش کصد و هفت سال بود بعد از وفات در جند مدفون شد

جودن

قصبه ایست از بلاد مولتان مزار

شیخ فرید الدین شکر گنج

در اندیار در کمال اشتهار است

جودقان

از دهات جرفادقان در کنار راه خونسار واقع است مولانا الفاضل البحر

میر ابو القاسم محتهد

در انجا مدفون است

جوین

ناحیه ایست در مابین خراسان و قهستان واقع ارباب فضل و کمال از انجا خاسته اند از جمله

عبد الملک امام الحرمین

از فحول علمای شافعیه بود مدتی در مکه تدریس کرد بعد بنیشابور آمد مدرس مدرسه نظامیه بود آخر بوطن اصلی مراجعت نمود در سال چهار صد و شصت و هشت وفات کرد قبرش در آنجا زیارت

وخواجه شمس الدین وزیر هلاکو خان و پسرش اباقا خان و سعد الدین تفتازانی از انجا بوده اند

باب ششم در بیان مشاهد حرف حاء

حاجر

قریب مدینه طیبه اند زید بن حسن بن امیر المؤمنین در انجا وفات یافت حمل بمدینه کردند و در بقیع دفن نمودند

فاعقب زید الحسن و لاعقب لزید بن الحسن الا منه

حبه

از قرآ بعلبک است

بقعه حضرت شیث بن آدم

مطاف اهالی آنديار است

حصار مهدیه

از بناهای ملوک فاطمیه در مغرب زمین است

امیر عبد الله

بن محمد المهدی بالله بن احمد بن محمد بن اسمعیل بن جعفر الصادق ولادتش در قریه سلمیه حمص و مدفنش در حصار مهدیه است

حضرموت

ولایتی است مشهور از دیار عمان محدود است بولایت یمن و دریای عمان و بادیه العرب و ولایت سقط و هود النبی علیه السلام بن شالخ بن ارفخشد بن سام بن نوح عاش ثمانمائة وسبعاً و هو بشر بنبوة نوح و هو بشر بنبوة ابراهیم فلما انتهت النبوة الی یوسف جعلت فی اسباط اخوته حتی انتهت النبوة الی موسی بشر بمحمد و کذا عیسی بشر بمحمد

حضرت موسی پیغمبر

نوشته اند در بعضی کتب تواریخ که چهار صد و شصت چهار سال زندگانی کرد در بلاد حضرموت وفات یافت قبرش در تل کرم در جبال حضرموت است و قیکه دفن کردند کنبد عالی بر آورده و تختی از

عمر بن الخطاب

فاقفلوا

من المدینة

باب ششم

حلّه

واقع است مابین کوفه و بغداد در سمت مشرق کربلا و شط فرات از قرب آن میگذرد و مردش قوم عرب اکثر شیعه مذهب و قلیلی اهل سنت و جماعت اند و بسیاری از فضلا و مجتهدین امامیه از آنجا بوده اند از آنجمله جمال الدین علامه و پسرش فخر الدین و شیخ ابو القاسم و ابن مهدی صاحب تصانیف کثیره از آنجا بوده اند مزار امام زاده ها در حوض نجف الاشرف معروض داشتیم اما مقبره احداد و طایفه علامه حلی در آنجا است

بقعه السید احمد بن موسی بن محمد بن طاوس صلحب البشری

در آنجا زیارت السید الجلیل الفاضل الکامل جمال الدین ابو الفضایل السید احمد موسی بن طاوس الفاطمی الحسنی الحلی اخو السید رضی الدین علی بن موسی بن طاوس من ابیه و امه و کان مجتهدا واسع العلم فی الفقه و الاصول و الرجال و من اورع فضلاء اهل زمانه و اتقاهم و کان وفات السید فی حدود سنة ثلث و سبعین و ستمائة و دفن بالحلة البهیة و قبره بها معروف و مشهور یقصده الموافق و المخالف بالهدایا و النذور

الشیخ جعفر بن مجد الحلی

کان من الفضلاء الاجلة و کبراء الدین و الملة توفی بعد رجوعه من زیارة الغدیر یعنی من النجف الاشرف الی الحلة فی شهر ذی الحجة سنة خمس و اربعین و ستمائة

حلب

شهری است از بلاد شام مساجد خوب و مدارس مرغوب دارد خانهای آنجا را از سنگ تراشیده دو سه طبقه ساخته اند و با اسلوب خوش طرح انداخته اند مردمش اکثر شافعی مذهب و قوم عرب نهایت متعصب اند دیگر حنفی مذهب و عیسوی و یهودی و اقل قلیل شیعه امامیه بقدر دو هزار رباب خانه سادات صحیح النسب و همگی سنی متعصب اند

جامع شریف و بقعه مطهر حضرت زکریا

علیه السلام در میان شهر در غایت وسعت و بازیب و زینت است مزار آنحضرت در اندرون مسجد و بسمت مشرق آن در وسط باب العراق مسجد غوث اتفاق افتاده و مزار زکریا علیه السلام قیل هو من نسل یعقوب بن اسحق انه عاش تسعة و تسعین سنة و در نزد باب الخان

مقام امیر المومنین علیه السلام

بسیاری از فضلاء در آنمکان آنحضرت را در خواب دیده اند و در آنجا مسکن گزیده اند باعتقاد مردم آنجا کوینده خط شریف امیر المومنین علیه السلام است و فی روایة مات

بلال

مؤذن رسول الله بحلب و دفن علی باب الاربعین و اما مشاهد فضلا و محدثین

ابو المکارم السید حمزة بن علی بن ابی الحاسن زهرة الحسینی الامامی المعروف بالسید بن زهرة الحلبی

ینتهی نسبه الهمام الی الامام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام باثنی عشرة وسایط و هو ابو من کبار فقهاء الامامیة و له تصانیف کثیرة و ولد فی شهر رمضان سنة احدی عشرة و خمسمائة و توفی سنة خمس و ثمانین و خمسمائة

و شیخ شهاب الدین سهروردی

که حکیم دانشمند بود در حلب بحرم حکمت مقتول شد و فاتش بالقصد و افتاد هفتاد و اند سنه و الشیخ العارف الفاضل الحکیم الکامل الشهید السعید صاحب حکمة الاشراق

الشیخ یحیی بن حبش

ملقب لشیعة اهل الحلب

و ابن شهر اشوب

مازندرانی و هو ابو عبد الله محمد بن علی کان عالما فاضلا ثقة محدثا محققا عارفا بالرجال و الاخبار ادیبا شاعرا جامعا للمحاسن له کتب مفیدة توفی رحمه الله لیلة الجمعة الثانی و العشرین من شعبان المعظم سنة ثمان و ثمانین و خمسمائة و دفن بظاهر حلب فی سفح جبل هناک یقال له حورین

و شیخ شهاب الدین یاقوت الحموی

سالها در بغداد تحصیل علوم نمود از آنجا بدمشق از آنجا بحران از آنجا بحلب آمد شیعی مذهب بود تصانیف بسیار دارد در پنجاه و یکسال عمر کرد و در فاتش سنه ست و عشرین و ستمائة و دفن بمقبرة المقام

ابو یحیی عبد الرحیم

ابن اسمعیل بن بناتة الجذامی در سال سیصد و پنجاه و چهار وفات کرد در آنجا مدفون است

و قاضی اسعد ابو المکارم

ابن مماتی النصرانی المصری فیه فضایل و له مصنفات عدیدة و کان قد هرب من مخانقة بعض وزراء مصر الی حلب المحروسة و اقام حتی توفی بها فی سنة ست و ستمائة عن نیف و ستین سنة و دفن بمقبرة المقام

شیخ عبد القادر جانی

در مرقد الشیخ الفاضل

ابن منیر

شاعر معروف ولادتش در شهر طرابلس بوده و سال پانصد و چهل و شش وفات یافت و در آنجا مدفون است

حلوان

در قدیم الزمان اسم قریه ایست اکر شهی بخواهد از کرمانشاهان به بغداد رود آنقریه را در راه بین کرند و قصر شیرین خواهد دید و الحلوان بلد معروف و مشهور من سواد العراق و هو آخر مدن العراق بینه و بین بغداد خمس مراحل و هی من طرف العراق من المشرق و

در ذکر مشاهد حرف حاء

شیخ محیی الدین محمد

ابن العربی الطائی الحاتمی الاندلسی صاحب تصانیف مشهوره و در انتصاف شعبان سال ... وفات یافته در دمشق مدفون شد

الشیخ ابو عبد الله البلوی

الشیخ ابو عبد الله البلوی الحموی البغدادی صاحب تصانیف کثیرة کانت وفاته بحلب و ذلک فی یوم الاحد العشرین من شهر رمضان سنة ست و عشرین و ستمائة

حلوان

فی الخان بظاهر مدینة حلب

باب ششم

والقادسیه من طرفه من المغرب وسمیت بابسیم بانیها وهو حلوان بن عمران بن الحارث بن قضاعة

مولانا الشیخ احمد بن اسحق قمی که وکیل حضرت امام حسن عسکری و از اصحاب خاص آنحضرت بود در منزل حلوان وفات یافت حضرت صاحب الامر باکافور خادم در بکطرفة العین در آنمنزل حاضر شده و مباشر غسل و دفن و کفن وی گردیده بود غایب شد سعد بن عبد الله قمی که از اکابر محدثین بود گوید که امام عصر حضرت حجة الله قبل از وقت خبر وفات احمد را داده بود اکنون مزار آن بزرگوار در نزدیکی بود خانه ذمات

حمیمه قریه ایست در راه شام بفاصله هزار قدم تقریبا از طرف جنوب و در آن قبر نبای محقری است و محروسه است اهل ثروتمان بی همت و متمولین بی حمیت آن قبر مطهر را تعمیر نمیکنند و از هزار نفر زوار یکی بزیارت آن بزرگوار نمیروند و بردی فاتحه نمیخوانند

ابی هاشم عبد الله بن محمد حنفیه بن علی بن ابی طالب مادرش خائله بود مزار فایض الانوارش در حمیمه است جماعت شیعه کیسانیه از مردم خراسان را کمان چنان بود که وارث وصیت پدرش محمد حنفیه است و محمد بن علی بن عبد الله العباس وصی او است

حمص شهریست در بیابان حلب و دمشق واقع است در آنجا شاهد منوره بسیار است از جمله مقام **حمر آء** قریه ایست از محال حمص و مشهد **مرتضی علی** علیه السلام در آنمشهد عمودی است که موضع انگشت آنحضرت در آن نمایان است و مزار اکنون مشهور بقدمگاه است عبارت است از یکپارچه سنگ محترم یعنی از اولاد های حضرت جعفر بن ابی طالب در آنجا بسیار است و مردم آنجا الی الان زیارات آنها بر شریعه سیاه سخت تقریبا پنجذرع در نوزعظیم مینمایند پنجذرع که بر روی آن اثر دو قدم بزرگ منطبع شده و این سنگ را در سمت قبلی بقعه که مخصوصا برای این سنگ احداث کرده و خودش نیز در آنجا مدفون است آن قبله ایهم آن پیغمبر ستمی شده

حمیه ایست در دشت و اول شهری است که بعد از طوفان بنا شده مردمش قوم عرب بحکم شافعی مذهبند

حوران در دو منزلی ساخته اند بر دیوار بارتفاع یکذرع و نیم نصب کرده اند و در بعض دیوار بکار برده اند و بقعه مزبور هم در عهد شاه سلطان سلیمان صفوی بنا شده در سنگ مزبور اثر قدم حضرت رضا علیه السلام

حوران در دو منزلی دمشق واقع و اول شهری است که بعد از طوفان بنا شده مردمش قوم عرب بحکم شافعی مذهبند

حضرت ایوب پیغمبر در آنجا آنحضرت دویست و بیست و شش سال عمر کرد

چشمه ایوب علیه السلام در آنجا شهرت دارد وقتیکه آنحضرت پای خود را بفرمان روح الامین بزمین زد همان چشمه در آنجا ظاهر شد و ایوب در آنجا غسل کرد و از آلام و اسقام رست آنچشمه هنوز در زمین حوران شفا بخش بیماران است

حرف الحاء

حوانیه قریه ایست در حوالی مدینه

شاهزاده محمد بن عبید الله الاعرج بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین در مزار و مشهدش در قریه مزبور است و له اعقاب کثیرة فی بلاد العجم والعراق والری وقزوین

حیدر آباد دکن

مدینه ایست معظم و شهری است محترم از بلاد هندوستان سکنه آنجا هندوان و دیگر مسلمان حنفی مذهب و دیگر شیعه امامیه اند ارباب فضل و کمال و اصحاب وجد و حال از آنجا بظهور کرده اند از جمله سید معصوم علی شاه از اکابر فقراء اثنا عشریه صوفیه بود از آنجاست **السید جلال الدین** بن سید نور الدین علی بن سید ابی الحسن الحسینی الابراهیمی الموسوی بسیار عالم و فاضل و محقق و مدقق و ماهر و ادیب و شاعر بود مدتی در مکه معظمه مجاورت کرد پس از آن بمشهد رضا رفت از آنجا سفر هندوستان نمود در حیدر آباد دکن سکنا فرمود مرجع اکابر و افاضل آنجا گردید قبرش در حیدر آباد است

الشیخ حسین بن الشیخ شهاب الدین محمد بن حیدر العاملی الکرکی الحکیم انه کان عالما فاضلا ماهرا ادیبا شاعرا منشیا و له مصنفات کثیرة منها شرح نهج البلاغة سکن اصفهان مدة ثم حیدر آباد و مات بها سنة ست وسبعین والف وکان عمره تسعا وستین سنة

شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی برفاقت شیخ صالح بحرانی که هر دو فاضل متبحر بودند بجهة ضیق معاش از بحرین بشیراز آمدند شیخ در شیراز سکنا نمود و شیخ جعفر بجانب هندوستان رفت در حیدر آباد متوطن گشت و در آنجا مرجع خاص و عام گردید تا وفات یافت

باب هفتم در ذکر مشاهد حرف خاء و بیان حال ایشان

خابور از اعمال دیار بکر است

مزار شاهزاده حسین و مرقد شاهزاده حسن و بقعه شاهزاده احمد از ذریه محمد العابد بن موسی الکاظم علیه السلام در آنجا بکمال اشتهارند

خاوه از توابع دراویند است

امام زاده عون برادر آنجا شهید کردند مزارش در آنجا زیارت

خاز از قراء استراباد است

قاسم بن عوف الشیبانی از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام در آنجا معروفیت

خوار ناحیه معروف است

امام زاده ابراهیم بن موسی الکاظم در آنجا معروف است به امام زاده بزمی

خاک

خانقاه

در عالم اسیارات اکنون خانقاه معروف در محال خلخال قریه‌ات

بقعه متبرکه حضرت سید دانیال

ابن السید سید یال بچندم اسطه از اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ات آنجناب سید جلیل القدر و عابد و زاهد بوده و از ترس اعدا متواری دفراری گشته کوشه کوه را خلوت یافته در آنجا بریاضت مشغول بود اکنون صومعه و معبد خانه دچله خانه آنحضرت در آنقریه‌ات و کرامات از آنجناب نقل میکنند قاطری داشته همه وقت بی صاحب و بی بکاری کار کرده و از کیلان آذوقه برای آنجناب میآورد اکنون مزار آن بزرگوار در میان امام زاده های خلخال مشهور و مطاف زایرین نزدیک و دور ات و اهل قریه همه ساداتند مدعی برین هستند که از اولاد آنحضرت اند و اما عمر شریف آنحضرت هیجده سال بوده دعیلا نبرده و اولادی از ایشان نوشته اند

امیر سید زکی

بن عبد الباقی بن محمد زکی بن محمد رضا که از اجله فضلای سادات حسینی خلخال بود در اصفهان تحصیل و در علوم معقول و منقول خود را اکمیل فرمود مدتی به در بند قفقاز یه رفته در آنجا سکنا نمود مبیته مجتهد در بند را تزویج کرده در آنجا ذات ولدات و لدات و قبیکه در عهد خاقان مغفور بنی اعمام آنجناب رفته اهل و عیال او را بخلخال آوردند قریب بنو سال عمر کرد بعد از وفات در جوار سید دانیال مدفون شد

خوارزم

ولایتی ات مابین ترکستان و خراسان علمای عالیمقدار و عرفای کبار از آنجا ظاهر گشته اند از جمله

مولانا شیخ نجم الدین کبری

ناش محمد بود و در خوارزم شهید گردید ان شیخ نجم الدین کان اکمل الاولیاء المرشدین فی زمانه و اعلم العلماء بین اقرانه وهو مجتهد فی علوم الظاهر و الباطن و قد صنف فی الشریعة و الطریقة و الحقیقة کتبا کثیرة قتل غازیا فی خوارزم فی صفر سنة ثمان عشر و ستماءه و کانت ولادته سنة اربعین وستماءة

مزار سید کمال الدین

در جوار شیخ شهید ات

رشید و طواط

که الحق محمد بود از اولاد عبد الملک بلخی ات بده و اسطه نسبش بعمر بن خطاب منتهی میشود رشید در فضل و ادب و منطق و حکمت و نحو و لغت و شعر و عروض نادره زمان و اعجوبه دوران بود و انه کاتبا و منشیا للسلطان خانه شاه لهذه و ینشی فی حالة واحدة بیتا بالعربیه و بیتا بالفارسیه

خواجه بهاء الدین باباکمال

نزد اراضی خوارزم مدفون ات

ملوک خوارزمشاهیان

نه نفر بودند ابتدای دولت ایشان سنه ۴۹۱ بود اول ایشان

قطب الدین محمد

بود بعد از آن

نوشتکین غرجه

در جای وی نشست

پیلکاکین

سلطان کیارق که از ملوک سلجوقیان بود او را بخوارزم فرستاد خوارزمشاه نام کرد عادل و علما دوست بود مدت سی یکسال پادشاهی کرد سنه ۵۲۱ وفات یافت

التسز

بعد از پدر بعضی ترکستان و دشت قبچاق بتصرف آورد شصت یکسال زیست در سنه پانصد و پنجاه یک وفات یافت بعد از آن پسرش

الب ارسلان

مدت پانزده سال حکمرانی کرد

سلطان شاه

مدت بیست و دو سال سلطنت کرد و در تمام عمر مشغول محاربه و زد و خورد بود سنه پانصد و شانزده وفات یافت

محمد تکش

با سلطان طغرل در سنه فرسخی ری مصاف دادند طغرل منهزم گردید و برادر ابسعداد پیش ناصر خلیفه فرستاد مدت هفت سال پادشاهی کرد آخر بمرض خناق وفات یافت

قطب الدین تکش

تمام بلاد ماوراء النهر را مکرفت از همه ممالک قوی خوات حضوصًا از مولانا فخر الدین رازی فتوی خوات که آل عباس خلافت تحق نیستند و استحقاق خلافت باحسنی ات سید علاء الدین ترمذی را نامزد کردند تا بخلافت نشاند مجالا تا یک مصاف داد ظفر یافت بعد از چنگز خان منهزم گشت تا بجزیرهٔ بحر خزر متواری شد و در آنجا وفات یافت مدت بیست و دو سال حکمرانی کرد

جلال الدین

بعد از پدر با لشکر مشغول محاربات بسیار کرد داور اد و پسر بود جلال الدین و غیاث الدین تاب مقاومت نیاورده بجانب هندوستان رفت

غیاث الدین

مدتی در کرمان حکمران بود آخر براق حاجب او را در قلعه کوشک سنه ششصد و بیست پنج او را هلاک کرد و دولت خوارزمشاهیان بپایان رسید

خواجه حسن

خواجه خیران

نوز بهار بزکوشند قریه‌ات در چهار فرسخی بلخ واقع ات در تاریخ چهار صد پنجاه سال قبل بر این لوحی در آنجا پیدا شد باسم علی بن ابی طالب در سنگ حک شده بود هذا اقبر اسد الله الغالب امیر المومنین علی بن ابی طالب کنند عالی در آنشهر برآمد برآمد اکنون در آنجا

بقعه حضرت مریضی

سطاف اهالی آنولایات ات

خواتون

قریه‌ات از قرآ آشهر یاری

خواتون مخذره بی بی سکینه

که یکی از خواهران حضرت رضا علیه السلام در اندیار بقعه مطهره اش در غایت اشتهارات

کتابخانه عمومی حسینیه ارشاد
۱۳۷۲

ختن

ختن از بلاد چین است اولیای دین از آنجا برخاسته اند از جمله محقق و مجاهد شهید **مولانا علاء الدین محمد ختنی** نور الله مضجعه سنه ثمانمائة و بیست و دو در گوشک که از سلاطین قراختای بود خلق را بدین بت پرستی دعوت میکرد متوجه ختن گشته آنولایت را بحیطه تصرف درآورد بقدر سنه هزار ارباب عمایم جمع کرد با امام علاء الدین مباحثه نمود امام پادشاه را ملزم کرد آنملعون زبان بهذیان گشود نسبت بحضرت مقدس نبوی کلمات بی ادبانه گفت حکم کرد امام را بچهار میخ کشیدند تا شهید شد در همان نزدیکی خداوند منتقم حقیقی لشکر چنگیز خان را بر آن کافر ظالم مسلط کرد مغولان لشکر گوشک را بقتل آوردند و سرش را بریده به نزد چنگیز خان فرستادند اکنون مزار امام علاء الدین در آمد و شد زیارت مطاف اهالی روزگار است

ختلان از ولایت توران و طخارستان است در بلاد ماوراء النهر است مردمش ترک و تاجیک و قلیلی مذهب امامیه دارند

بقعه الشیخ الشهید الصدیق شقیق بن ابراهیم بلخی از تلامذه حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام بود انجناب در سنه صد و هفتاد و چهار بتهمت رفض شهید کردند مزارش در آمد و زیارت است

بقعه الامیر النحریر الموحد البرهانی مولانا السید علی الهمدانی قدس الله سره السبحانی مولانا نور الدین جعفر بدخشی که از افاضل تلامذه اوست نسب شریفش را در کتاب خلاصة المناقب بدین وجه ذکر نموده است وهو السید علی بن شهاب الدین بن محمد بن علی بن یوسف بن محب بن محمد بن جعفر بن عبد الله بن محمد بن علی بن حسن بن حسین بن علی زین العابدین علیه السلام و از جانب والده اش در سلسله بحضرت پیغمبر میرسید در علوم ظاهری و باطنی جامع بود و او را مصنفات مشهوره است چون کتاب اسرار النقطه و شرح اسماء الله و شرح فصوص الحکم و شرح قصیده خمریه فارضیه وغیره و چون کب طریقت و علوم حقیقت پیش صاحب الترجمه الاقطاب شیخ شرف الدین محمود بن عبد الله المزدقانی نمود گفت فرمان چیست و گفت فرمان آن است که در اقصای بلاد عالم گردی سه نوبت ربع مسکون را سیر کرد و صحبت هزار و چهار صد ولی را دریافت سنه سبعمائة و شانزده در ولایت کبر سواد وفات یافت بنا بر وصیتش جنازه را بر ختلان که محل ولادتش بود نقل کردند بنا بر بعد مسافت و کثرت امراض مردم چنان گمان بردند که جسد شریف بسبب بوی گیرد چون تابوت را بر دوش بوی مشک بدماغ حاملین جنازه میرسید و حضرت در دروازه سالکی بسلوک طریق حق توجه نمود و در سن ثمانمائة رحلت فرمود

وخواجه اسحق مرید سند علی مزبور و مرشد سید محمد نوربخش قدس سره

خرجرد از توابع خراسان و از قراء جام است **عارف اسرائیل امیر قاسم انوار** نورالله مرقده نام اصلی آن سعید الدین علی بن نصیر بن هارون تبریزی است و بچند واسطه بامام زاده هارون بن امام موسی الکاظم علیه السلام میرسد

در سنه سالکی ابواب علوم بر او مفتوح گشت چنانکه این دو بیت او از آن خبر میدهد **شعر** مراعلم ازل در سینه دلوند عجب علمی و عالم بی نهایت مراد سه ساله حالی کشت معلوم کز شیخ چله در سی نیاوند و چون خواجه دیدکه قسمت انوار میکند و صورت واقعه را بعرض شیخ خود صدر الدین رساند سمتی بقاسم انوارش داد نقل کنند که چهار بار پیاده براه پای بمکه و مدینه رفت و در خدمت شیخ خود ریاضات شاقه کشیده از جمله در یک اربعین بغیر وقت تشهد نشسته و موی سر خود را بچوب سقف بسته و دیوان و اشعار او مشتمل بر حقایق و اسرار است که انوار کشف و عرفان و آثار ذوق و وجدان از آن لایح است هر که آنرا مطالعه کند داند که آفتاب صدر اهل عرفان است در سمرقند بیرزا الغ بیک را مجذوب و مفتون خود ساخت در آخر عمر در مشهد مقدس مجاور گشت در سنه سبعمائة و ستی مفت وفات یافت در حرخرد جام مدفون گردید

خرقان

خرقان قریه ایست از توابع بسطام العارف الواصل الممتحن **مولانا الشیخ ابو الحسن** در اهل انجا بود و در زمان خویش اعرف عرفای عصر بود دیگی از مریدان او خواجه عبد الله انصاری است سنه سبعمائة و هفتاد پنج وفات یافت

خرتنک

خرتنک از قراء سمرقند است **المولی الفاضل المحدث امام البخاری صاحب کتاب صحیح** در سال دویست و پنجاه و شش وفات کرد مزارش در آنولایت مطاف اهل سنت و جماعت است

خجند

خجند از شهرهای ماوراء النهر است **مولانا شیخ کمال الدین** معاصر خواجه حافظ شیرازی چنانکه خودش گوید **شعر**

حافظ چو ترک غمزه خوبان نمیکنی — دانی کجات جای تو خارزم یا خجند

در شهر مزبور بقعه ایست

خواف

خواف از ولایات خراسان است **بقعه امیر قوام الدین** صاحب تصانیف کثیره

مرقد شیخ زین الدین

مرقد شیخ زین الدین ابو بکر در آمد زیارت است **مولانا شیخ فصیح الدین محمد** که ارشد اولاد شیخ زین الدین خافی بود مدتی در سر مزار جد خویش بریاضت مشغول بود تا در سنه ثلث و عشرین و تسعمائة که سن شریفش نود بود وفات کرد و در آن بقعه مدفون گشت

خسروشاه

خسروشاه قریه ایست من قراء تبریز و کانت هی بلدة کبیرة من بلاد اذربایجان علی رأس مرحلة من تبریز **الشیخ الفاضل ابو یعلی حمزة بن عبد العزیز الملقب بسلار الدیلمی** احد الاعاظم المتقدمین من فقهاء هذه الطائفة وکان من کبار تلامذة المفید والمرتضی ومن تصانیفه کتاب الابواب والفصول فی الفقه وله رسائل کثیرة توفی فی یوم السبت السادس من شهر رمضان المبارک سنة ثلث وستین واربعمائة ودفن فی قریة خسروشاه ایضا مقبرة

خسرو

قطب الدین اوندی کان فی قریة المزبور

خفر

خفر بلوکیست از کشور فارس در سه منزلی شیراز نهر بزرگی در وسط اتصال میکند و در مرشد اهلکی شیخی فاضل

باب هفتم

جاماسب حکیم از اجلهٔ حکمای عجم و کتابش فرهنگ ملوک و اسرار عجم است ظهور جاماسب چهار هزار و دو سال و چهار سال بعد از زمان هوطا آدم بوده است **وبقعه اش** در رست غربی جلگه خفر واقع است و تا خود شهر بمقدار فرسنگی کمتر در رست **خلخال** چون وطن مؤلف فقیر است انشاالله در خاتمه کتاب سمر وضع خواهد شد

خوجین این هم میگویند انقراض خلخال و در ینم فرسخی قبله هر اباد واقع است علمای کبار و فضلای عالیمقدار از آنجا بسیار برخواسته اند از جمله محدث فاضل و محقق کامل **الحاج ملا محمد صالح خلخالی** صاحب تصانیف کثیره اساسه در معرفه قبله و شرح بر قصیدهٔ میر فندرسکی در شرح حدیث درر و غرر و غیره انجناب در وقتیکه عمله رفت هنگام مراجعت بجهته ناخوشی و بیماری راه را از آمد و شد مسدود دیدند در سال دویم در مدینه طیبه اقامت فرمود بتدریس طلاب و علمای انجا مشغول بود و مسائل مذاهب اربعه را از کتاب استفاده مینمودند و خود اصلا تقیه نمینمود در مذهب جعفری راسخ و ثابت بود و در مباحثه علمای انجار املزم و مجاب میکرد با وجود این در میان ایشان موقر و محترم بود و برای ایشان در نماز جماعت امامت مینمود بعد از مراجعت بوطن خود ردی در اصول و فروع ایشان نوشت قریب بهشتاد عمر کرد سنه هزار و صد و پانزده وفات یافت و پسرش **الحکیم المحقق والفاضل المدقق مولانا آقا سعید** حکیم الهی در حکمت و ریاضی تالیفاتش بسیار است کتاب تذکرة الافکار از مصنفات اوست **آقا حسین** از جمله استاد الاولین والاخرین حاجی ملا صالح آن مرحوم هم صاحب تصانیف کثیره و تعلیقات وفیره بود این آقا حسین جد مادری مؤلف فقیر است آقا مهدی که از اجلهٔ فضلای بنی اعمام آنمرحوم بود در تاریخ وفات آن بعنوان مرثیه این چند بیت گفته

نظم در دا که رفت عالم دهر و وحید عصر — اعنی یتیم خامس آل عبا حسین — در ماتمش غبار ملالت بچرخ رفت — افتاد در تمامی ذرات شور و شین — واحسرتا که رونق اسلام ثلمه یافت — روز وفات آن خلف صدق صالحین — در شام رحلتش صبه پسیکشت جرم ماه — کم شد ره منازل تقدیر نیرین — در هم شکست پشت فلک در عزای او — بگریست خون تا بچهل چشم فرقدین

آن جامع اصول و آن حاوی فروع کو بود همیشه در پی تکمیل قوتین چون لایقش نبود از این منزل فنا — برد بر حظ جناب رضوان جنتین — مهدی زبهر گفتن تاریخ فوت او — دایم بفکر بود بنیاکرد حاستین — تا که ندا زهاتف غیبش در رسید — که بنویا بگو بحسین شمس شرقین — تاریخ آن قدوهٔ محققین

و زبده متالهین آقا حسین هزار و دویست ستی است **میرزا سعید بن آقا حسین** وحید عصر و فرید دهر بود **و میرزا محمد علی** در حکمت و عرفان وحید دوران بود **و آقا حسن** در علوم عقلی و نقلی اعلم روزگار بود **و مولانا الحاج میرزا عبد الرحیم** مرد عالم و عارف و مرتاض و در درویش مسلک و صوفی مشرب بود و پیاده حج کرد قبور شریفه ایشان در قریه نمکبوس در جوار جد خود شان حاجی صالح مدفون اند

وبقاع

خلخال

خوجین

ضرف الخاء

وبقاع امام زاده های عالیمقدار در قریه خوجین و در محال شاهرود خلخال در قریه خرس و اسبو و در دکلور و شال وغیره بسیار ند چون در کتب تواریخ و انساب و رجال بنظر فقیر نرسیده و نمیدانم که در قریه کدام امام هستند و اکثر بر رؤیای صادقه باشد یا کاذبه آیا الواح داشته اند یا نه همین قدر در قریه خوجین **سید قاسم و سید ابراهیم و سید هاشم** نامانند هر سه پسر کوار از اولاد زادگان امام موسی الکاظم علیه السلام در آنجا بقعه دارند فقیر از آباء و اجداد خود شنیده ام که میگفتند سید قاسم امام زاده عالم و فاضل و صاحب کمال و برادر حضرت سید دانیال العلم عند الله و عند الرسول ؟ **خونسار** محالات از توابع صفهان از ارباب فضل و کمال از آنجا برخاسته اند **السید الفاضل الفقیه العالم ابو المفاخر السید حسین بن ابی القاسم جعفر بن حسین الموسوی الخونساری** کان من اکابر المحققین الاعلام و اعاظم علماء الاسلام صاحب الاجازات الجلیلة والمصنفات الجمیلة وکانت وفاته یوم الاحد لثامن من رجب المرجب سنة احدی وتسعین ومأة بعد الالف ودفن فی جوار منزله شرح حال آقا حسین و آقا جمال در صفهان مذکور شد **خوی** از بلاد آذربایجان است **الحاج محمد ابراهیم خوئی** در علوم عقلی و نقلی و کمالات صوری و معنوی وحید زمانه بود مدتها در شهر صفهان و در اکثر بلاد تحصیل علم شریعت و حکمت کرده و سفر حجاز و عتبات و شام نموده و بحکم شهریار ایران طریق سفارت روم پیموده گویند انجناب را در شهر تبریز در سال هزار سی و دو زهر دادند از اثر زهر وفات یافت **خیبر** فاتح او حضرت حیدر و قصبات معروف و اشهر در انجا هفت قلعه حصین و معتبر بود نامهای آن **ناعم قموص کتیبه حصن شق رانطاة وطیح سلالم** از مدفونین انجا **بشر بن براء بن معرور انصاری** از اصحاب کبار رسول مختار بود علامه حلی در کتاب خلاصه او را در عداد مقبولان ذکر نموده و در اکثر غزوات حاضر بود در بدر و احد و خندق و حدیبیه و خیبر جهاد مینمود و در وقعه خیبر با حضرت پیغمبر از گوشت گوسفند زهرناک خورده و از اثر آن در خیبر وفات یافت و در آنجا مدفون گشت ؟

خونسار

خوی

خیبر

باب هشتم در بیان شواهد حرف دال

دارابجرد از بناهای داراب بن بهمن بود اکنون خرابه است آثاری از آن باقی نیست یکی از یکه

مزار فیض آثار دحیه کلبی از اصحاب رسول الله در آند یار در کمال اشتهار است دحیة الکلبی بکسر الدال ویروی بالفتح ایضا وهو دحیة بن خلیفة الکلبی رضیع رسول الله وهی امه کان جبرئیل یاتی النبی فی صورته وکان من اجمل الناس

مولانا پیر محمد نصیر فاضل زمانه عارف یگانه از آنجا بوده سال هزار و دویست و بیست و شش در آند یار رحمت ایزدی پیوست

دامغان از بلاد قدیمه طبرستان است و مزار فیض آثار **ناصر الحق** جد سید مرتضی علم الهدی و مرقد **امام زاده حسن** و بقعه **امام زاده عون** و مضجع **امام زاده سالم** از ذریه موسی الکاظم علیه السلام در آنجا است **رئیس مظفر** از داعیان اسمعیلیه از آنجا بوده

دجیل مصغر دجله است قریه ایست مابین بغداد و سامره واقع است **امام زاده محمد بن الامام علی النقی علیهما السلام** از حسن عسکری بجهت سن بزرگتر بود جمعی بوی گمان امامت داشتند انجناب در حیات پدر خود وفات یافت حسن عسکری در موت برادرش بسیار جزع نمود بابای برهنه باجنازه او میرفت وگریبان دریده والد ماجدش او را تسلی داد فرمود یا بنی قد بدا الله فی شانک یعنی ظاهر شد برای الهی وتقدیر حتمی او در توهمت برادرت چنانکه در مردن اسمعیل بن جعفر الصادق ظاهر شد بموسی کاظم **بقعه** امام زاده محمد مذکور در میانه سامره وبغداد قریب بشط دجله معروف ومشهور است اعراب نهایت اعتقاد بزیارت او دارند واز قسم دروغ در آنجا احتراز واجتناب مینمایند **وعبد الله بن شداد** ابن داود گفته که او از خواص حضرت امیر بود حضرت حسین در بیماریها او را عیادت وبرکت قدوم آنحضرت فی الحال از او تب مفارقت نمود ودر کتاب کامل بهائی روایت کرده که عبد الله میگفت ای کاش پسر رفیم واز جمله اشراف شب مناقب حضرت علیه السلام را بپرسیدیم میگفته پس ما از حضرت فرود کشیدند ودر کردم را میزدند نمی گفته او ثقه بود در واقعه روز دجیل شهادت رسید ودر سکان فرود مدفون است

درفول از بلاد خوزستان است **مزار فیض آثار محمد بن جعفر طیار** علیهما السلام در آنجا است

حرف الدال

دیناباد از قرای عراق عجم

دهنباد از قرای عراق عجم

دهستان از قرای عراق عجم

دهلران از قرای عراق عجم

دهدشت از قرای عراق عجم

دهلم از قرای عراق عجم

دهرم از قرای عراق عجم

دهرم آباد از قرای عراق عجم

دهرم آباد از قرای عراق عجم

**دهرم آباد

باب نهم

در آخر عمر در ولایتری ممکن گشت تا در سنه نهصد و شانزده یک بنده یا ایتها النفس المطمئنه را بگوش هوش شنید و متوجه ریاض قدس گردید و در شتری وفات یافت و در مقابری مدفون گشت

دهلی از بلاد هندوستان است مولانا الفاضل الجلیل **قاضی شهاب الدین** بن شمس الدین بن عمر والزوالی الدولت آبادی صاحب تالیف التصنیف توفی سنة تسع واربعین وثمانمائة ودفن بحوتوره فی الجانب الجنوبی من مسجد سلطان ابراهیم الشرقی ومولانا **خواجکی** و**قاضی عبد المقتدر** الدهلوی و**معین الدین** العمرانی ومولانا **امیر خسرو** و**سید راجو** بن سید حامد الحسینی البخاری عموماً در دهلی صاحبان مقبره و بقعه اند

دیر سمعان از اراضی حمص است و از اعمال معرة النعمان میباشد اکنون به دیر النقره معروف است **عمر بن عبد العزیز** که از جمله خوبان بنی امیه بود محبت زیاده بنی هاشم داشت در حیات خود مکان قبرش را از صاحب دیر سمعان بچهل درهم بخرید ومدت نه روز مریض گردید در روز جمعه پنج روز از رجب مانده سال یکصد و یکم از هجرت گذشته در خاصره وفات کرد و در دیر سمعان مدفون گردید چون اورا دفن نهادند باد سختی بوزید و صحیفه فرو افتاد وباخطی بیکو نوشته بودند بسم الله الرحمن الرحیم من العزیز الجبار لعمر بن عبد العزیز من الثناء پس نوشته را در کفنش بگذاشتند

دیر الحاثیق از اراضی عراق است در کنار نهر دجیل **مصعب** بن زبیر با پسرش **عیسی** و **عمرو** در آنجا مدفون اند

دیلمان بلدات از منضافات گیلان واز توابع لاهیجان مملوک دیالمه از آنجا برخواسته اند و اکثر ایشان بزیور مذهب امامیه پیراسته اند و اخلاص کامل به ائمه اطهار و اولاد ایشان داشتند بنابر آن سادات عالیدرجات از اطراف آمده در آندیار مقیم و برقرار شده اند و جمعی از امامزاده ها در آنجا توطن نموده و وفات کرده اند من جمله مزار **السید امیر محمد** بن حسن قاسم بن حسن بن علی بن عبد الرحمن الشجری بن قاسم بن قاسم بن زید بن حسن علیه السلام و مرقد مطهر **امیر سید حسین** بن احمد بن اسمعیل الارقط بن محمد بن حضرت امام زین العابدین علیه السلام

دیار بکر ولایتی است بابن اردبیه و شامات و اناطولی و عربستان واقع است در آندیار از امامزاده های جلیل القدر فرقد مطهر **حضرت جعفر المؤید** من السماء ابن محمد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السلام در آندیار و در نزدیکی قصبه رقه در کنار رود خانه جابور مزار فایض الانوار **السید محمد الخابوری** بن ابراهیم المجاب بن محمد العابد بن موسی الکاظم چون بقعه الحجاب در دیر خابور واقع است

دیر ایوب قریه بجوار من اعمال دمشق کان یسکنها ایوب وبها ابتلاه الله عزوجل وبها عین التی رکضها برجله والصخرة التی کان علیها وبها قبره

باب نهم در بیان مشاهد حرف ذال

ذو الکفل قریه ایست از قرار بابل در رده فرسخی کوفه واقع است میانه نجف و کربلا در سمت شرقی نهاده اند چون بقعه منوره حضرت **ذو الکفل پیغمبر** در قریه مزبوره است بنابراین قریه معروف باسم انجاب مسمی گردیده انجاب نام اصلیش حزقیل از جمله پیغمبران بنی اسرائیل بود و ولادتش چهار هزار و هشتصد و دی سال بعد از هبوط آدم بود و مادرش در کبرسن بحزقیل حامله شد وقتیکه مبعوث گشت خلق را الی الشریعت موسی دعوت کرد و تخضت در بابل بزیست تا از جهان رخت بدر برد در همان قریه مدفون است وحزقیل را بدانبواسطه ذو الکفل میگویند که کفالت و وصایت انبیاء پیغمبر را کرد و ایشان را از قید ظالمان نجات داده و فی العیون ان ذا الکفل هو یوشع بن نون عن الرضا علیه السلام سمی به لانه کان ذا حظ من الله اذ تکفل امته او کان له ضعف عمل انبیاء زمانه وثوابهم انتهی

باب دهم در بیان مشاهد حرف آء

رامه قریه ایست در نواحی بیت المقدس قبر شمعون **سموئیل پیغمبر** که از جمله انبیاء بنی اسرائیل بود در آنجاست

ربذه نام زمینی است در بین الحرمین نزدیک بمدینه واقع امکان تراودی صفرا هم میگویند قریه زبده در وادی صفرا اتفاق افتاده بود اکنون آنقریه خرابه است آبش بد و هوایش گرم در اوایل غیر معمور و صحرای بی آب و علف بود چون عثمان بن عفان **ابوذر جندب بن سکن غفاری** را از مدینه اخراج کرد بدان مقام مکروه ارسال نمود اول زن و پسرش مردند بعد مدتی الحضرت بیکس و تنها در آنصحرا البر برد تا در سال سی و دو بعد از هجرت برحمت ایزدی پیوست وکان ابوذر اسمه جندب بن سکن توفی سنة ثلثین وثلاثین وصلی علیه ابن مسعود وقدم ابن مسعود المدینة فاقام عشرة ایام فمات عاشره ابن مسعود براو نماز کرد و در زمین صفرا دفن نمود بعد از ده روز دیگر ابن مسعود در مدینه وفات یافت باجمله ابوذر از اصحاب کبار رسید ابرار بود بعد از سه کس شرف اسلام فایز شد جناب مقدس نبوی در حق وی فرمود ابوذر فی امتی شبیه عیسی بن مریم فی زهده بار فرموده ما اظلت الخضراء ولا اقلت الغبراء من ذی لهجة اصدق من ابی ذر ونیز فرمودند ابوذر صدیق هذه الامة رحمة الله علیه ودیگر الزبیر من قریة من ذات عاطر من فیض المدینة علی ثلثة امیال قریة انجاب اذا جاء من قبل مکة وقرب الان بالصفراء بین الحرمین

باب نهم حرف ذال ذو الکفل باب دهم حرف آء رامه ربذه

باب دهم

عبیدة بن حارث که پسر عم رسول الله بود در غزوهٔ بدر ضربت خورده وقت مراجعت بمدینه در وادی صفرا بحق واصل شد و در انجا مدفون گشت و **رستمدار** از بلاد مازندران بود اکنون خرابات **امیر سید علی** بن ابی الحسن بن احمد بن محمد بن احمد الکوکبی بن علی بن حسین الاصغر بن الامام زین العابدین علیه السلام که حکمران دارالمرز گیلان و مازندران بود مزارش در آنجا زیارت **رستاق** از توابع رستمدار مازندران میباشد امامزاده **محمد** و امامزاده **عون** از اولاد حضرت امام علی النقی در انتقام مقتول و مدفونند **رشت** ایالت نشین دارالمرز گیلان و سواد اعظم آنمکان و در سه فرسخی بحر خزر واقع است **بقعهٔ منوره خواتون مخدره فاطمهٔ صغرا** بنت موسی بن جعفر علیه السلام که بخواهر امام مشهور است **بقعهٔ مطهر امامزاده عباس** بن موسی بن جعفر علیه السلام واما العباس بن موسی الکاظم فانه اعقب من القاسم وحده وقیل اعقب من موسی ایضا وهو صحیح لا شبهة فیه **وبقعهٔ السید ابو جعفر** و مزار کارکیا رضا دیگر از امامزادهای رشت امامزاده ابراهیم ان الا ان بنی العباس من موسی قلیلون

[illegible] از سلاطین گیلان بود باجمله امر آوذی شان و عرفای عالیمکان از رشت و گیلان برخواسته اند و در بیرون عدل و معارف نشانی از آنها ظاهر است از جمله از سلاطین ملوک دیلم که از قریهٔ کلیس دیلمان بودند و ملوک علویه گیلکی و از عرفا مظهر تجلیات سبحانی **شیخ جمال الدین گیلانی** در زمان چنگیز خان مقتدای اهل توحید و تجرید بود و عارف و عالم و فاضل و زاهد مولانا تاج الدین **شیخ زاهد** و مولانا **شیخ ابراهیم** از فحول علمای انجا **سید کاظم** شیخی و **حاجی ملا صادق** که اعلم زمان و از زهاد دوران بود بعد از یکصد و بیست و شش سال زندگانی سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت وفات یافت و استاد الاولین و الآخرین **حاج ملا رفیع** و جامع المعقول و المنقول الحاج **میرزا جیب الله** اصولی و از حکما، **مولانا شمسا** و از دروس آیه **میر شمس الدین ذکریا** و مولانا **شیخ نجم** و از اطبا **حکیم ابو نصر** و مولانا **سید جعفر** حافظ الصحه و مولانا **محراب** اعلم و اعرف آندیار بودند و دیگر از حکمای انجا الفاضل الحکیم العارف المتاله **حاجی امام جمعه** مرقد شریفش در گوشه مسجد جامعی که منتهی آن طاب ثراه بود واقع است **رودبار گیلان** مابین رشت و قزوین واقع است **امامزاده محمد** در انجا مقتول و مدفون گشت گویند در نزدیکی رودبار قریه ایست زرآباد و قریب برود قیزل اوزن در انجا درخت کهن سالی است روز عاشورا اگر از آن درخت شاخه بشکند از جای آن خون جاری میشود چنانکه شاعری گفته است **شعر** قریه نامش

زرآباد

حرف الزاء

زرآباد از محال رودبار و اندران دیدم چناری عمرش افزون از هزار یوم عاشورا از و یک شاخه کرد بشکنند در عزای شاه مظلوم خون بگرید زار زار **رمله** قصبه ایست در شش فرسخی بیت المقدس در راه مصر واقع و احراسکاه بیت المقدس میباشد حضرت موسی پیغمبر از انجا محرم می شد در انجا معبدی بود از نصاری اکنون اهل اسلام تعرف کرده مسجد نموده اند و معروف است **بجامع ابیض** انبیا و اوصیا بسیار در انجا آسوده اند **رودبار اصفهان** در کنار زنده رود واقع است دیه بوعلی نیز میگویند چون **مولانا شیخ ابو علی** که یکی از مشایخ سلسلهٔ عرفا است از همین رودبار بوده و در آنقریه نیز مدفون است بنابراین آنقریه بدیه بوعلی مشهور است

باب یازدهم در بیان شواهد حرف زاء

زبید بلدة بالیمن خرج منها جماعة من المحدثین مجد الدین ابو الطاهر **محمد بن یعقوب الشیرازی الفیروزآبادی** صاحب کتاب القاموس فی اللغة قال تقی الدین الکرمانی کان الشیخ مجد الدین علیم النظیر فی زمانه نظما و نثرا بالفارسی والعربی انه ولد فی سنة ۷۲۹ بکازرون فارس قال ابن حجر فادعی انه من ذریة ابو بکر الصدیق وتفقه ببلاده ودخل الشام ثم دخل القاهرة ثم دخل الروم ثم دخل الهند واقام بدهلی مدة ثم جاور بمکة عشرسنین وکانت له دار بمکة علی الصفا عملها مدرسة الاشرف صاحب الیمن وکان یرجو اوقافه بمکة فما قدر له ذلک بل توفی بزبید وقد ناهض التسعین وذلک فی لیلة عشرین من شوال سنة سبع عشرة وثمانمائة ودفن بتربة الشیخ اسمعیل الجدلی

زرقان قریه ایست در شش فرسخی شیراز واقع است مزار فیض آثار **سید نسیمی** در آندیار بغایت اشتهار دارد

زنجان بلد مشهوری است در مملکت ایران امامزاده های کبار علما و فضلا و سادات صحیح النسب عالیمقدار در آندیار بسیار بوده از جمله **امامزاده ابراهیم العسکری** ساکن زنجان بود مزار فایض الانوارش در کمال اشتهار است و بقعهٔ مطهر ولد ارشد آن بزرگوار **السید محمد الربعی** ابن ابراهیم العسکری بن موسی الثانی ابن الامیر الکبیر ابراهیم المرتضی ابن الامام موسی الکاظم علیه السلام نیز در انجا است و از افاضل علما و سادات آنجا السید الفاضل النحریر المعتمد **آقا سید محمد** و استاد الاولین و الآخرین **میرزا ابو القاسم** و عالم ربانی و فاضل صمدانی **الحاج میرزا ابو عبد الله** الشیخ المحدث الفقیه **الحاج ملا علی** قزوینی المرحوم فاضل اعلم و مجتهد مسلم بود در بلدهٔ زنجان سکنا داشت سنه هزار و دویست و نود وفات یافت

باب دوازدهم

زیتون شهری است باشکوه از بلاد افرنجقاد و مغرب زمین است مردمش عموماً شافعی مذهب اند

السید علی بن ادریس بن ادریس بن عبدالله المحض بن حسن بن امام الحسن المجتبی علیه السلام بعد از آنکه جدش در واقعه فخ در سنه ستین و مائه فرار نموده بمصر رفت چون رافع که از قبل هادی عباسی والی مصر بود و شیعه مخلص دودستا را بیت بود او را مدد کرده باندلس روان داشت و او در اقصای مغرب از اراضی طنجه در مدینه ولیله آغاز دعوت کرده جمعی از قوم بربر باو گرویدند و او را خلیفه و پادشاه کردند هارون الرشید هر قدر لشکر فرستاد منهزم گشت بعد از وی پسرش ادریس بن ادریس حکمران آنجا بارکت وحصل له المملکة وخطب لنفسه بالخلافة وکان فاضلا فصیحا شاعرا بعد از آن علی بن ادریس در مدینه زیتون و توابع آن قایم مقام بود تا در سنه دویست و یازده در مدینه زیتون وفات و در انجا مدفون گشت

باب دوازدهم در بیان مشاهد حرف سین

ساباط از قراء مداین است در آن قریه جراح بن سنان ملعون بحسن بن علی زخم زد و مزار

عمار بن موسی که از رواة حدیث بود در آنجاست؟ **ساری** در الملک مازندران است

بقاع امازاده دارسلاطین فاطمیه دارالسادات مرغشیه در آنجا بسیارند از آنجمله **السید حسین** بن مهتر بن جعفر بن عبدالله بن الحسین الاصغر بن الامام زین العابدین در ساری مقتول و مدفون است

السید کمال الدین السید شمس الدین السید احمد از سلاطین مرغشیه بود در آنجا مدفونند

ساوه از بلاد قدیمه عراق و مشهور آفاق است از آن ولایت ارباب معرفت بسیار ظاهر شده از جمله علاء الدین ابوذر آه و پسرش جمال الدین از اکابر شراد قاضی سیج الدین از آنجا بوده اند

مزار فیض آثار امام زاده اسحق بن الامام موسی بن جعفر علیه السلام در آنجا بارها شرف اهل روزگار است **مولانا خواجه سلمان** از اکابر عرفای دوران بود در هفتصد و هفتاد و هفت وفات کرد

سبزوار از بلاد قدیمه خراسان؟ مزار **السید شعیب** در مقدم **السید یحیی** و قبر **السید ابوالحسن** بن یحیی بن حسین النسابة بن احمد بن عمر بن یحیی بن حسین ذی العبرة بن علی بن الحسین ۴ فرزندان او را بنوعرعل گویند و قبر مولانا ابوالحسن المحدث الفقیه نقاری

نمی نماند آنانکه از مزارات متبرکه سبزوار ظاهر و آشکارست در وسط بازار سبزوار دو بقعه متلاصق باسم دو امامزاده برپاست یکی **یحیی بن** موسی الکاظم علیهما السلام است که گنبدی پست تر و صندوق چوبی دارد و پیش روی صندوق امامزاده دیوار بازار است یعنی پنجره آهنین بجای دیوار قرار داده اند و در پای پنجره لوحی از سنگ مرمر میباشد رباعی بر آن منقوش بتاریخ هزار و دوازده از این بقعه داخل بقعه دیگر میکردند بعضی از اهالی را عقیده این است که

شاهزاده حسن از اولاد و نواده های حضرت امام محمد باقر علیه السلام در اینمحل مدفون است یکی دیگر از مزارات سبزوار مقبره **امامزاده فضل** بن زید علیه السلام است و آن در درم دروازه ارک داخل شهر در بالای تپه گاهی است مرتفع اطاقی روی این تپه گاه ساخته اند در وسط اطاق صورت قبر و ضریح چوبی است و دیگر از مزارات سبزوار بقعه است در داخله شهر معروف بمزار سبز و گنبد سبز و مدفون در اینمحل معروف **بشاه حبیب الله** میباشد یکی دیگر از مزارات **امامزاده شعیب** بن موسی علیهما السلام است در جنوب شهر در بیرون در پشته پاره بفاصله عرض یک خندق این امامزاده بقعه دار دارد خشت و گل مشتمل بر چهار در ارتفاع بقعه دوازده ذرع در وسط صورت قبرات و صندوق بر روی آن قرار داده اند و در حوالی آن بعضی قبورست مزار دیگر در داخل شهر در سمت جنوب واقعست و معروف به **پیر حاجات** میباشد بقعه ارخشت و گل دارد مشتمل بر چهار شاه نشین از چهار سمت و در بقعه از طرف شمال است و دیگر از سبزوار چون بطرف شاهرود حرکت نمایند و یکفرسخ راه طی کنند بآثار خرابه خسروگرد میرسند در ابتدای اطلال خسروگرد بقعه ایست مثمن و گنبدی مقرنس دارد اهالی گویند **شاهزاده حسین و شاهزاده قاسم و شاهزاده ابراهیم** از اولاد حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام در اینجا غایب شده اند بهرحال دیوارش بام بقعه دو مرتبه است در دور بقعه صحن وسیع دارد اما از آثار خسروگرد که

که شهر سبزوار بوده چنری فلاباتی ست ساری میباشد ارتفاع شبیه بتنه درخ این مزار
تعلق بمسجد معتبر جنرو گردداشته مزار دیگر بکنوسخ از خسرو گرد گذشته قریه سدیر است
یک بقعه معروف به پیر استیر در آنجاست بقعه شش طاق کوچک ارتفاع
گنبد تقریبا پانزده ذرع است سه صندوق چوبی متوازی هم در وسط نهاده اند
و در زیر آنها صورت قبور است از قرار تقریر اهالی شش نفر از علمای اولاد کمیل بن
زیاد رحمه الله در اینجا مدفونند در زیر هر صندوق قبر دو نفر است باین اسامی در زیر
صندوق اول شیخ علی و شیخ حسن و در زیر صندوق وسط شیخ محمد رضا
و شیخ کمال و در زیر صندوق سیم شیخ محمد مومن معروف بمغربی در حین
تذکر جات عرفا احیانا اسم او مذکور میشود و حاجی مومن و جمعی از اولاد آنمشایخ
در قریه سدیر سکنی دارند بهرحال بعضی علما و فضلا و حکما در سبزوار بوده اند از قبیل
مولانا حاجی ملا هادی و اولادش در شهر او در دیه دوازده مدت عمرش هفتاد و
شش سال بود سنه هزار و دویست و شانزده بریاض قرب ضرامد تاریخ رحلت
آنمرحوم را از علمای سبزوار گفته اند اسرار چو از جهان بدر شد از فرش بعرش
ناله بر شد تاریخ وفاتش از پرسند گویم که نمرده زنده تر شد پس از ارتحال
جسد پاک آنجناب را در بیرون دروازه سبزوار معروف بدروازه نیشابور که بر سر
راه زوار است بخاک سپردند و دیگر از علمای سبزوار مرحوم حاجی میرزا ابراهیم
مجتهد طاب الله ثراه و المرحوم در آغا رحوانی در مشهد مقدس در حوزه درس مرحوم حاجی
میرزا حسن مجتهد و مرحوم ملا محمد تقی و مرحوم ملا علی بروجردی پس باصفهان رفته در حضور
مرحوم حاجی محمد ابراهیم کرباسی تحصیل نموده و در نجف اشرف از خدمت مرحوم شیخ محمد حسن صاحب
جواهر الکلام و مرحوم شیخ مرتضی ستفیض شده و از برکات انفاس مرحوم ملازین العابدین
کلیبا یکانی اجتهاد را در ابر رسانیدند و در اندیار اعمال خیریه انجناب بسیار بود یکی دیگر مولانا
حاجی میرزا محمد حسین مجتهد و دیگر از معاریف سبزوار حاجی ملا اسمعیل واعظ
بود و دیگر ملا محمد باقر فاضل سبزواری رحمة الله علیهم اجمعین باری سایر امام زاده ها مزارش
معلوم نیست لکن در کتب انساب مزارشان را در سبزوار نوشته اند من جمله قبر مولانا
ابو الحسن السید محمد النقیب ملقب بفارسی و پسرش

و پسرش سید حسن ملقب بناصم عموما در آنجا مدفونند و جمعی از علما و حکما و عرفا و شعرا از آنجا برخواسته اند
از جمله مولانا کمال الدین حسین الواعظ الکاشفی بسیار فاضل محقق و صاحب تصانیف
کثیره بود در سال نهصد و ده وفات یافت مزارش در سبزوار است مرقد امیر شاهی که از
اکابر شعرا بود و در فنون ریاضی و علم موسیقی ید طولی داشت از بغداد متوجه و غیر کرد در بلده نیشابور وفات یافت
نعش او را بدار المومنین سبزوار نقل نمودند و در خانقاهی که بیرون شهر بجانب نیشابور است مدفون گردید
و کان ذلک فی سنة سبع و خمسین و ثمانمائة و خواجه اوحد سبزواری مرثیه در حق گفته که یک بیت از آن
این است شعر کو بشور زیر و زبر از اشک و آهم سبزوار زانکه شهر شاه بی شاهی نمیاید بکار وحید الزمان
خواجه اوحد سبزواری حکیم صاحب فضل بوده و در فنون علم طب و حساب و هیئت و نجوم شعر آمد
عصر بود با وجود حکمت و فضل و کمال شرب فقر و درویشی حاصل کرده بود و خواجه را بعد از انکه مدت عمر بهشتاد رسید
داس عصمت از این خاکدان تیره پر محنت برچید و بمعموره جاوید خرامید فی سنة ثمان و ستین و ثمانمائة
و خواجه مجرد گذرانید و تاهل اختیار نکرد از اولاد و احفاد محروم بلکه از عصه ایجاعت مصون بود مولانا
حاجی ملا هادی المتخلص بابرار حکیم فاضل و عارف کامل بود و در علوم ریاضی و منطق و حکمت
و علم تصوف و عرفان و اشعار مشهور آفاق بود و تصنیفات بسیار دارد در سنه هزار و دویست و نود
و فات یافت مزارش در سبزوار در کمال اشتهار است و ملا محمد باقر مولف ذخیره و کفایه فاضل
یگانه بود در آنجا مدفون است و از علمای اهل سنت و جماعت احمد بن حسین بیهقی صاحب تالیفات
کثیره در سبزوار مدفون است ملوک سربداران دوازده تن در مدت سی و پنجسال حکمرانی کردند تخت
ایشان سبزوار بود ۱ خواجه عبد الرزاق در سنه هفتصد و سی و هفت خطبه بنام خود خواند و سکه باسم
خود زد چون مدت یکسال و دو ماه حکومت کرد سنه هفتصد و سی و هشت برادرش خواجه وجیه الدین کشته شد
۲ خواجه وجیه الدین بحکمرانی شش سال و چهار ماه کشیده تا وفات یافت ۳ آقا محمد تیمور
بعد از دو سال و دو ماه حکمرانی سنه هفتصد و چهل و هفت برادر خواجه علی شمس الدین کشته شد ۴ کلو اسفندیار
بعد از یکسال و یکماه حکمرانی لشکر سربدار با استصواب خواجه علی سال هفتصد و چهل نه او را بقتل رساندند ۵ خواجه
علی بعد از چهار سال حکمرانی در دست حیدر قصاب سنه هفتصد و پنجاه سه بقتل رسید عمرش پنجاه سال بود ۶
خواجه یحیی بعد از مدت چهار سال و هشت ماه حکمرانی سنه هفتصد و پنجاه نه در دست مقربان خود بسعی برادرش علاء الدوله

باب دوازدهم

سرخس شهر سرخس در ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض و ۹۳ درجه و ۳۰ دقیقه طول واقع است

سرخه کلا قریه‌ایست از نواحی آمل مازندران

باب دوازدهم

حکمرانی در همدان وفات یافت ۶ **احمد** اسم اصلیش **تکودار** بود قبول دین اسلام کرد خود را احمد نامید
سنه ششصد و شصت و سه برادرزاده اش ارغون بمخالفت برخواسته او را کشت ۷ **ارغون خان**
مولانا شمس الدین محمد جوینی وزیر کافی اهلاکو را کشت و سعد الدوله یهودی را وزیر کرد مدت پادشاهیش هفت سال
وفاتش سنه ششصد و نود بود ۸ **گیخاتو** عیاش و مبذر و بی کفایت بود خزانه را تمام نمود خود بکشتن
باسم خود چاپ زده رواج دهد نتوانست باید دخان نواده هلاکو خان بضدیت او برخواسته وی را بقتل رساند
و چهار سال حکمرانی نمود ۹ **بایدو خان** عادل و نیک رفتار بود قوانین سیکودار را منسوخ کرد مسلمان شد و بسیاری
از مغول به پیروی آن اسلام قبول کردند با مصر و سوریه جنگید مدت نه سال حکمرانی کرد **غازان خان**
در آبگون مازندران جلوس کرد و در فشکلده قزوین وفات یافت نعش وی را تبریز حمل کرده در رشید غازان
دفن کردند ۱۱ **الجایتو خدابنده** مسلمان شیعه بود در شهر سلطانیه را ساخت و تخت گاه خود قرار داد
بعد از مدت سیزده سال پادشاهی در سنه هفتصد و شانزده وفات یافت گنبد عظیم سلطان خدابنده مقبره
مقبره اوست ۱۲ **سلطان ابوسعید** ولادتش در ماهی دشت طارم وفاتش در ییلاقان
تابستان در سلطانیه در زمستان در بغداد نشستی سنه هفتصد و سی و شش وفات یافت نعش او را سلطا
نقل کردند در گنبد یکه قبر سلطانیه بود مدفن شد بعد میرزا امیرانشاه تیموری بتخریب آن کنید
حکم کرده و او را از آنجا بیرون آورده بگنبد ابواب البر در پهلوی پدرش دفن کردند ۱۳ **آرپا خان**
وقتیکه بسلطنت جلوس کرد موسی خان در حدود جغتو با آرپا خان مصاف داد غالب شد او را در سماقی
گرفته با دو جان آورده بقتل رساندند مدت سلطنتش پنجاه روز بود ۱۴ **موسی خان** در او جان بر تخت
نشست محمد خان که از نسل هلاکو خان بود از روم و گرجستان لشکر جمع کرده با موسی خان جمع کرد موسی خان
بهزیمت رفت ۱۵ **اساقی سیکاتون** دختر سلطان محمد الجایتو بعد از قتل محمد خان به تعیین
شیخ حسن کوچک در تبریز بسلطنت نشست بعد از مدتی او را معزول کرد سلیمانخان که نژاد هلاکو خان
بود بر تخت نشاند ۱۶ **سلیمانخان** ساقی بیکی او تون را بنکاح خود در آورد ۱۸ **طغاتیمور خان**
الآفرنگ بجنگ سلیمان خان رفته تنگ حوردار سلطنت متزلزل کردند ۱۹ **امیر شیخ حسن**
بنیابت سلطنت در حکمرانی مستقل گشت ۲۰ **انوشیروان خان** چند روزی بسلطنت منصب
گردید بعد از آن **سیورغتمش خان** تا زمان سلطنت امیر تیمور گورکانی حکمران ایران بود

۱۵ **محمد خان** در او جان بر تخت نشست
با شیخ حسن کوچک در حدود جغتو
با محمد خان جنگ کرد محمد خان
مقتول گشت اینواقعه سنه
هفتصد و سی و شش بود
مدت یکسال حکمرانی نمود

حرف السین

سمرقند از بلاد ماوراء النهر است تختگاه سلاطین تیموریه بود **شاهد آنجا** قثم بن عباس
اخو عبد الله بن عباس بن عبد المطلب کان عامل علی بمکة توفی فی سمرقند وقبره ظاهر
یزار **قثم بن عباس** برادر رضاعی حضرت حسین بن علی بود و در مشابهت تمام بحضرت سید الانام داشت
از جانب علی والی مدینه بود در زمان معاویه با **سعد بن عثمان** بن عفان بجانب سمرقند
رفت و در آنجا بدرجه شهادت رسیدند الحال قثم و سعد رضی الله عنهما در سمرقند مدفون و مزار طوائف
آنند یارت **وقدوة الواصلین شیخ نور الدین** وقبر امام ابو عبد الله **محمد بن اسمعیل** البخاری
در سمرقند است **ومولانا امیر سید برکه** که از عظمای مکه و از سادات اجله آنجا بود نقابت
و ریاست حرمین شریفین باوی بود امیر تیمور کورکانی وی را بسمرقند خواست از وضایف و اعزاز و احترام او
دقیقه فرو نمیگذاشت بعد از وفات سید بزرگوار پادشاه امر کرد که گنبد عالی بر سر قبر او بنا کردند در سال مفقود
هفتاد و شش وفات یافت بعد از وی امیر تیمور نیز در آنمقبره مدفون گردید **العلامة المحقق الفاضل المدقق**
سعد الدین تفتازانی اسمه الشیخ مسعود عالم بالنحو والتصریف والمعانی و
البیان والاصلین والمنطق وغیرها وله تصنیفات وتحقیقات کثیرة وقال ابن حجر
ولد سنة ۷۱۲ وهو شافعی وکان فی لسانه لکنة وانتهت الیه معرفة العلم بالشرق
مات بسمرقند سنة ۷۹۱ **وشمس الدین** حکیم یزدی **وخواجه محمد وامیر مغربی** شاعر
وعروضی فاضل ومعین الدین اشرفی شاعر در آنجا آسوده اند الفاضل
الادیب المنطقی المتکلم عصام الدین **الشیخ ابراهیم بن محمد بن عربشاه**
الاسفرائینی الحنفی الاشعری تلمیذ المولی عبد الرحمن الجامی صاحب التعلیقات الرفیعة
والمصنفات الرشیقة توفی فی سمرقند سنة ثلاث واربعین وتسعمائة **ومقابر**
شهدای قطوان صحرائیست آزادث قطوان میگویند در آنجا هشتاد هزار لشکر اسلام از شیعه
سلطان سنجر سلجوقی در دست کفار قراختای بدرجه شهادت رسیدند **وآل سلاطین تیموری**
وکورکانی اول ایشان قطب الدین امیر تیمور بود **امیر تیمور** اکثر ممالک را مسخر نمود مدت سی شش سال
پادشاهی کرد سنه هشتصد و نهصد و هفت در ازار فاریاب وفات کرد نعش او را بسمرقند نقل کردند در گنبدی که خود
ساخته بود دفن نمودند

سمرقند در پیرون شهر است بسمت شمال شرقی محلات است که ابتدا بقعه ایست میگویند مقام خضر نبی است و مزارهای آنجا
قثم بن عباس است و اما آن راشاه زنده خوانند در ابتدا باغی است که قبرستانی بود در درس آنرا برای تصفیه
هوای شهر اشجار و گلها گاشته جای خوبه شده از آنجا باید از پنجه بسیار رو نداول بصحن و مدرسه و چله خانه
میرسند که چهارده حجره دارد و دو از آنجا مرتبه بالاتر است و راسته است که از دو دست بعضی گنبد و آثاری است
که کاشیهای پرقیمت بدیوار دازاره آنها نصب است و زمین آن راسته سنگ خوب فرش شده است از آنجا
بالا آمده داخل مسجد پر شیده شده که وصل بآن گنبد مزار شاه زنده است و دیگر در آنجا مزار حضرت
دانیال پیغمبر را نشان دادند جزئیت ذراع طول قبر دلیلی دیگر نیافتم بدانکه قثم از اصحاب حضرت آب
سمرقند است بعد از انکه امر معاویه قوت گرفت و امویه را روزگار اقتدار داد قثم بن عباس
با لشکریان اسلام بسمرقند آمد و هم در آنجا وفات یافت و آثار نیکو از اسلاطین اسلام بر مزارش ساخته اند
درویسه هم در حفظ آنجا اهتمام دارند و اگر قدغن آنها نبود یک خشت کاشی باقی نگذارده بودند
و دیگر در سمرقند مزار امیر تیمور گرگان را دیدم روی بانهدام آورده و لی با همه کهنگی از دیده عبرت نگری
بنای عالی و سلطنتی است وقتی وارد صحن شدم بخط خوش بکاشی سر در کتیبه بخط محمد بن محمود استاد
الاصفهانی بکار برده در وسط صحن گنبد و رواق است چون داخل فضای گنبد شوند چند صورت قدرت
یکی سنگ است بر نگ مایل دو ذرع طول آن است میگویند سنگ قیطاس است قیمت دارد بخط ثلث بر آن منقوش است
هذا من قول السلطان الأعظم والخاقان الأکرم امیر تیمور کورکان ابن فلان انا فتحت بلاد قزان بعد قتال
ذکر نموده و نوشته است توفی فی لیلة الرابعة عشر من شعبان سنة سبع وثمانمائة و در پایان پای
امیر تیمور سنگی است که بعد از کلمات منقوش است ولی العهد فی الزمان امیر زاده محمد سلطان بن جهانگیر
بن الأمیر تیمور سنگی دیگر بود گویند از شیخ ارشادات و قبور بسیار در مقبره تیموریه است بعد در تمام قبور شباکی
از سنگهای مرمر است و در اصل قبور در سرداب است و محاذات آنها سنگی روی سرداب است راه سرداب
از پنجه که پائین میروند سرداب غیر بیضی است خیلی محکم بر روی مزار هر یک اثاری مثل فرق بود دیگر
از مزارهای آنجا **خواجه ناصر الدین عبید الله نقشبندی** است که وی از عمامی
مشایخ ترکستان و اکابر ماوراء النهر بمزید جاه و جلال و افزونی اتباع و امرال ممتاز و متشی بوده
وفات خواجه در سمرقند در سال هشتصد و نزدیک وقوع یافت امیر علی شیر وزیر در تاریخ وفاتش گوید
خواجه خواجگان عبید الله مرشد سالکان راه یقین شد بخلد برین که در فردوسش سال تاریخ گفت
خلد برین و دیگر مزار شیخ **ابو منصور ماتریدی** و دیگر مزار **شهاب الدین ابو حفص**

هذا اندر توف البیت و هاته عمر نفسی پیاشد و البیت تؤنثه لحل و لحرم کم صارخ بک کربة و مصارخه تدعوه یا قثم الخیرات یا قثم

باب دوازدهم

۲ **میرزا شاهرخ** بن امیر تیموری که هر یک تعرف نقطه بر داشته بودند رد و خورد کرده برایشان غالب

مدت چهل و سه سال سلطنت کرده در صبح یکشنبه نوزدهم سلطان بیست و پنجم ذی حجه سنه اثنتین و خمسین و ثمانمائه در ری

وفات یافت ۳ **میرزا الغ بیک** فاضل و در علم ریاضی مهارتی کامل داشت در سنه اثنتین و

بیست باتفاق صلاح الدین موسی و قاضی زاده رومی و علاء الدین علی قوشجی که شارح تجرید است و مولانا

غیاث الدین جمشید و مولانا معین الدین در سمرقند رصدیت و زیج جدید خانی که مدار استخراج تقویم بر آن

است آخر بتوسط پسرش عبد اللطیف در دولت عباس نامی بتقل رسید نعش او را بسمرقند نقل کردند در کهنه

ابیر تیمور دفن نمودند تاریخ قتلش اثنتین و خمسین و ثمانمائه بود **میرزا عبد اللطیف** بعد از قتل پدر پادشاه شد

و سال را بسر برد و پیوسته از اشعار نظامی این بیت را میخواند **شعر** مدر کیش پادشاهی را نشاید اگر باید

بخرشش سر نباید یکشب با تیر با حسین نام بمقتول کشته و سر او را از بدن جدا کرده بشهر آورده در پیش طاق

میرزا الغ بیک بیاویختند **میرزا بابر** با سلطان ابو سعید نزاع داشت اخر صلح کردند و خراسان او را شد

هفت سال حکمرانی کرد در سال اثنتین و ثمانین و ثمانمائه وفات یافت **میرزا ابو سعید** در رزد و خورد کردن

با ترکمان و اق قویونلو کشته شد مدت مملکت هفت سال حکمرانی داشت **حسین میرزا بایقرا** ابیر علیشیر وزیر او بود

مدت اثنتی و ثلثین سال پادشاهی کرد در سنه تسعمائه و یازده وفات یافت **بدیع الزمان میرزا** از محمد خان

اوزبک شیبانی شکست خورد فراری شد و خراسان بدست اوزبکان افتاد مدت ده سال سلطنت کرد در سنه

سنبلان نهصد و بیست وفات یافت قصبه ایست از بلاد طبرستان **البقعة مطهرة**

حضرت امام زاده علی بن جعفر صادق برادر حضرت موسی الکاظم در آمد یار سطاف اهل روزگار

آن بزرگوار را اعلی العریضی گویند و اولادش را عریضیون مانند ازایشان در حجاز و یمن و شام و عراق و دینور و اهواز

بسیارند و علی بن جعفر اصلح و اورع و افضل برادران و اقرب ازایشان بامام موسی علیه السلام بود و با آنحضرت

اظهار عقیدت و محبت میفرمود قال العمیدی و هو اصغر ولد ابیه مات ابوه و هو طفل و کان عالما کبیرا

روی عن اخیه موسی الکاظم و عن ابن عم ابیه الحسین ذی الدمعة ابن زید الشهید و عاش

الی ان ادرک الهادی علیه السلام و مات فی زمانه و خرج مع اخیه محمد بن جعفر بمکة ثم رجع عن ذلک

و کان یروی الامامة فیروی ان محمد الجواد دخل علی العریضی فقام له قائما و اجله

فی موضعه و لم یتکلم حتی قام فقال له اصحاب مجلسه اتفعل هذا مع ابی جعفر و انت عم ابیه

حرف السین

نقرب بیده علی الجیشة و قال اذا لم یرها الله یعنی شیبته اهلا للامامة ایرها انا اهلا للنار نسبته

الا العریض قریة علی اربعة امیال من المدینة کان یکن بها و امه ام ولد و یقال لولده العریضیون

قال العمد من اشیاخ اهل البیت ان السبب فی ذلک ان عان علی العریضی بامامة محمد بن اخیه

سنجار المشهورة بارض الجزیرة فی قرب النصیبین الشیخ ابو السعادات **سعد**

بن یحیی السنجاری الفقیه الشافعی و هو الشاعر المنعوت بالبهاء و اشعاره حسنة کثیرة

فی ایدی الناس و قد توفی سنة ثلثین و عشرین و ستمائة **سونقور** قصبه ایست مشهور در مجال کردستان

بقعه **مالک بن محمد** بن مالک اشتر در آنجاست **سویقیه** مکانی است از بادیه عرب **موسی بن عبد الله**

بن الجون بن عبد الله المحض بن حسن مثنی بن حسن المجتبی علیه السلام در انجا مقتول و مدفون گردید **سیواس**

از بلاد عثمانی و از مدائن سیای صغیرست در زمان قدیم در الملک کشور روم بوده اکنون دوازده نهر از باب خانه در او

مولانا الشیخ العارف الموحد عامر بن عامر البصری از اکابر متاله‌ان روزگار و افاضل

بلاغت آثار بود و قصیدهٔ ذات الانوارش مشهور آفاق در رد نگارنده از بعضی اشعارش چنان مفهوم میشود

که او شیعی بلکه علوی نژاد مؤمن نهاد بوده و بواسطهٔ مخالفان از اهل اوطان بنا چار جدا شده در سیواس روم

اقامت فرمود تا وفات یافت و در انجا مدفون گشت **سبلان** نام کوهی است در آذربایجان در

چهار فرسخی اردبیل واقع است مشهور عوام سولان گویند و قلهٔ آن کوه هرگز از برف خالی نباشد و در ورش سی فرسخ است

گویند یکهزار از انبیا در انجا مدفون اند و در فضیلت انکوه حدیثی از حضرت رسول روایت شده است من

قرأ آیة فسبحان الله حین تمسون و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و

عشیا و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عشیا و حین تظهرون یخرج الحی

من المیت و یخرج المیت من الحی و یحیی الارض بعد موتها و کذلک تخرجون کتب الله له

من الحسنات بعدد ذلک الورقة من جبال سبلان قیل یا رسول الله و ما سبلان قال جبل

بین الارمن و الاذربایجان علیه عیون من عیون الجنة و فیه قبة من قبور الانبیا

باب سیزدهم در بیان مشاهد حرف شین شاهرود قصبه

شبستر قریه ایست از دهات کوشه تبریز **الشیخ العارف الصالح التارک للدنیا شیخ**

محمود الشبستری صاحب دیوان کلش راز از جمله مشایخ اهل طریقت و صوفیه بود در شبستر

شوشه قریه بارض بابل اسفل من حلة بنی مزید
بها قبر القاسم بن موسی الکاظم علیه السلام
و بالقرب منها قبر ذی الکفل و هو حزقیل ذکر
فی ملاحمه ص

باب سی و پنجم در ذکر شوشتر

شوشتر از نواحی راشت و گیلان است هزار و هفتصد و بیست و هفت وفات یافت و در آنجا نیز مدفون گردید

فیض آثار امام زاده **السید ابراهیم** بن محمد بن ابراهیم العسکری بن موسی الثانی ابن الامیر ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام مطاف اهالی آن دیار است و **شوشتر** از بلاد خوزستان است در قدیم الزمان شوشی شهر بزرگ بوده و در ناحیه شوشتر از توابع حویزه اکنون خراب است و آثار شاهد و مقابر شهر شوشتر از انبیا و اولیا آن دیار است

از جمله **بقعه حضرت دانیال** پیغمبر در جانب مغرب شوشتر است بنای کوچکی دارد و جمعی درویش در آن ساکنند دانیال از نسل یعقوب علیه السلام است یعنی نوشته اند بعضی نوشته اند آنحضرت از جانب بهمن بن اسفندیار در بیت المقدس حاکم بود برعی گویند در زمان لهراسب بوده و گویند که حضرت دانیال و عزیر علیهما السلام بخت النصر اسیر کرده بدان ناحیه آورد خداوند آنها را از دست او نجات داد تا در اراضی شوشتر وفات یافت و

و دیگر مزار فایض الانوار امام زاده عبد الله بن حسن بن حسین الاصغر بن زین العابدین علیه السلام در آندیار در کمال اشتهارست نقیب ابو محمد الحسن بن الحسین الاصغر ینتهی الی محمد السلیق و علی المرتعش ابنی عبد الله بن محمد بن الحسن و لهم عقب کثیر ببلاد العجم و واسط و لعلی بن محمد اعقاب بالری و قزوین و لمحمد السلیق عقب بهرات و نیشابور و بلخ و جرجان و منهم عبد الله المفقود ابن الحسن المکفوف و فی بقیه العدد و الروایات لبنی الافطس بیت مثلهم و منهم السید الجلیل الشاعر الورع عبد الله بن محمد بن الحسین علیه السلام و الافطسیون اهل و ذیل طویل فی المجانة و الحلم ببغداد و دینور و هراة و نیشابور و غیرها اکثرهم الله تعالی

بقعه برآء بن مالک از اصحاب رسول الله بود و معروف است که حالاتش در تواریخ مسطورست که در روز فتح شوشتر شهید شد

و مقام حضرت خضر در طرف مشرق شهر واقع است

بقعه بشر الحارث الحافی در آنجا است مدفن بشر از بغداد و در بیجار کرد نوشته اند بموجب تواریخ در شوشترست و کان تاریخ وفاته فی مدینة تستر یوم العاشوراء من محرم الحرام السنة تسع و عشرین و مائتین ابن خلکان گوید جد پنجم بشر حافی که عبد الله بود در دولت حضرت امیر علیه السلام اسلام آورد و صلاة مروی بود اما مولدش در بغداد شد اوایل حال بنای اشتغال مینمود پس خدا تعالی او را توفیق داده در دولت امام موسی کاظم علیه السلام توبه نمود بدرجه رسید که از اولیا آمد، روزگار و صاحب کرامات گردید چنانکه مشهورست طبیعت نصرانی از برکت دیدن آب او را و اسلمان شد الحال مزار او در قصبه لکشا از اعمال شوشترست و همیشه پای برهنه میبود تا بعالم بقا رحلت فرمود و بنا بر این ملقب بحافی گشت

مزار الشیخ العارف الستار محمد سواد قدس سره

در آندیار

حرف الشین

در آندیارست قال سید محمد نور بخش فی شجرته ان محمد بن شواء کان من اکابر الاولیاء و اعیان العلماء تحدثا مرشدا من اهل تستر انتهی

مزار ماد رسهل نوشته اند که امور خانهای سهل و مزار ماد را در پیرگاه اهل شوشتر بحال خود باقیست و شبهای جمعه مردم آندیار بزیارت مزار آمده بسادرت مینمایند

مزار شیخ شمس الدین وسید ضیاء الدین نور الله بن مجد شاه مرغشی در چندواسطه بحضرت علی بن الحسین نسبش منتهی میشود در شوشتر مدفونست

سادات مشعشع والی خوزستان بودند اول ایشان **سید محمد** بود در سنه مشصد و بیست شش خروج کرد و بر تمامی خوزستان چون شوشتر و زنول و حویزه استیلا یافت و خود را ملقب بمهدی ساخت بعد از چهل سال حکمرانی در سنه مشصد و هفتاد و وفات یافت نسبش بر اینگونه است سید محمد بن سید فلاح بن هیبت الله بن حسن بن علی الملقب بن السید عبد الحمید نسابه بن ابو علی فخار بن ابو الغنایم بن ابو عبد الله الحسین بن محمد بن ابراهیم المجاب بن محمد الصالح بن الامام موسی الکاظم علیه السلام

مولا علی در اواخر ایام بر پدرش سید محمد استیلا یافت و زمام اختیار از دست او برون برده سرور آقوم شد و ایشان بر این عقیده اند که روح مطهر حضرت امیر المؤمنین در او حلول کرده آنحضرت در حیات است لهذا تا خت بعراق عرب برد و شاهد مقدسه را غارت کرد آخر الامر در رود خانه کردستان خوست غسل نماید با شیری بقتل رسید

سید حسن بن سید محمد بعد از برادر و پدر سلطنت کرده ولایت جزایر و نواحی بغداد را متصرف در آورد و چون او کریم و فضیلت دوست بود علمای شیعه کتب در رسائل بنام او نوشتند و دیگر

سید علی با برادر خود **سید ایوب** در حکمرانی شرکت نموده سرور آقوم شدند وکیل سلطنت و صاحب اختیار ایشان شیخ محمد برادر قاضی عبد الله شوشتری بود که از آثار او در شوشتر طاق سنگی است که در برابر روضه امام زاده عبد الله واقع است و این بیت بر او مکتوبست

شعر تمام گشت بحمد الله این بنا چنین بسعی صاحب اعظم محمد حسین آنوقت شاه اسمعیل سوی عازم بغداد شد هر دو برادر را با اعیان آنطایفه در سنه اربع عشر و تسعمائه بقتل آوردند حویزه و شوشتر و سایر اراکای خوزستان بتصرف اولیای دولت صفویه آمد

سید فلاح قایم مقام شده بعد از نهضت شاه اسمعیل از شوشتر بجانب فارس خروج نموده حویزه را در تحت تصرف آورده شهرهای اللایق بدرگاه شاه اسمعیل فرستاده ولایت حویزه را باو مفوض داشتند

سید بدران در شجاعت و کرم یگانه روزگار بود پس از پدرش سید فلاح قایم مقام گردید و او امر و نواهی درگاه شاهی را مطیع و منقاد بود

مولی السجاد حاکم حویزه و نواحی عربستان شد و از مخالفت فرمان همیون بغایت هراسان بود ولکن مردش بهانه که تابع سلاطین روم اند حوالی شوشتر و زنول بجاروب غارت رفتند

شکر آباد از قراء قنزوین است

امام زاده علی بن عون بن علی بن ابی طالب علیه السلام در آندیار مقتول و مدفون است

شکر آباد

ملوک شعشع

باب چهاردهم در بیان مشاهد حرف صاد

صباعیه قریه‌ایست از نواحی جزایر کما در اطراف شط العرب واقع است السید الفاضل المحدث الادیب الکامل **السید نعمت الله الجزایری** صاحب انوار نعمانیه قریه‌ایست نزدیک بسقط الرأس انجا بست سنه هزار و یکصد و دوازده در قریه صباعیه وفات یافت و در انجا نیز مدفون گشته نسب باهر السید نعمت الله بدانکونه است نعمت الله بن عبد الله بن محمد بن حسین بن احمد بن محمود بن غیاث الدین بن مجد الدین بن نور الدین بن سعد الدین عیسی بن موسی بن عبد الله ابن الامام موسی الکاظم علیه السلام

صالحیه در ضمن دمشق گذشت

صدیقی طائفه‌ایست از سادات که در هندوستان در لاهور و کشمیر و دهلی و غیره ببسیارند سلسله خود را بحضرت اسمعیل بن امام جعفر صادق میرسانند و قریب بستی هزار ارباب خانه سادات صدیقی‌اند عموماً مؤمن و متقی میباشند

صفین بکسر الفاء موضع علی الفرات من جانب الغربی بطرف الشام و کان هنالک الوقعة بین علی و معویة و قصه انجا در کتب تواریخ مسطور است و بیان را قاسطین گویند برای انکه معویه و اتباع آن از حق عدول کردند و با علی علیه السلام محاربه نمودند

اسامی شهدای صفین

عمار بن یاسر از صحابه عالیمقام و از مؤمنین قدیم الاسلام بوده در مبادی حال از کفار ایذای بسیار کشیده و عمر عمار نزدیک بیکصال بوده در سنه سی و هفت هجری در واقعه صفین شهید شد و قال فی حقه رسول الله صلی الله علیه و آله یا عمار یقتلک الفئة الباغیة و یقول الخوارج عمار حیث دار و قتله ابو غادیه من اصحاب معویة لما قتل احتمله امیر المؤمنین الی خیمته و جعل یمسح الدم عن وجهه و یبکی و یقول ما زال مبغضا فی سبیل الله حتی قضی صبرا

اویس القرنی الیمنی قال فی حقه رسول الله نفس الرحمن من قبل الیمن و فیه التابعین انجناب ادراک جمال شریف حضرت رسالت پناه را نکرد و غایبانه بانحضرت ایمان آورد سید محرر نجش در شجره اولیا گوید اویس القرنی المجذوب قدس سره هو الذی وصف رسول الله صلی الله علیه و آله بالولایة و قال انی لاجد نفس الرحمن من جانب الیمن و قال ایضا و هو سید التابعین فضی و صفه النبی لا حاجة له الی وصف احد من الامة این جمله از انجناب نقبا از اصحاب کبار رسول مختار و از مخلصین و مجاهدین امیر المؤمنین حیدر کرار بودند در غزوه صفین بدرجه شهادت رسیدند

ابو الهیثم مالک بن التیهان الانصاری **خزیمة** بن ثابت الانصاری ملقب بذی الشهادتین بود

مالک بن الهیثم الانصاری عبد الله بن بدیل بن ورقا الخزاعی عبد الرحمن بن حنبل الجمحی ابی بن قیس ابو سلمان ابو عمر انصاری هاشم بن عتبه عقبة بن هاشم شرحبیل ابو الفضاله ثابت بناتی حارث بن قیس سفیان بن زید علقمة بن قیس عمرو بن محصن ابو الشفاع بجلی عمرو بن حصین عمرو بن دینار الکوفی فاکهة بن سعید عتبة بن جوبه مالک بن مر النهشلی کیسان غلام علی ابو عرفا عقیل بن مالک صفوان و سعید پسران حذیفة الیمان خالد خلده احمر غلام علی علیه و علیهم السلام

صوفی آباد سلطان المتالهین الشیخ امیر رکن الدین علاء الدوله احمد بن محمد البیابانکی از ملوک سمنان بود و بعد از بازگشت از رسالت نزد سلطان غازان بسریر و در یکی از جنگها که سلطان را با عدو بود دیر اجل بدو رسید

باب شانزدهم

بعد از آن سنه ششصد و شانزده هفت در بغداد شیخ نورالدین اسفرائینی رسید در وقت مراجعت از حجاز از شاد یافت
بعد از سنه مقتصد و بیست در خانقاه سکاکیه در مدت شانزده سال صد و چهل اربعین معتکف بود و بریافت
مشغول بود کوبند فیض ارشاد او بجای رسید که جامع جمیع سلاسل متاخرین گردید چون عمری بهفتاد هفت رسید
شب جمعه سنه هفتصد و سی شش در برج احرار صوفی آباد بجوار رحمت حق پیوست در خیره شیخ عمادالدین

عبدالوهاب مدفون کشت **صور** از بنادر شام و دار الحکومه جبل آت از معابر انجا

حکیم فیثاغورس بکسر اول حکیمی آت در هندسه و هیئت و جغرافیا استاد آ
ظهورش پنجهار هزار و نهصد و ده سال بعد از هبوط بوده آن کسی آت که عقیده اش این بود
که آفتاب ساکن و زمین متحرک آت و در سنه نهصد و چهل هفت هجری این سخن در میان اهالی
فرنگستان شایع شد بقول او اعتقاد کردند و همچنین علم موسیقی و وضع نغمات را از احساس هوا
و از صوت حرکات فلک از ذکاوت خود تدوین نمود

حکیم اقلیدس از حکمای
عالی مقدار شهر صور آت و او را اقلیدس نجاریز گویند علم ریاضی را وی انتشر ساخت و کتابی
در هندسه نوشته و نام خود را بر آن نهاده از اهل این فن کتاب او را بسیار شرح کرده اند
و مصنفات دیگر دارد ظهورش را پنجهزار و دویست و پانزده سال بعد از هبوط نوشته اند
از کلمات اقلیدس آت الخط هندسة روحانیه ظهرت بالة جسمانیه یعنی
خط صورتی در نفس دارد بآله جسمانی که قلم و انگشت باشد وجود خارجی پیدا میکند بقعه
و مدفن و مقبره این دو حکیم در شهر صور واقع آت فیثاغورث یونانی بود اقلیدس صوری بود

باب پانزدهم در بیان مشاهد حرف ضاد

ضلع قصبه آت از بلاد ناطولی در یکمنزلی آماسیه واقع و اطراف آن واسع قریب مزار باب خانه
در اوت مردمش ترک زبان و حنفی مذهب اند **مزار السید معالی** بن علی بن محمد بن ابی
الغایر الاکبر بن معالی بن علی بن حمزه بن سلیمان بن عبدالله بن حسن مثنی بن الحسن المجتبی
در آنجا آت **ضیعه** از قرآء دمشق آت **بقعه زینب** بنت یحیی بن حسن
در آنجا آت که مشتهر بزینب کبری بنت علی شده در ضمن دمشق تقدیم یافت

باب شانزدهم در بیان حرف طاء

طایف بلده آت از حجاز مرکز شریف شافعی و حنفی مذهب اند الی الان که سنه ست و سبع و تسعمائه آت
مسافت

حرف الطاء

جمعی از اهلبیت اطهار و از اصحاب کبار در آنجا آرمیده اند از جمله **ابن عباس** رضی الله عنه در شب اربعاء ولادت
یافت و هفتاد و دو سال عمر کرد در سنه ثمان و ستین در طایف وفات کرد و دیگر مزار **محمد بن حنفیه** در طایف
نیز هست اگرچه اصح روایت آن آت که در بقیع آت لکن در طایف نیز آنحضرت را زیارت میکنند در سال اشتاد یلم از هجرت
وفات کرد **محمد الاکبر** ابن الامام علی و هو المشهور بابن الحنفیه و کنیته ابوالقاسم و ولد اربعة
و عشرین ولدا و العقب فی اولاده من رجلین قتیل الحرة بقیة عقبه فمنقرض و من ولده بمصر و الصعید
و شیراز و اصفهان و قزوین و منهم نبوا الصیاد بالکوفة و هم من اولاد الحسن بن الحسین بن العباس
بن جعفر بن محمد الاکبر بن علی امیر المومنین و مزار **السید سلیمان** بن عبدالله بن موسی الجون
بن عبدالله المحض بن الحسن المثنی بن الحسن المجتبی در موضعی از طایف که معروف بکور آ مدفون آت **وجندل بن جنادة** از اصحاب کبار بود
و **محمد بن مسلم** طایفی از اصحاب ابی جعفر
و ابی عبدالله علیهما السلام بود از جمله راویان ممدوح و صحیح کو و از آن هیجده آ نفرند که علمای رجال
ذکر نموده اند که اجماع آت بر تصحیح یا تصحیح عنهم از آنها برخواسته و در آنجا نیز مدفون آت

طالش دولاب

بقعه سید شرف الدین شاه انجاب
محالیات در دار المرز گیلان در هفت واسطه از اولاد حضرت امام موسی الکاظم آت در آنجا مدفون آت و دیگر از بقاع آنجا مولانا
میر شمس الدین شهور بنبیره سبنه آنجاب عالم و عارف و عابد و زاهد و مجاهد و مرتاض بود
آنجاب جد نهمی فقیر مولف و جد سادات حسینی خلخال آت مزارش مطاف اهالی اند یار آت

طبریه

طبریه بلدة بقرب دمشق بینهما ثلاثة ایام مظلة علی البحیرة و جبل الطور مظل علیها
و هی مستطیلة علی البحر تخوم فرسخ بناها ملک من ملوک الروم اسمه طبایریه و بها البحیرة
عشرة امیال فی ستة امیال و کبریتها حاطت بها الجبال ینصب الیها فضلات الانهار
و بها معدن المرجان و فی وسط البحیرة صخرة منقورة طبقت بصخرة اخری یظهر من بعید
زعموا انها قبر سلیمان النبی و بطبریة قبر لقمان الحکیم بها نهر عظیم و الماء الذی یجری فیه
نصفه حار و نصفه بارد و ینسب الیها سلیمان بن احمد الطبرانی احد الفضلاء المعروفین
من تصانیفه المعجم الکبیر و لد سنة ستین و مائتین بطبریة الشام و سکن اصفهان الی

طرابلس سفلی وهو غرزة وان الغرزة مدينة
في اقصى الشام من ناحية مصر بينها وبين
القدس مرحلة وفيها مات هاشم وبها ولد الشافعي

باب شانزدهم

الا ان توفي بها في شهر ذي القعدة سنة ستين وثلاثمائة وعمره تقديرا ماة سنة ودفن الى
جانب حمة الدوسي صاحب رسول الله وحمه رجل من اصحاب النبي خرج الى اصفهان غازيا في
خلافة عمر بن الخطاب ومات باصفهان **طرابلوس** شهری است در کنار دریای روم از شهرهای
فلسطین است مزار فیض آثار **حضرت هاشم بن عبد المناف** در آنجاست هاشم
بقصد تجارت از مدینه بشام رفت سلمی دختر عمرو پسرش عبد المطلب که طفل رضیع بود در مدینه بودند هاشم بعد از خرید
مال التجاره از شام حرکت کرده در حالتیکه مریض بود در بین راه مرض شدت کرده در منزل طرابلس وفات
یافت **الشیخ زید بن علی بن عبد الله الفارسی الفسوی** قال ابن عساکر
في تاريخ دمشق كان فاضلا عالما تعلم اللغة والنحو عارفا بعلوم كثيرة شرح الايضاح
وخمسة ابي تمام اقام بحلب ثم سكن بدمشق ومات بطرابلس الروم في ذي الحجة سنة سبع
وستين واربعمائة **طی** بسمعانی گفته که آن نام پدر قبیله ایست از عرب که سلسله نسب او بقحطان میرسد
والمراد هنا طوريسنا وهو جبل بقرب الرملة على طريق من يريد بيت المقدس وبينه وبين عمان
ثلاثة ايام وفيه كان مسكن طي وهو الذي ينسب اليه جبل طي وفيه كان منزل حاتم الطائي
شیخ محی الدین در عرفان نقطه **حاتم عبد الله بن سعید** در میان قبایل خود در کمال اشتهارات
وحاتم الطائي بكسر التاء اسمه عبد الله بن سعيد الحشرج كان جوادا شجاعا شاعرا
مظفرا اذا قاتل غلب واذا سئل وهب واذا اسر اطلق واذا اسرى انفق قال شاعر في
حاله **شعر** لو ان في القوم حاتما على جوده ما جاد بالمال الا حاتم انتهى **طیبه**
قریه ایست در عراق عرب قبر منور **دعبل خزاعی** در آنجاست دعبل شاعر من خزاعه
مشهور في اصحابنا بالايمان وعلو المنزلة وعظم الشان واليه ينسب كتاب طبقات
الرجال وقصته مع الرضا مشهورة دعبل ابو علی بن علی الخزاعی اصلش از کوفه است تولدش در
سال وفات حضرت جعفر صادق بود روزگاری در بغداد اقامت کرد و دیدار چهار ائمه را درک نمود
وهمراه حضرت رضاء بخراسان رفت بعد از وفات آنحضرت باز بعراق عرب برگشت و نود و دو سال
عمر کرد سنه دویست و چهل و شش هجری در بلده طیبه که میان واسط و اهواز در شوشتر واقع است
وفات یافت قصیده اش در لامیه و افواه مشهور و شرح حالش با حضرت رضاء در کتب سطور است

طیسفون

در زمان قدیم شهر عظیم و محکمه سلاطین ساسانیان بود و دجله از شرقی آن میگذشت
شهر طیسفون مابین بغداد و مداین واقع بود و در اراضی مداین صفت شهر بود که مداین سبعه میگفتند اسمش طیسفون
و در مقابل آن در ساحل یمین دجله شهر معتبر بود موسوم به سلوس اعراب طیسفون و سلوس را بر روی هم مداین
میگفتند یا این دو شهر را با پنج شهر دیگر مداین سبعه میگفتند و بعد محض تسهیل سبعه را انداخته اند و بزعم بعضی مداین
همان طیسفون است و بس فنها بفردوسی اسم جمع داده اند بالجمله شاپور ذوالاکتاف و پروین بن هرمز و انوشروان
عادل بتکمیل بنای آنشهر پرداخت تا معروف بایوان کسری شد و قبور اکثر ایشان در آنجاست و بنای باشکام طاق
کسری در هیچ جائی از ایران دیده نشده سرای متین و محکم بوده **ظهیر فاریابی** گوید جزای حسن عمل بین که روزگار ستمگر
خراب میکند بارگاه کسری را و شرف الدین در قصیده برده گفته و بیت ایوان کسری و هو متصدع
کشمل اصحاب کسری غیر ملتئم شیخ سعدی گفته چو عیشی در افتاد نیاید بدست تو لرل در ایوان کسری فتاد
شخصی بدیده عبرت ایوان مذکور را مشاهده نماید چنان حالی او را دست دهد که گریان میشود مقدار یکصد و
هشتاد قدم طول آنقصر و هشتاد قدم ارتفاعش هیا شد انسان که می بیند حیرت دست میدهد خاقانی
گوید **نظم** هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آئینه عبرت دان یک ره
زره دجله منزل بمدائن کن وز دیده دوم دجله بر خاک مدائن ران دندانه هر قصری پندی دهرت نو نو
پند سر دندانه لشنو ز بن دندان گوید که تو از خاکی ما خاک تو ئیم اکنون کامی دو سه بر ما نه انگه دو سه هم بر ما نشان
این است همان ایوان کز نقش رخ مردم خاک در او بودی دیوار نگارستان امروز تو بر زینی زیراک خورده ات
بجای می در کاس سر مرد خون دل نوشروان پرویز بهر خوانی رزین تره بنهادی گردی ز بساط در رزین
تره را بستان پرویز کنون کمشد زان کمشده کمتر کو رزین تره کو بر خوان رودکم تر کو بر خوان مرحوم رضوان
جایگاه ناصر الدین شاه شهید طاب ثراه در فیکه بزیارت عتبات عالیات رفت بدین طاق کسری تشریف برده
بادات خود طول و عرض ایوان کسری را بدقت معین فرمود طول فرش انداز ایوان چهل و هشت ذرع قطر پایه
دیوار رو است هفت ذرع و یکچارک قطر پایه در گاه سمت شط چهار ذرع و نیم است قطر پایه در گاه
دست چپ هفت ذرع و یکچارک عرض دهنه طاق سی و چهار ذرع و نیم ارتفاع طاق سی و دو ذرع دهنه های
طاق از ابتدا تا انتهای سمت شمال نه ذرع طول در گاه سمت شمال نه ذرع عرض در گاه سمت شمال چهار ذرع

باب شانزدهم

در ذکر ملوک ساسانیان

اردشیر ۱ با بکان بود به احیای مذهب زردشت پرداخت و بارهم بنصاف داد سال جلوس دویست و بیست و شش میلادی وفاتش دویست و چهل مدت سلطنتش چهارده سال بود ۲

شاپور اول اسپراطور روم را اسیر کرد و ظهور مانی در زمان او کرد بیست سال وفاتش دویست و هفتاد و یک مدت سلطنتش بیست یکسال ۳

هرمز اول مانی را کشت بعد از یکسال سلطنت در سنه دویست و هفتاد و دو وفات یافت ۴

بهرام اول مانی را کشت بعد از سنه سال پادشاهی سنه دویست و هفتاد پنج وفات کرد ۵

بهرام دوم ارمنستان را ازدست داد ۶

بهرام سیم مدت سلطنتش چهار ماه بود ۷

نرسی قیصر روم را اول مرتبه شکست داد بعد از نه سال شکست خورد در ارمنستان و بین النهرین را ازدست داد مدت نه سال سلطنت کرد ۸

هرمز دوم عادل بود ویبل بآبادی مملکت داشت مدت شش سال حکمرانی کرد ۹

شاپور ذوالاکتاف اعراب را مقهور نمود بارهم جنگ کرد بعد از مدت هفت سال حکمرانی سنه سیصد و نه وفات یافت ۱۰

اردشیر دوم مدت چهار سال حکمرانی نمود ۱۱

شاپور سیم مدت سلطنتش پنج سال بود ۱۲

بهرام چهارم مدت یازده سال سلطنت کرد ۱۳

یزدگرد اثیم اهل مذهب را آزار کرد مدت بیست سال سلطنت کرد ۱۴

بهرام گور بارهم جنگ کرد خاقان ترک را شکست داد در باطلاق فرورفت ۱۵

یزدگرد دوم ارمانه را ارزدشتی کرد هیاطله را مقهور نمود آخر از آنها شکست خورد ۱۶

هرمز سیم دو سال سلطنت کرد ۱۷

فیروز به ارمانه ستم کرد از هیاطله شکست خورد و کشته شد مدت بیست چهار سال سلطنت کرد ۱۸

بلاش با هیاطله صلح نمود از منشار منظم ساخت ۱۹

جاماسب مدت دو سال سلطنت کرد ۲۰

قباد قبایل خزر را مقهور نمود پیرو دین مزدک شد باین جهت او را خلع نمودند بگنگ باطله باز سلطنت یافت بارهم بنصاف داد مدت سلطنتش چهل و یکسال بود ۲۱

انوشیروان مملکت را از حیث نظم دولتی بهر جهت یاری رسانید بزرگترین سلاطین ایران شد نام نیکی در جهان بیادگاری گذاشت چنانکه شیخ اعظم شیراز گوید **شعر** رنده است نام فرخ نوشیروان بعدل گرچه بسی گذشت که نوشیروان نماند در سال دوم سلطنت او حضرت خاتم الأنبیاء بولادت باسعادت خود عالم را منور کرد و آن سنه معروف بعام الفیل است از قرار مشهور آنحضرت خود بیانات کرده فرموده است که ولدت فی زمن الملک العادل شیخ سعدی نظر باین حدیث در مدح ابوبکر بن سعد گوید **نظم** سزد گر بدورش بنازم چنان که سیدبدوران نوشیروان کو نبود در شرف ولادت حضرت رسول الله دوازده کنگره از طاق کسری ریخته خراب گردید مدت سلطنتش سی نه سال بود ۲۲

هرمز چهارم ظالم بود بتوسط بهرام چوبینه خاقان ترک را شکست داد بعد برادر شوریده وی را در سال پانصد و نود کشته مدت سلطنتش یازده سال بود ۲۳

حرف الطاء

خسرو پرویز از دست بهرام چوبینه بروم پناه برد بعد با پسر اطور موریس بهرام شکست داد مدت سلطنتش سی و شش سال بود ۲۴

قباد دوم با شیرویه باهرا کلیوس صلح کرد تمام برادران خود را کشت ایکسال سلطنت کرد ۲۵

پوران دخت ۲۶

آزرمیدخت ۲۷

یزدگرد سیم از اعراب شکست خورد در مرو کشته شد و سلطنت عجم منقرض گردید

ومانی الحکیم ظهر فی زمان شابور ابن اردشیر وقتله بهرام بن هرمز بن شابور وذلک بعد عیسی ۲۴ اخذ دینا بین المجوس والنصرانیة وکان یقول بنبوة المسیح ولا بنبوة موسی والمنانیة اصحابه یقولون ان فاعل الخیر النور وفاعل الشر الظلمة

ومزدک در ایام قباد پدر انوشیروان ظاهر شد و گفت نور و ظلمت هر دو قدیم اند خدا دند مال و نعمت را برای اولاد آدم آفریده فقیر و غنی همه شریک و در اموال و فروج تصرف نمایند بر کس حرام نباشد و وطی با محارم را حلال دانست و مواسات در ملک و مال در زوجات ترغیب کرد قباد فریب مزدک را خورده بعقاید سخیفه او معتقد شد مزدک چون کستاخ شد خواست بمادر انوشیروان درآمیزد شاه زاده مانع شده کینه مزدک در دلش بماند پس از زمانی فساد کار بجائی رسید که هیچ پدر پسر خود را نمیشناخت و هیچ پسر نمیدانست پدرش کیست و قباد خواهر مادر را بشرع مزدک با برادرش بهرام زرمید چون انوشیروان بر تخت سلطنت نشست با وزیر خود بوزرجمهر در قتل مزدک و مزدکیان مشورت کرد آنوقت مزدک را بقتل رساند در یک روز هشتاد هزار نفر از اتباعش بقتل آورد و صحن زمین را با آب عدالت از لوث مزدک و مزدکیان پاک ساخت

وحکیم بزرجمهر یا بوزرجمهر پسر بوخرات بوخرار در عهد قباد کشته شد بالجمله بوزرجمهر وزیر انوشیروان بود حکیمی بود بحکمت معروف و مدبر شهیر مشهور او بوزرجمهر در قتل مزدک و مزدکیان ساعی شد روز بروز جلالت قدر آن وزیر پر تدبیر بحضرت انوشیروان در ازدیاد بود تا کوکب بختش را بروت اقبال رسیده با تهامی انوشیروان برآنحکیم خشم گرفته او را کشت ظهور بوزرجمهر شش هزار و یکصد و سی چهار سال بعد از هبوط آدم بود قبر او قبور اکثر سلاطین ساسان در اراضی طیسفون واقع است

باب هفدهم در بیان مشاهیر حرف طاء

ظفریه از بلاد یمن است و قلعه محکم دارد و ذخایر ملوک در آنجا مخزون است سکنه اش قوم عرب عموماً زیدی مذهب اند شرفا و عرفا یمن در آنجا مدفون اند

ظهران اسم بقعه است بابین مکه و مدینه

سلاطین
حرف الظاء
ظفریه
ظهران

باب هیجدم در بیان حرف عین

عدن شهر عدن را عدنان بن اعذر بن اذاء بن الیسع بن همیسع بن سلامان بن نبت بن حمل بن قیدار بن اسمعیل بن ابراهیم علیه السلام که جد حضرت رسول الله بود بنا نهاد و بنام خود موسوم نمود کرنید **قبر شریف عدنان** در شهر عدن واقع است

عرش قریه ایست مابین مسجد بیت المقدس واقع است ده نفر از انبیاء بنی اسرائیل در آنجا مدفون اند **عکه** بندری است از بنادر شام قریب به هزار خانه در اداست **قبر مطهر حضرت صالح** پیغمبر در خارج شهر قریب بدروازه واقع و زیارتگاه ساکنان آنموضع است اقول ان هود و الصالح لیس صالح النبی ابن عبید بن ثمود بن عاد بن ارم بن سام بن نوح، لانه توفی بمکة عن ثمان وخمسین سنة **علی آباد** قریه ایست مابین بعقوبیه و جزایر واقع و بقعه در حوالی آن است **مان قبر مالک دینار** مشهور کرده اند که قبر مالک اشتر است غلط مشهور است زیرا که مالک اشتر را در راه مصر مسموم کرده حمل بمدینه نموده در بقیع دفن کردند **عین الورد** از اعمال قرقیسا در مابین حدیثه و رقه واقع است **سلیمان** بن صرد خزاعی **مسیب** بن نجبه **عبدالله** بن سعد ازدی **عبدالله** بن والی التیمی **رفاعه** بن شداد بجلی از اصحاب علی علیه السلام بودند و از اشخاصی بودند که حضرت حسین را بکوفه دعوت کردند بعد از تشریف آوردن حضرت بکربلا از ترس ابن زیاد نصرت و یاری برامام نکردند بعد از واقعه کربلا خروج کردند و در محل مزبور بدرجه شهادت رسیدند **عین وزران** از توابع دماوند است **امام زاده عبدالله** بن جعفر صادق علیه السلام در آنجا مدفون است

باب نوزدهم در بیان مشاهد حرف غین

غجدوان بلده ایست از توران **شیخ عبدالخالق** غجدوانی از اکابر عرفا و قرای نقشبندیه و مرید خواجه یوسف همدانی بود **خواجه عطاء الله** از مشایخ سلسله نقشبندیه در آنجا مدفون اند **غدیر خم** موضعی است مابین مکه و مدینه نزدیک بجحفه

عباس آباد

قریه ایست از محال تنکابن مزار حضرت ایوب پیغمبر در آنجا در کنار کاظم رود واقع است بلقای تبعه اش قبری ست بواسطه زلزله رسیده و بر لوحه بر صندوق آویزان است چنین نوشته اند ایوب بن موجر بن تارخ بن عیص بن اسحق بن ابراهیم و بر حول آنجا قبور بسیار است و این اشعار بخوکیته بدر آن ایوان نوشته شده خطی آب طلا منشی

قضا و قدر نوشته بر دراین کاروانسرای دو در کرای زقافله دا ماندان ره پیما اگر کنید درین کاروانسرای گذر زنگدرش چو نسیم صبا درون آئید برون روید چو خورشید ار در دیگر همین رواق زراندود را که می بنشید نشین جم گاه دس بود با نو در

پدر چو جان عزیزش بلب رسید بگفت یکی نصیحت من گوش کن تو جان پدر بهر دیار که در چشم خلق خوار شوی

سبک سفر کن ازآنجا برو بجای دگر درخت اگر متحرک شدی زجای بجای نه جو زاره کشیدی و نه جفای تبر

و چشمه در آن نزدیکی است که گرم ایوب در آنجاست گویند این همان چشمه است که بدن را در آن شست اکنون در میان آن چشمه بشکل خراطین به کلفتی انگشت بزرگ و کوچک بروی سنگهای نرم و سفید پیدا میشود و تحقیق آن است که ایوب بن عیص بن اسحق که در قرآن مجید مذکور است و نام زنش بسیا دختر یعقوب بود بعد از هفت سال ابتلا و طول مرض عرض کرد انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب و حضرت باری فرمود ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب (الخ) منزل آنحضرت در قریه نوا از مضافات حوران در منزلی دمشق بود قال فی المراصد نوا بلیدة من اعمال حوران وقیل هی قصبتها وهی منزل ایوب وبها قبر سام بن نوح وقال ایضا دیر ایوب قریة بحوران من اعمال دمشق کان یسکنها ایوب وبها ابتلاه الله عز وجل وبها العین التی رکض برجله والصخرة کان علیها وبها قبره صاحب این از کتاب مزارات نقل میکند اجمله مزار جناب ایوب را در سمرقند نشان میدهد و محل طواف مردم و زیارتگاه مشهور است و در آن حوالی نیز قریه ایست نام آن نوا باشد

قال فی المراصد نوی من قری سمرقند علی ثلثة فراسخ بقریة دوان ص

ذکر مشاهد حرف الغین

غری

غزنین

غزنویان

سلاطین غزنویان

در آنجا کوه الی است که غدیر الجحفه نامند حضرت رسول در حجة الوداع در روز هجدهم ذی حجه تحریم التعیین امامت و خلافت حضرت علی را در آنمکان فرمود و مسجد غدیر اکنون دیوارش باقی است و علامتش معلوم است

غری نام زمین نجف الاشرف است در ضمن حرم مهادرج شد

غزنین قصبه ایست از بلاد زابل و افغانستان مابین قندهار و کابل واقع است **الشیخ العارف الکامل مجدود** بن آدم الشهیر به **حکیم سنائی** از اشراف روزگار و کبرای شعرای صوفیه عالیمقدار بود سنه پانصد و بیست هجری در قصبه مزبور بجوار رحمت ایزدی پیوست و در آنجا نیز مدفون است و کتاب حدیقة الحقیقه و چند کتاب مثنوی دیگر دارد شیخ بزرگوار محب خالص العقیده برائمه اطهار است و از اشعار آنجناب این یک رباعی در نظم آمد

رباعی

ای سنائی ز قوت ایمان مدح حیدر بگو پس از عثمان
با مدیحش مدایح مطلق زهق الباطل است جاء الحق

و شیخ رضی الدین لالا ابن عم حکیم سنائی نیز در جوار حکیم سنائی مدفون است الفاضل المحدث المتکلم **علی بن الحسین واعظ غزنوی** واعظ خوش تقریر و محب خالص العقیده بود ابن الجوزی در کتب خود از مقالات وعظ او نقل کرده سلطان مسعود بنظم او مینمود در مجلس وعظ او حاضر میشد چون سلطان وفات یافت مخالفین بمقام اهانت در آزار او بر آمدند و او هم در همان ایام بیمار شد در محرم الحرام سنه پانصد و چهل و شش وفات یافت و در رباطی که در باب ارزج واقع و مأوای خود بود مدفون گردید

و اما مقبره ملوک غزنویه که مدت سلطنت ایشان دویست سال بود در قصر فیروزه غزنین واقع است

ذکر ملوک غزنوی اول ایشان **ناصر الدین سبکتکین** اکثر ممالک را مستعرف شد و در هندوستان فتوحات کرد امیر نوح سامانی را یاری نمود مدت سلطنتش نوزده سال در سنه سیصد و هشتاد و شش هجری وفات یافت

۲ **اسمعیل** با برادرش سیف الدوله نزاع کرده مقهور شد و مدت هفت ماه سلطنت کرد

۳ **محمود** ابو القاسم ملقب بسیف الدوله بعد بیمین الدوله و امین الملة شد در هندوستان فتوحات نمود و ماوراء النهر و خوارزم و عراق را متصرف گردید و شعرا و فضلا را مروج بود و احسان میکرد مدت چهل و چهار سال سلطنت کرد سنه چهار صد و بیست یک وفات یافت در قصر فیروزه غزنین مدفون گردید

۴ **مسعود** محمد او را کور کرد از سلطنت انداخت کریم دنیکوکار و دانش دوست بود سلجوقیها خراسان را از و گرفتند در سال چهار صد سی دو وفات یافت مدت یازده سال حکمرانی کرد

۵ **محمد** بعد از مسعود سه ماه سلطنت کرد مودود بن مسعود او را گرفت و **مودود**

باب بیستم

در سند و ستان تسلط یافت ۸ ایران را از دست داد در سنه چهار صد و چهل یک وفات یافت ۷ **رشید** مدت غلام خود کشته شد مدت چهار سال سلطنت کرد سنه چهار صد و چهل و چهار وفات یافت ۹ **فرخ زاد** با سلاجقه زد و خورد نه سال سلطنت کرد سنه چهار صد و پنجاه یک وفات یافت ۱۰ **ابراهیم** با سلجوقیان صلح کرد از ایران چشم پوشید در چهار صد و نود و دو وفات یافت مدت حکمرانیش چهل و کسال بود ۱۱ **ارسلان** از سلطان سنجر شکست خورد مقهور شد مدت ده سال پادشاهی کرد ۱۲ **بهرام** در هندوستان ظفر کرد با غوریان زد و خورد داشت ۱۳ دولت نامه کتاب کلیله و دمنه و مخزن الاسرار با سم اوست ۱۳ **خسرو** از غوریها شکست خورد در هندوستان بحیات بی کفایت بود غوریها در اکثر شهر غزنویان را متقرض ساخته مدت بیست و شش سال سلطنت کرد در سنه پانصد و شصت و سه وفات یافت ۹

باب بیستم در ذکر مشاهیر حرف فاء

فاس از بلاد مغرب مسکن مردمش قوم عرب و اکثر غلب مالکی مذهب اند **شیخ ابو عمرو** مشهور بحری الفاسی از اکابر فضلا بود در بلده مذکور در داخل باب جدید مدفون است **فتح آباد** قریه ایست از نواحی بخارا در سه فرسخی آن واقع است **بقعه شیخ سیف الدین باخرزی** که او را شیخ العالم میگفتند در قریه مزبور واقع است **ومولانا میر علی مشهدی** در حسن خط در شهر مشهور آفاق بود در جوار مزار شیخ العالم مدفون است ۹

فتح چاهی است در مسافت دو فرسخ بمکه در امکان اطفال را محرم میگردانند **امامزاده عبد الله بن عمر الأطرف بن علی** ۳۰۴ در سال هفتصد و سیم هجری در فتح مدفون گردید و منقل و مدفن جمعی از امامزاده گان مشهد انجا شهید شدند قال الواقدی الفتح اسم الشعب الذی فیه محمد الحنفیة بلیه وبین مکة ستة امیال والمقتولین فیه **الحسین** بن علی بن حسن بن حسن بن علی ع و **سلیمان** بن عبد الله بن حسن بن حسن و **عبد الله** بن حسن مثلث که افطس میگفتند و **ابراهیم** بن اسمعیل طباطبا و **عمر** بن حسن بن علی بن حسن بن حسن ع و **عبد الله** بن اسحق بن ابراهیم بن حسن مثنی بن الحسن المجتبی عم مادر انجا مقتول و مدفون شدند وقاتلهم موسی بن عیسی فی ایام موسی الهادی سنة تسع وستین ومائة ۱۶۹

فدک صاحب معجم البلدان نوشته است که قریه در حجاز مال کفار خیبر بود

فتح آباد

فتح

الفتح بفتح اوله وتشدید ثانیه وادٍ بمکة قتل به حسین بن علی بن الحسن العلوی یوم التروية سنة تسع وستین ومائة

فدک

وقتل جماعة من اهل بلیه وفیه دفن عبد الله بن عمرو جماعة من الفخاء

حرف الفاء

بطریق صلح در تحت تصرف حضرت خیر البشر آمد بموجب وحی آسمانی خالصهٔ حضرت رسالت پناهی شده بود وقتیکه آیهٔ شریفهٔ آت ذا القربی حقه نازل شد یعنی اعط فاطمة فدکا پس حضرت بفاطمه فدک را تفویض فرمود و در تصرف اخلافش بود بعد از وفات حضرت فدک را از فاطمه باقهر و غلبه غصبا گرفته متصرف شدند در کتاب حبیب السیر مسطور است که هارون الرشید بموسی بن جعفر عرض کرد فدک را مجددا نمایید تا بشما واگذار کنم حضرت فرمود حد اول عدن وحد ثانی سمرقند حد ثالث افریقیه حد رابع ارمینیه است رنگ از صورت هارون پریده اول از استماع این سخن برخاست بعد از زرد و بعد سیاه گردید گفت ای کاظم حدود مملکت و قلمرو سلطنت مارا نام بردی که همه حق بنی فاطمه بوده است یعنی بانی عباس غصبا تصرف کرده ایم بعد از آن هارون از حضرت بدل شده بقصد قتلش در افتاد تا مجوس و مسموم شد

فرغانه بفتح اول نام شهری است از بلاد ماوراء النهر ترکستان **قتیبة بن مسلم** که مرد شجاع و دلیر بود در زمان حجاج بن یوسف ثقفی امارت خراسان داشت قتیبه تمام بلاد مغرب زمین را الا خوارزم و سمرقند زیر و زبر کرد آخر الامر در شهر ذی الحجه الحرام سال نود و ششم در فرغانه کشته شد قبرش در بلده مزبور است

فرما شهری است نزدیک بقسطاط مصر **بقعه جالینوس حکیم** در انجاست جالینوس از حکمای یونان بوده و از اهل ما کادونیه از انجا بروم آمد بعد در سمرقند اسکندریه ساکن شد در فن طب اوراخام الاطبا نامیده اند قریب چهار صد جلد کتاب تالیف نموده بالجمله او را از جمله فلاسفه نشمرده اند فقط طبیب خوانند میگویند مادر ای طبیعت بعالمی معتقد نبوده پس شصت و هفت سال از عمرش گذشته بود در بحر اخضر در کشتی وفات یافت جسدش را از شهر فرما بخاک سپردند این قضیه پنجهزار و هفتصد و شصت یک بعد از هبوط آدم واقع شد

فرماد آباد قریه ایست در چهار فرسخی قصبه بخارا کردس **بقعه سیدة خواتون** مشهور بشهیده خواتون از دختران حضرت موسی الکاظم ع در انجاست و معنای آن که خضر زنده میگویند کرامات حضرت خضر را در آنمکان دیده اند **فیروزکوه** مازندران مشهور اما از ایران است

امام زاده محمود در موضع جاران **وامام زاده محمد** هر دو از اولاد موسی الکاظم علیه السلام در موضع درمان مدفون میباشند ۹

باب بیست و یکم در بیان مشاهیر حرف قاف

قادسیه از مدائن عراق عرب است در زمان قدیم قصبه بود اکنون مخروبه است والقادسیة قریة قریبة من الکوفة من جهة الغرب علی طرف البادیة علی مخ خمسة عشر فرسخا وهی آخر ارض العرب واول حدود سواد العراق اذا خرجت منها اشرفت علی النجف مر بها ابراهیم

قبر النذور وقال علی
مشهد بظاهر بغداد وحرب ما حوله وصاریه فی البریة وبینه
نصف میل من الشونیزیة وبینه وبین بغداد میل
وهو قبر عبد الله بن محمد بن عمر بن زید بن علی بن
الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام کان اولا بین

باب بیست یکم

وبین سور بغداد قدر نصف فرسخ

ص

قدم

سعد بن عبید الانصاری
کنیت او ابو عمر واز عازیان
بدر بود در قادسیه شهید
شد بعد القادسیه
واین از جمله مهاجرین الصحابه
که در زمان رسول خدا قرآن
جمع کرده

ودر غاتها بالقدس وهنالک کانت وقعة مشهورة فی خلافة الثانی **عمر بن ام مکتوم** از اصحاب بود
در قادسیه شهید شد و در آنجا مدفون گردید و **قدم** از قرآ البحرین است الشیخ الفاضل المتبحر
العالم الربانی **شیخ علی بن سلیمان بحرانی** ملقب بزین الدین در دیار عجم مشهور
بام الحدیث بوده و در بلاد بحرین رئیس و متولی امور حسبیه بود در سال یکهزار و شصت چهار وفات
کرد مزارش در قدم است انجناب اول کسی است که نشر علوم واحادیث امامیه را در بلاد بحرین
ترویج شریعت و دین فرمود و حواشی بر کتاب تهذیب و استبصار نوشت و رفع بدعات
و اختلافات کرد آن بزرگوار ارشته پیرداخت یکی **شیخ صلاح الدین** بسیار فاضل بود
در علم حدیث و اخبار جامع بود بعد از وفات متولی امور حسبیه شد و بجای پدر در محفل قضات مجلس درس داشت
نماز جمعه و جماعت میخواند لکن بعد از پدر چندان باقی نماند آن هم وفات یافت در مقبره پدرش
مدفون گشت پسر دوم آن شیخ **حاتم بن شیخ علی** و او فقیه فاضلی بود سیم **شیخ جعفر** بن شیخ علی

قرباغ

و او در امر معروف نهی از منکر کمال غیرت داشت بعد از پدر امام جمعه و جماعت بود قرن الثمانیه ذکر
در دو فرسخی شیراز واقع است **سید محمد و شیخ احمد اقطع** هر دو در انجا
مدفونند

قریة العنب

از بنادر شاپور ذوالاکتاف مسکن بنی اسرائیل بود حضرت

غیر پیغمبر

با شریعت حضرت بایشان مبعوث شد با برادرش **عزیز** توام زائیده بودند
در یکوقت وفات کردند و در یکقبر در قریه مزبور دفن گشتند

قسطنطنیه

که آنرا اسلامبول یا استانبول نامند آنشهر دار الملک سلاطین آل عثمان است و فلانه که
میان آن و اسلامبول خلیج است که عریضا قریب بچهار صد گز میرسد و ابو ایوب انصاری که
طرف شمال اسلامبول بمسافت نیم فرسخ دور است و فیما بین شهر و ابو ایوب قریه ستانی واقع
و دریائی است که عبارت از کنار خلیج است طول آن دوازده فرسخ و هر دو طرفش معمور و جمعیتش
نامحصور است دارک دار الامارة دور حصارش یکفرسخ است و جمیع عمارات و بیوتات آن اکثر
سه چهار طبقه همگی از سنگ تراشیده شده و سطح بامها را **بصفایح** رصاص مرصوص کرده اند
من العجایب در میدان مسجد سلطان محمد خان سنگی است مربع تصاویر حواریون حضرت
عیسی در آن کنده شده **من الغرایب** مسجد ایاصوفیا الحال سه هزار و سیصد و پنجاه سال

بنا

حرف القاف

بنا شده هجری از احجار آن متحرک نشده و آن یک گنبد در طاق بلند در طاق است و در اندرون تا بقبه از قفاع آن معلق
گزیمیشود تقریبا هزار کس در آنمسجد نماز تواند کرد عمارات از سنگ رخام است و با آهن در هر محکم و مرصوص گردانیده اند در ماه
رمضان ده هزار قندیل چراغ در آنجا میگذارند و ده شمع بزرگ از موم کافوری بر بسیار و بین محراب وضع کرده اند
بلندی هر یک قریب پانزده گز است و قطر آن یک گز میباشد و تمام سال سوخته میشود و در اول سال دو شمع دیگر بجای او
نصب میشود در آنجا طوایف بسیار سکونت دارند ۱ حنفی مذهب و انیطا یفه بشمارند ملوک آل عثمان نیز مذهب
ابو حنیفه دارند ۲ شافعی ۳ متوسط نیز در شماره پیرون اند ۳ مالکی ۴ حنبلی ۵ نصاری ۶ یهودی ۷
جماعت علی اللهی ایشان قریب ده هزار خانه دارند حرف قادری و سراجی در آنجا مخصوص انطایفه است ۸
شیعه امامیه تخمینا هفت هزار خانه میشوند دارند سلاسل درویشان و مشایخ سلسله بکتاشی ابدالی موسائی
جلالی قادری رفاعی نقشبندی عجمی مولوی شطاری حمزوی عشاقی در آنجا بسیارند
دار شفا هم آنجا **بقعة ابو ایوب بن زید الانصاری** اسم او خالد است از اصحاب کبار
در غزوات با رسول مختار و در جمل و صفین و خوارج در ملازمت حیدر کرار مجاهد مینمود ابو ایوب در زمان
معویه بغزای روم رفت و در اثنای وصول بآن دیار بیمار گردید چون وفات یافت وصیت نمود که هر جا
بلشکر خصم ملاقات واقع شود او را دفن کنند بنا بر این ظاهر استنبول نزدیک بسور آن بلده او را مدفون
ساختند و مرقد منور او محل دعای استسقای و استشفای مسلمانان و نصاری است صاحب استیعاب نوشته
که چون اهل شام از حرب فارغ شدند قصد آن کردند که نبش قبر او نمایند مقاتل لحال باران بسیار که خیر
از قهر روزگار رسید اد بر ایشان واقع شد و ایشان متنبه شده دست از او بداشتند در جامع مصطفی پاشا
مزار **جابر بن عبد الله بن جابر انصاری** و در ایوان سرای موقوف **قبر ابو سعید خدری** مزارش
در معبد قدیم است **و ابو شیبه خدری** **و جعفر** بن عبد الله انصاری **و حمد الله انصاری**
و حسام الدین بن عبد الله از قبیل اصحاب او کیا آنه و فضلا در آنجا مدفونند و در میدان
جامع **حسنین یوقوشی** و مقام **حضرت زهرا** و مقام حضرت حسین بن علی و
معبد خانه **ابو ذر غفاری** و قبر **خالد بن ولید** و ابو درداء **و کعب** و عبد الصادق
حافر در جامع شریف **عمرو** عاص **و وهب** و سفیان در آنجا مدفونند در چشمه چنار لو مقام و مدرس و خانقاه بکتاشی

باب بیست یکم

ابو فراس الحارث بن ابی العلاء حمدانی فرید دهر و وحید عصر خود بوده و در فضل و علم ادب و شجاعت مشهور و اشعارش در کتبی معروف است و او آل حمدان را مداحی نموده در مدح اهل البیت علیهم السلام نیز مناقب بسیار دارد **قصیده** الحق معتصم والدین محترم و فی آل رسول الله معتصم قام النبی بها یوم الغدیر لهم والله یشهد والاملاک والامم او کفته و قصیده مطول است تولدش در سنه سیصد و بیست هجری بوده در سال سیصد و پنجاه بشهادت رسید قبرش در قسطنطنیه است

و اما مشهد و مقتل المولی السعید الشهید الفاضل الربانی **الشیخ زین الدین** بن شیخ نور الدین علی بن شیخ فاضل احمد بن جمال الدین بن تقی الدین الصالح العالی **الشهید** بشهید ثانی الجبائی از فقهای امامیه و صاحب کرامات عالیه بود ولادتش سنه ۹۱۱ بود در صغر سالگی قرآن را ختم کرد و مدتی مدید در خدمت پدرش مشغول تحصیل بود تا در هر علوم بر حد کمال رسید بیست و پنج سال داشت که والدش وفات یافت پس در خدمت شیخ علی بن عبد العالی کرکی برای تحصیل علوم مسافرت بسیار کرد و بمصر و دمشق و غیره رفته دکرات سفر نمود و مردم را براه حقه اثنی عشریه ارشاد مینمود و مدرسه نوریه که در بعلبک بود باو تفویض گشت بعد به بعلبک آمد در آنجا مدتی در مذاهب خمسه تدریس میکرد و به تالیف و تصنیف کتب مذهب باهر جعفری مشغول گشته کسی بر سرش واقف نبود تا علمای عرب بروی حسد بردند بسلطان سلیم که پادشاه روم بود رسانیدند که شیخ زین الدین رافضی است پادشاه مغتنم فرصت فرستاد که او را زنده بحضور من بیاورید آنها شیخ را در بعلبک گرفته بقسطنطنیه بردند و در آنجا مدتی در حبس بود پس از آن رها شد و بمکه معظمه رفت و قصد مجاورت داشت در مسجد الحرام او را گرفته مدت چهل روز در مکه حبس کردند پس از راه دریا بقسطنطنیه آوردند و سرش را بریده از برای سلطان بردند و جسدش را بدریا انداختند وقوع این قضیه نهصد و شصت پنج هجری بود و مقبره سلاطین آل عثمان که اکنون سی شش طبقه از آن سلسله در کمال اقتدار حکمرانی کرده اند قبر اسکندر خصال **سلطان عبد المجید خان** پادشاه ممالک عثمانی که سی سیم پادشاه اینده و دمان بود و چهل سال و چهار ماه الا دو روز از عمرش گذشته بود در هفدهم ذی حجه الحرام سنه هزار و دویست و هفتاد و شش از این سرای سریع الزوال فانی بعالم باقی ارتحال نمود مدت سلطنتش بیست و دو سال هفت ماه الا دو روز بود **سلطان عبد المجید خان** سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت وفات یافت **و سلطان عبد العزیز خان** وفاتش هزار و دویست و نود و دو سنه بود **قمیشه** قصبه است در ممالک فارس بقعه معروفه السید الجلیل

حرف القاف

شاه سید علی اکبر در کمال اشتهار است الفاضل الفقیه **الآقا محمد علی** بن الآقا محمد باقر الهزار جریبی المازندرانی المشهد بالنجفی کان من فقهاء الباحرین و علماء المعاصرین ولد بن الله بن لبابه بن ولد فی النجف الاشرف سنة ثمان و ثمانین و مائة و الف و توفی فی سنة وقوع الوبا بقصبة قیشة فارس وقد کان قاطنا بها فی اواخر عمره مشتغلا بتدریس الدین و هو الجناح الحرکه منها الی بعض ابناء الائمة المدفونین بقربها فاخذته المنیة فی عین تلک البقعة المعروفة بشاه سید علی اکبر فی لیلة السبت الثامن عشر من شهر ربیع الثانی احد شهور سنة خمس و اربعین و مائتین بعد الالف و دفن ایضا هناک فی الجهة الیسری من ضریح تلک الحضرة المکرمة و کان وصیه فی المعاملة علی نفسه و ماله و القائم بعده بکفالة اهله و عیاله مولانا حاجی الکرباسی المجتهد المشهور

محمد قاسم خان بن سلیمان خان بن اعتضاد الدوله قوینلو و از سلاطین **و عماد الدین احمد** و یحیی بن **مظفر** هر دو را الجلم امیر تیمور دستگیر نموده در قصبه مزبور بقتل رسانند

قندهار از بلاد افغانستان است نادر شاه بعد از آنکه قندهار را تسخیر نمود خراب کرده آثاری باقی نگذاشت در نیم فرسخی شهر قدیم شهر جدیدی ساخت و آن را نادر آباد و نام نهاد بعد احمد شاه ابدالی از جماعت افغان نادر آباد خراب کرد در نیم فرسخی آن شهر دیگر ساخت آن اشرف البلاد نام نهاد جهة مدفن خود مقبره ساخت در همان بقعه مدفون گردید و مولانا الجلیل

خلیل الله فاضل سمرقندی و المولی **نور الدین محمد** زیارت کن وفاتش در سنه ثلاث عشر و تسعمائه در قندهار مدفون است **و میر مرتضی** مدرس ریاضی و شیخ جلال الدین **ابو سعید** پورانی نبیره ملا جلال الدین ابو یزید پورانی بود در سنه احدی و عشرین و تسعمائه نبی از بام افتاد و در قندهار مدفون است

قنوج از بلاد هندوستان است السید الجلیل العارف بالله **سید عبد الله** از اولاد سید کمال الدین ترمذی از کنیهل شهر قنوج آمد و در آنجا مسکن نموده تا وفات کرد قبرش در آنجاست

قوچان از بلاد خراسان است **بقعه امامزاده واجب التعظیم شاهزاده ابراهیم** بن حضرت رضا علیه السلام در آنجا بر اطراف الملک روزگار **مزار شیخ حاجی محمد** مرید شیخ شاه علی الصوفی دارد مرید شیخ رشید الدین محمد و او مرید امیر شهاب الدین عبد الله برزش آبادی و او مرید خواجه اسحق بوده

باب بیست یکم

قودجان

قودجان از نواحی شیروان است

قوچان

شیروان بهوا قوشتانه در اول جنگیز ایل سلطان جنید رسید سنه اربع و ستین و ثمانمائه بعد ازینها دست قاینر شد جهت عمارت در موضع قودجان از نواحی شیروان ساخته شد

قودجان

قودجان قریبیست از قرآ جوفاده‌ان متصل آبه ارانج خوانسار در آنقریه ساکن بوده المولا الجلیل الفقیه العالم العامل **السید ابو القاسم جعفر** بن الحسین قاسم بن محمد الله بن القاسم المهدی انجناب همشیره زاده آقا حسین معروف بود تولدش سنه هزار و دو و فاتش سنه هزار و صد و پنجاه در مادهٔ تاریخ وفاتش گفته اند سال تاریخ وفاتش زخود پرسیدم گفت دانای ادب عالم ربانی رفت ودفن المرحوم علی ظاهر تلك القریة فی جانب الطریق فرقده الی الآن ملجأ کل فریق ومطاف من کل فج عمیق

قوینه

قوینه از بلاد روم است در قدیم الزمان شهری بزرگ بوده ملوک سلاجقه قریب دویست و شصت سال در غایت جاه وجلال انجا دار الملک نموده اند در رعایت علما و ترتیب حکما و خدمت عرفا سعی بلیغ مبذول میداشته اند چنانکه در زمان علاء الدوله کیقباد مشایخی که در آنجا بوده اند از انجمله شیخ بهاء الدین بلخی و پسر او جلال الدین رومی و شیخ حسام الدین چلبی و شمس الدین تبریزی و محی الدین اعرابی و شیخ صدر الدین قونوی و شیخ صلاح الدین زرکوب و شیخ شهاب الدین سهروردی و شیخ نجم الدین صاحب کتاب صاد العباد و شیخ مؤید الدین جندی و شیخ سراج الدین قیصری صاحب شارح فتوحات و شیخ فخر الدین عراقی و شیخ بسنوی صاحب تفسیر از علمای عامه و اشالهم قریب بهفتاد نفر از اعاظم عرفا همگی در یکزمان در آنمکان جمع بودند لاجرم شهر قونیه را دار الموحدین میگفتند و قبور اکثر ایشان در آنجاست

مولانا بهاء الدین محمد

مولانا بهاء الدین محمد والد ماجد مولانا جلال الدین رومی از بلاد بلخ بود و در نزد سلطان محمد خوارزمشاه بکمال اعتبار و اکثر از خواص و عوام دست ارادت بدامن او زده بودند کثرت مریدین و جمعیت معتقدین مایهٔ تحسد سلطان گردید بنای سعایت و اذیت نهاده بهاء الدین از سلطان رنجیده از بلخ عزم بیت الله الحرام با اهل و عیال هجرت کرده تا دار دنیشابور شدند و با شیخ عطار فرید الدین ملاقات نمودند از قریحهٔ ملائی رومی خبر داد که این فرزند دلبند تو آتش غم خود آتش در روحکان عالم زند بعد از زیارت مکه و مدینه مراجعت بشام کرد شهر قونیه را انتخاب نموده در انجا اقامت گزیده بساط افاده دایر شاد در اکبر ایند تا در سنه بهاء الدین نجلد برین انتقال کرد پس ازوی **مولانا جلال الدین محمد** صاحب مثنوی بر مسند افاده متمکن گردید ولادت مولوی در بلخ در ششم ربیع الاول سنه اربع و ستمائه در خقود سکنه و عرفان از اکابر اهل ذوق و وجدان و در علوم ظاهری و باطنی وحید عصر و یگانه دوران بود قریب چهار صد از فضلاء و حکماء عرفا در مجلس درس مولوی جمع می شدند و صحبت بزرگان دین را یافت اکثر اوقات با شمس تبریزی مصاحب بود

تا در اینجا

حرف القاف

قیصر

نا در سنه ششصد و شصت یک **مولانا شمس الدین تبریزی** بر دست علاء الدین قیصر که فرزند ناخلف مولوی بود بمصداق انه لیس من اهلك بدرجهٔ شهادت رسید و در جنب مزار مولانا بهاء الدین مدفون گردید مولانا در فراق شمس زاری میکرد تا در سنه شش شصد و هفتاد و دو وفات یافت در جوار پدر مدفون گشت و جمعی از عرفای مزور در بقعه مولوی مدفون اند از جمله **شیخ فخر الدین** وکاه الشیخ فخر الدین العراقی المعروف صاحب کتاب اللمعات من جملة تلامیذ حضرة الرفیعة **وامیر حسام الدین چلبی** القونوی وهو الذی یقول فی صفته مولانا الرومی فی المثنوی کر نبودی خلق محجوب و کثیف در نبودی خلقها تنگ و ضعیف در مدیحت داد معنی دادی غیر ازین منطق دری بکشادی مدح و توصیفت با رندانیان گویم اندر مجمع روحانیان **وبقعه افلاطون حکیم** در قونیه است لکن بعضی اورا در ماکادونیه از شهرهای یونان نوشته اند چنانکه در حرف میم شرح حالش معروض خواهد شد

قیدار

قیدار در رشته فرعی نسب آنجناب میرسد بوقت چون **قیدار پیغمبر** بن اسمعیل بن ابراهیم ع در آنقریه مدفون است لهذا آنقریه بایهم آنجناب مشهورست و نبینا صلی الله علیه وآله ینسب الی قیدار

قیروان

قیروان من بلاد العرب مدینة بافریقیه بناها عقبة بن عامر الصحابی رضی الله **الشیخ ابی اسحق** ابراهیم بن علی المعروف بالحصری القیروانی الشاعر المشهور صاحب التصانیف الکثیرة وتوفی بالقیروان سنة ثلث عشرة واربعماة

قیصریه

قیصریه از بلاد روم و سیاحی صغیر است در آنجا مقام و زیارتگاه مشهور است **از محمد** بن محمد حنفیه بن امیر المؤمنین علیه السلام وبقعتین **شیخ داود** شارح فصوص **وسراج الدین** شارح فتوحات که از اکابر حکما و عرفا در روزگار بودند در همان دیار است

باب بیست دوم در بیان مشاهد حرف کاف

کابل

کابل دار الملک افغانستان است مزار فیض مدار **ابو خالد کابلی** که نامش کنکر از اصحاب کبار حضرت زین العابدین علیه السلام در آنجا زیارت **وشیخ نور الدین محمد** بن شیخ قطب الدین از افاضل روزگار بود در سال نهصد و شش در کابل وفات یافت و در آنجا مدفون گشت

کاشان

کاشان مابین قم و اصفهان واقع است **بقعه امام زاده علی بن محمد الباقر** شهرت بمشهد بارکرس یا بارکرس ما بارکر مجد الدین راد ستانی گنبدی بر سر مزار آن بزرگوار برافراشت

قیصر

قیصر از اهل قریهٔ قیلیه فیما بین اصفهان و قمیشه مدفون است

کابل

کاشان

بقعه مطهره حضرت **امام زاده حبیب بن الامام موسی الکاظم** در آمذیار مطاف اهالی روزگار است
والمولی محمد بن مرتضی المدعو **بمحسن فیض الکاشی** قال صاحب امل الآمل ان محسن
الفیض کان فاضلا عالما حکیما محدثا فقیها شاعرا ادیبا حسن التصنیف من المعاصرین
له کتب منها کتاب الوافی الا ان فیه ملاذا الی بعض طریقة الصوفیة ملا محسن منقول از دزد
سید ماجد بحرانی و معقول را در نزد ملا صدرای شیرازی تحصیل کرد و بهترین تلامذه آخوند بود در فقه و حکمت عرفان جامع بود شاه عباس ثانی او را از اصفهان طلب نمود خود در نماز بدو اقتدا فرمود مرقدش
در دار المومنین مزار عارفین و مطاف عاکفین است **السید القاضی ابو الرضا فضل الله**
بن علی العلوی الحسینی القاشانی از سادات عالیدرجات کاشان و از زمره اکابر و فضلای
ایشان بود در وعظ و ورع و تقوی سلمان زمان بود **المولی العارف الحکیم غیاث الدین جمشید**
از اهل کاشان از اجلهٔ علمای ریاضی و عرفان بود در شصد و چهل وفات یافت **الفقیه الفاضل**
المتکلم الکامل المولا فتح الله بن المولا شکر الله الکاشانی وهو صاحب تفسیر
منهج الصادقین و کانت وفاته سنة ثمان و ثمانین و تسعمائة در تاریخ وفاتش
گفته اند **شعر** معنی دین متین کاشف اسرار مبین واقف سر قدر عالم اسرار قضا هادی وادی
تفسیر که در حل کلام خواطرش بود ز اسرار یقین پرده کشا ملکی ذات و فلک مرتبه فتح الاسلام که بداز
قوت او رایت ایمان بپا قدوهٔ اهل نقاهت که بمفتاح درش همه را بود بار شاد حق راهنما
فقها را چه ملاذی بجز آن قدوه نبود بهر تاریخ نوشتند **ملاذ الفقها و بابا افضل**
صاحب رسایل کثیره که عارف ماهر و فاضل شاعر بود و مولانا **عبد الرزاق** مؤلف تاویلات
وغیره و مولانا ارشد ولی مهوف و اشعار خوش مضمون در مرائی دار و از وزرای **معین الدین**
ابو النصر **و فخر الدین محتشم** طاهر **و بقعه ابا لولو شجاع الدین** در شهر واقع است اکثر به
اصح روایات آن است که او را در مدینه کشتند اما قولی است که بعد از قتل خلیفه ثانی بمملکت ایران فرار کرد
و بکاشان آمد و در آنجا مخفی بود تا وفات یافت **کبش** از بلاد سمرقند است **السید الادیب**
النجیب السید عبد الله علم الدین بن سید مجد الدین از نسل زید بن علی بن الحسین بود در زمان
امیر تیمور گورکان بسمرقند آمد پسری داشت اهر نام مکنی بابی هاشم و ملقب بشمس الدین سید عبد الله در کبش وفات

کرد و پسرش سید ابو هاشم بسوی عراق شد **کتل کبود** از نواحی نور مازندران است **بقعه خواجه**
صالح بن عبد السلام که نسب شریف این خواجه بزرگوار در خواجگان سابقه آمذیار به اما صلت رضی الله عنه
منتهی میشود مزارش در قریه مزبور مطاف اهالی قرب جوار است **کتهل** قریه ایست از بلاد هند **السید العارف**
الربانی کمال الدین ترمذی از ترمذ بهند آمد در قریه کتهل توطن اختیار کرده تا در آنجا وفات یافت
نسب باهره اش بدا نسیکونه است السید کمال الدین ابن السید عثمان بن السید ابی بکر بن عبد الله بن السید
ابی طاهر بن زید الشهید بن یحیی بن حسین ذی العبرة بن زید الشهید بن علی بن الحسین
کجه رستاق از توابع دار المرز مازندران است امام زاده **عبد الله** و امام زاده **جمشید** بن عون
از ذریه موسی الکاظم مشهور و در آمذیار مقتول و مقبورند **کردمین** از قراء آمل شهر یاریست در
قریه مزبور بقعه ایست از **امام زاده هارون بن موسی الکاظم** علیه السلام **کرکانرود**
محالیست از دار المرز کیلان جمعی از امام زاده های کبار در آمذیار بدرجه شهادت رسیدند منجمله مولانا
سلطان سید محمود ابو هاشم الجبلی بن السید علی العقیب النوری ابن حسن بن حسین ~~بن علی~~
~~الاصغر بن زین العابدین علیه السلام~~ مزارش در محال و ناحیه خطه سرایان جنگلیست علامتش
رضیست در هوا مانده بمیل گزان مشهور است قبر غلامش نزدیک بگوزنخی واقع است و مزار امام زاده
ابراهیم بن یحیی در لسار در محله حاجیلار پاشد **و محمد بن یحیی** مشهور بمجهر ترکش بند در محله
طوله رود واقع است **و سید یکی** در محله سینکی در کنار رود خانه کرکانرود مزارش واقع است
القریه باسم آن بزرگوار مسمی گشته که عوام سینکی گویند **وکان اسمه ابو محمد الحسن وکان عالما**
زاهدا جلیل القدر فقتلوه فدفنوا جسده الشریف فی شفیرة نهر کرکان رودة
کرک نوح قریه ایست قریب بجیلاء عامل در آنجا مقام و زیارتگاه **حضرت نوح علیه السلام** و مزار
السید الفاضل النجیب الکامل الادیب **السید حسن** بن نجم الدین الاهری انجاب قبل از وفات
از جهة خودش مقبره ساخت تا در آن بقعه مدفون گردید و خاتم المجتهدین علی بن عبد العالی از آمذیارست

کرمان

کرمان شهری است مشهور از بلاد ایران و در اصل کورهٔ ولایت کرمان است و در آمد یار صاحب آباد بسیار دارد از جملهٔ اصولی و اخباری و شیخی و صوفی و اهل سنت و جماعت و طایفهٔ اسمعیلی و علی اللهی و زردشتی و بائی و بهائی **بقعهٔ مطهرهٔ امامزاده عباسعلی** در خارج شهر کرمان در غایت شهرت و معتقد اهالی آن دیار است و مرقد الشیخ الفاضل البارع الجلیل **السید احمد** بن علی بن الحسین بن علی بن مهنا بن عتبة الداودی الحسینی در سال هشتصد و بیست و شش وفات یافت و مولانا **خاجو کرمانی** شاعر فصیح و عارف ادیب بود در سال هفتصد و چهل و دو وفات یافت **والعالم الفاضل المحدث الجامع الحاج کیرخان** بن ابراهیم سنه هزار و دویست و هفتاد و دو وفات یافت و ولد ارشدش **آقا محمد خان** از افاضل بود پدر و پسر هر دو مؤسس طریقهٔ شیخیه بودند و در کرمان مقبرهٔ شتاقیه در آن دیار معتکف عرفا و فقرا در اویش است چنانکه سنه هزار و دویست و سی و نه بفتوای ملا عبد الله واعظ **مشتاقعلی شاه** درویش را در کرمان بقتل رساندند و مشتاقعلی فقیر کامل بود عارف و سالک و صوفی و شاه نعمت اللهی و اهل ریاضت و صاحب دیوان اشعار است اکثر فقرا و مشایخین طریقت در جوار مشتاقعلی آسوده اند از جمله **رونق علیشاه** و **کوثر علیشاه** و **آقا فتحعلی** مولانا سلطان العلماء **آقا محمد رضا** ابن مهر امان عموماً در مقبرهٔ مشتاقیه مدفونند که م

شیخ عبد الله تونی صاحب وافیه از افاضل دهر و از اجلهٔ کملین عصر بود در سال هزار و هفتاد و یک عازم زیارت عتبات عالیات بود در کرمانشاهان وفات کرد آن غفران پناه را در کنار قبرستان بیل شاه دفن کردند بعد عالیقدر و السعادة شیخعلیخان کنبد عالی بر سر قبرش بنا کرد در سمت راه جاده واقع است **و شیخ ابراهیم بن شیبان** که از مشایخ عظام و صدر اهل فضل و عرفان بود در سال سیصد و بیست و دو هجری در زمان خلافت القاهر بالله عباسی در انجا مدفون گردید **و جناب آقا محمد علی مجتهد** در سمت غربی شهر در سر راه عابرین عتبات عالیات مدفون است **العالم البارع و الفاضل الجامع آقا محمد علی** صاحب المقامع بن آقا محمد باقر البهبهانی و قد ذکر تلیذه المیرزا محمد الاخباری فی کتاب رجاله الکبیر بهذه العبارة محمد علی بن محمد باقر البهبهانی المعروف بابن آقا سکن بقرمسین و بها دفن کان فاضلا متبحرا و کان صدیقا للناوکان شدید الغار بالصوفیة و موضع دفنه الذی هو معرب کرمانشاهان و هو من کبار مدن العراق و من بلاد الایران و هو واقع علی ظهر الطریق المذکورة من جانب الغربی فی شفت طریق الزائرین الی عتبات آل النبی و یدعی ذلک الموضع المحترم عند اهل العرب بالعجم البیسوتیر آقا زاده و از اجداد مشایخ سلسلهٔ علیه و مروج طریقهٔ رضویه القتیل فی سبیل الله **سید معصوم علیشاه**